

اشعار جناب نعیم

و شرح آن

موسوم

به

جَنَاتِ نَعِيمِ

جلد دوم

تألیف

جناب اشراق خاوری

مؤسسہ ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع

تایپ و ویرایش از ولولہ در شہر

<http://velvehdarshahr.org>

۱۶۹ بدیع

پیشگفتار:

دوستان عزیز و محبوب

با تقدیم تحیات خالصانه و اشواق قلبی همان طور که در پیشگفتار جلد اول ذکر شد، از آنجا که نسخه Word اینترنتی دو جلد کتاب **جَنَاتِ نَعِيم** وجود نداشت، سایت *ولوله* در شهر مبادرت به تایپ و تهیه آن کرد. کتاب **جَنَاتِ نَعِيم** شامل استدلالیه منظوم اثر قریحه سیال و استثنایی شاعر معروف بهائی جناب محمد نعیم همراه با شرح مفصل آن توسط فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری است. این کتاب ارزشمند علاوه بر دلائل عقلی و نقلی دارای مسائل عالییه اخلاقی و اجتماعی و شامل حقایق سامیه روحانی و فلسفی نیز می باشد که شاعر چیره دست همه آن مضامین عالییه را به شکل منظوم تألیف و انشاء فرموده است. (برای شرح حال جناب نعیم رجوع شود به جلد سوم کتاب مصابیح هدایت تألیف جناب عزیزالله سلیمانی)

کتاب حاضر جلد دوم این اثر می باشد. چون در نسخه منتشره مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران به تاریخ ۱۳۱ بدیع بعضی اغلاط تایپی و پاره ای اختلافات در نقل قول از بعضی منابع مشاهده شد، علاوه بر اصلاح اغلاط تایپی با استفاده از غلطنامه تهیه شده در خود کتاب، تا آنجا که امکان داشت سعی شد اغلاط دیگر نیز تصحیح و نقل قول ها با بعضی منابع در دسترس مقابله گردد و موارد اصلاحی بدون دخل و تصرف در متن اصلی، داخل کروشه [] آورده شود. در معدود مواردی هم به علت عدم دسترسی به منابع کافی این مقابله میسر نگردید. همچنین مواردی از کلمات و نقل قول ها از جمله نصوص مبارکه امر بایی و بهائی و نیز آیات و احادیث کتب ادیان قبل که بعضاً اعراب گذاری نشده بود، اعراب گذاری تکمیلی شد. بدیهی است نسخه حاضر نیز خالی از نقص نخواهد بود و ان شاءالله در آینده به کمک عزیزان صاحب نظر نقائص احتمالی برطرف خواهد شد.

سایت *ولوله* در شهر

هفتادم نوروز ۱۶۹ بدیع

مقدمه

استدلالية منظوم جناب نعیم علیہ رضوانُ اللہ یکی از شاهکارهای ادبی و استدلالی عصر رسولی دور مقدس بهائی است که در هر یک از ابیات آن به یک یا چند مورد از آیات کتب مقدسه و اخبار و احادیث مرویه اشاره شده است و مجموعاً گنجینه گرانبھائی از نکات آموزنده تاریخی و دقایق علمی و استدلالی و عرفانی است که به طور جالب و بی نظیری به رشته نظم کشیده شده است. این مجموعه چه در زمان ناظم و مُصنّف جلیلُ القدرش و چه بعد از آن بارها منتشر شده و مورد استفاده علاقمندان و مشتاقان قرار گرفته است تا این که اخیراً فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری علیہ رضوانُ اللہ شرحی بر بعضی از ابیات آن نگاشته و مجموعه اشعار و شرح آن را در دو جلد تألیف کرده و به "جَنّاتِ نَعیم" تسمیه فرمودند.

جلد اوّل "جَنّاتِ نَعیم" با مقدمه ای از مؤلف در سال ۱۳۰ بدیع منتشر شد و اینک جلد دوّم آن که پس از تنظیم و مقابله به صورت کتاب حاضر آماده شده است، برای استفاده طالبان و علاقمندان منتشر می گردد. نظر به این که شرح اشعار به طور متوالی و به ترتیب بندهای مندرج در اصل مجموعه اشعار تنظیم شده است، لذا تهیّه فهرست برای آن ضروری تشخیص داده نشد و برای اطلاع بیشتر از چگونگی تألیف کتاب، خوانندگان ارجمند ممکن است به مقدمه مندرج در ابتدای جلد اوّل مراجعه فرمایند.

لجنه ملی مطالعات و انتشارات

بند یکم

- ۱- باز آمد بهار و آمد گل
 - ۲- تکیه زد بر سریر شاه بهار
 - ۳- ابر زد آب و باد رُفت جهان
 - ۴- از سوار و پیاده صف بستند
 - ۵- پس به هر جانب از نسیم و شمیم
 - ۶- تا به هر شاخ مُرده گوید فَم
 - ۷- تا بپوید جماد سوی نبات
 - ۸- همه اجزاء کائنات شوند
 - ۹- تا ببینند قول رَبِّ رحیم
- لاله و یاس و سوسن و سُنْبُل
خطبه خوان شد به تهنیت بلبل
برق زد تیغ و رعد کوفت دُهل
در چمن لشکر شکوفه و گل
بفرستاد انبیا و رُسُل
تا به هر مرغ خفته خواند قُل
رو به مقصد کنند قطع سُبُل
حاضر اندر حضور حضرت کُلّ
کَيْفَ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيم

۱- ۹- معنی واضحست و بیت اخیر مأخوذ از آیه مبارکه قرآن است. در سوره یس آیه ۷۸ نازل شده قَوْلُهُ تَعَالَى "مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ" چه کسی استخوانهای پوسیده را زنده می کند بگو آن کسی که در اول مرتبه آن را ایجاد فرمود. سر سبزی زمین بعد از زمستان شبیه به زنده شدن مرده پوسیده است که به نفحه بهار جان تازه می یابد.

بند دوم

- ۱- گل حَمراء شکفت در گلشن
 - ۲- مَقْدَم فُرُخ مبارک گل
- بلبلان دیده شما روشن
باد میمون به بلبلان چمن

- ۳- می دهد مژده صَلُّل و فَمْرِي
 ۴- گوید آن گل برآمد از سر شاخ
 ۵- آمد آن گل که بود در همه عمر
 ۶- آمد آن گل که دیده در همه وقت
 ۷- یعنی آن گل که شصت سال کشید
 ۸- تا به فرمان و حکم حق سازد
 ۹- صَيْحَهُ صَلْح شرق و غرب زند
- می زند خنده سُنْبُل و سوسن
 که برآمد ز بلبلان شیون
 خسته خار ایتلا و مِحَن
 بلبلاننش اسیر زاغ و زَعَن
 زحمت از یار و ذلت از دشمن
 تیغ را داس و نیزه گاو آهن
 طبل ترک سلاح و حَرَب زند

۱- ۹- معنی واضحست و بیت ۸ و ۹ اشاره به نُبُوتِ اَشْعِيَاي [با تَلْفِظِ اِشْعِيَا هم ذکر شده است. در ادامه همه جا با همان تَلْفِظِ اَشْعِيَا ذکر خواهد شد] نَبِيّ است که در فصل یازدهم کتاب خود در باره آثار ظهور موعود کلّ ادیان، جَمَالِ قَدَمِ جَلِّ جَلَّالَه فرموده که در آن روز مردم بر اثر دستور الهی ترک جنگ و جدال می کنند و اسباب جنگ را به آلات زراعت و صنعت تبدیل می نمایند.

بند سوّم

- ۱- مژده یاران که یار یار شماسست
 ۲- آن که شد مرکز توجّه خلق
 ۳- آن که سرها به پایش افشانندیم
 ۴- بشتابید و جان نثار کنید
 ۵- شهریاری که شهربندِ عَدُو
 ۶- ما نکردیم خدمتی بسزا
 ۷- چشم بد دور چشم اهل جهان
 ۸- گل سُورِي به بوستان آمد
- وقت کار است و کار کار شماسست
 متوجّه سوی دیار شماسست
 او کنون تاج افتخار شماسست
 که سر و جان ما نثار شماسست
 بود صد شکر شهریار شماسست
 دیده ما در انتظار شماسست
 به تماشای روزگار شماسست
 نوبت ناله های زار شماسست

۹- مژده ای بلبلان بهار آمد بهتر از صد بهار یار آمد

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. و این بند در باره تبریک شرق به غرب است که حضرت عَبْدُالْبَهَاءِ جَلَّ ثَنَاهُ از شرق به دیار غرب برای تبلیغ امرالله و نشر کلمةالله سفر فرمودند. در این بند این موهبت را به یاران غرب تهنیت می گوید.

بند چهارم

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱- سر زد از مغرب آفتاب و قار | شرق از آن لیل گشت و غرب نهار |
| ۲- این همان آفتابِ مُستقر است | که کنون چون فلک بود دَوّار |
| ۳- این همان آفتابِ مشهور است | که به دور زمین بود سیّار |
| ۴- این همان آفتابِ نورانی است | کز خطایای خلق گردد تار |
| ۵- این همان آفتابِ کز مغرب | می نماید طلوع روز شمار |
| ۶- این همان آفتابِ کز مشرق | تافت بر غرب و دیدیش آثار |
| ۷- این همان آفتابِ عهدِ کزو | مُقتبس گردد آنجُم و اَقمار |
| ۸- این همان آفتابِ روحانی است | که از او خیره می شوند اَبصار |
| ۹- غرب را گو کنون به شرق بناز | شرق را گو کنون به هجر بساز |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. در بیت اوّل طلوع آفتاب از مغرب را که از علامات ظهور موعود اسلام است به طلوع شمس جمال عهد و میثاق از اُفق غرب تأویل نموده. این بیان صرفاً برای تشبیه است و معنی حقیقی طلوع شمس از مغرب که در احادیث اسلام وارد شده از قبل نگاشته شده و در بیت پنجم هم این مثل و تشبیه تکرار شده است.

بند پنجم

- ۱- بر شما بنده جَمال قَدَم شد نماینده جَمال قَدَم
- ۲- در جمال جمیل او بینید رُخ رخشنده جَمال قَدَم
- ۳- و از بیان بلیغ او شنوید نطق زبینه جَمال قَدَم
- ۴- و از صفات نکوی او نگرید خوی فرخنده جَمال قَدَم
- ۵- و از لب لعل او نظاره کنید لب پر خنده جَمال قَدَم
- ۶- و از عطایای او بیاد آرید کفِ بخشنده جَمال قَدَم
- ۷- بشتابید تا چو ما نشوید خوار و شرمنده جَمال قَدَم
- ۸- در رهش بندگی کنید و شوید بنده بنده جَمال قَدَم
- ۹- گر شما بندگی ز سر گیرید به خدا زندگی ز سر گیرید

۱- ۹- معنی واضحست. و مقصود از بنده جَمال قَدَم در بیت هشتم حضرت عَبْدُالْبَهَاءِ جَلَّ سُلْطَانُهُ هَسْتَنْد که خود را در الواح و آثار عَبْدُالْبَهَاءِ نامیدند. نصوص این الواح در مکاتیب دوّم و غیره مندرجست.

بند ششم

- ۱- مُلکِ ایران به کشور امریک می فرستد به مَیْمَنْتِ تبریک
- ۲- که مبارک قُدُومِ مرکز عهد باد مَیْمُونِ به خِطَّةِ امریک
- ۳- شمس مشرق برآمد از مغرب لیک مشرق از آن نشد تاریک
- ۴- کَآیْتِ وحدتِ حقیقی حقّ که ندارد بَدیلِ و شَبِه و شَرِیک
- ۵- کرده یک خِطَّةِ مشرق و مغرب کرده یک فرقه دَیْلَمِ و تاجیک
- ۶- داده دلها چنان به هم پیوند که نیابد اِلَى الابدِ تفکیک
- ۷- گرچه از راه آب و گل دورند لیکن از راه جان و دل نزدیک

۸- گفت و البته ساری و جاری است در ممالیک و مُلک حُکم مَلِیک

۹- که بُود موعِد و دادِ بشر آمده وقتِ اِحادِ بشر

۱- ۶- معنی ابیات واضحست و احتیاجی به شرح ندارد. و در باره سفر مبارک حضرت عَبْدُالْبَهَاءِ جَلَّ سُلْطَانُهُ به خَطَّةُ غَرَب و کشور امریکا اشاره کرده است.

بند هفتم

- ۱- أُيُّهَا النَّاسُ مَا هَمَّ بَشْرِيْم
 - ۲- خَوَاهِرَانِ وَ بَرَادِرَانِ هَمِيْم
 - ۳- هَمَّ بِيْكَ صَوْرَتٌ وَ بِيْكَ هَيِّئَتٌ
 - ۴- مَتَشَكَّلٌ بِهٖ اَحْسَنُ التَّقْوِيْمِ
 - ۵- هِيْجٌ دَرِنْدَهٗ جِنْسِ خُوْدِ نَدِرْد
 - ۶- مَدَّتِي رَنْجِ دَشْمَنِي بَرْدِنْد
 - ۷- مُتُوْطَنٌ دَرُوْنِ خَانَهٗ تَنْگِ
 - ۸- هَمَّهٗ دَانِيْمِ بَارِ يَكِ دَارِيْمِ
 - ۹- مِي زَنْدِ صَاْحِبِ جِهَانِ فَرِيَادِ
- بندۀ یک خدای دادگیرم
چون ز یک مادر و ز یک پدریم
هم ز یک عُنْصُرُ و ز یک گَهَرِيْم
متصوّر به اَعْدَلُ الصُّوْرِيْمِ
ما چرا نوع خویشتن بدریم؟
حالیاً عَیْشِ دُوْسْتِي بَبْرِيْمِ
از چه رو دشمنان یکدیگیریم
گر فَرِيْبِ سَتْمِگْرَانِ نَخُوْرِيْمِ
بستگان رسته بندگان آزاد ...

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. تعالیم مبارکه را در این بند به اشاره ذکر کرد و از بعد هم به تفصیل خواهد آمد. در بیت ۴ جمله اَحْسَنُ التَّقْوِيْمِ در قرآن مجید است که در بارهٔ خَلَقْتِ اِنْسَانَ فَرْمُوْدَهٗ "اَلْقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ اَحْسَنِ تَقْوِيْمٍ" یعنی ما انسان را در بهترین صورت و اندام متناسب و زیبا خلق کردیم "(سورهٔ وَالتِّیْنِ)

بند هشتم

گر یهود و هُود و ترسائیم
 ز انگلیسیم یا فرسائیم
 ز آسیا یا که از اروپائیم
 خلق یک شهر و اهل یک جائیم
 چار طبع وجود یکتائیم
 خوش بشوئید یک مُسمائیم
 ما که چادرنشین به صحرائیم
 ما کنون صلحجوی دنیائیم
 چاره اش منحصر به دین بهاست

۱- گر مسلمان و گبر و بودائیم
 ۲- گر ز روس و پُروس و رُوم و حَبَش
 ۳- گر ز امریک و گر ز افریکیم
 ۴- مرد یک خاک و طفل یک وطنیم
 ۵- گر سفیدیم و زرد و سرخ و سیاه
 ۶- همه این اسم های رنگارنگ
 ۷- این همه حدّ و سدّ چرا سازیم
 ۸- جنگِ ادیان خراب کرد جهان
 ۹- این جهان مبتلا به رنج و عَناست

۱- ۹- معنی ابیات واضحست و احتیاجی به شرح نیست.

بند نهم

این همه تیر و تیغ و خمپاره
 موزر و پیشتاب و قَدّاره
 این همه حصن و این همه باره
 این همه جوش جیش جرّاره
 خوار و زار و اسیر و آواره
 به مُرادِ سه چار خونخواره
 جُست از بَهر خَلق بیچاره
 گوید ای فرقه ستمکاره

۱- این همه تیب [تیپ] و توپ و طیاره
 ۲- و این همه نیزه و تفنگ و فشنگ
 ۳- این همه بُمب و این همه بالون
 ۴- این همه موج فوج خنجرکش
 ۵- تا نمائیم ما همه خود را
 ۶- نیم ما خون نیم ما ریزد
 ۷- پس ببایست چاره [ای] ناچار
 ۸- شصت سال است طلعتِ آبهی

۹- مجلسی صلح‌خواه می باید بر شهن پادشاه می باید

۱- ۹- معنی ابیات واضحست و اشاره به تعلیم مبارکِ جَمالِ قَدَمِ جَلِّ جَلَّاه در باره انعقادِ مَحکمه کُبرای بین‌المللی برای رفع جنگ و جدال است که شرح آن در الواح مبارکه نازل شده و در دسترس عموم موجود است.

بند دهم

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| ۱- این همه در جهان جدال بس است | ای سلاطین و ای رجال بس است |
| ۲- این همه قتل و نهب و خونریزی | ز آنچه کردید تا به حال بس است |
| ۳- این همه اختراع و صنُع جدید | بهر تَضییع جان و مال بس است |
| ۴- این همه مکر و حيله و تدلیس | از پی فتنه و قتال بس است |
| ۵- این همه صَرَفِ مال قوم ذلیل | از پی عزت و جلال بس است |
| ۶- این همه خرج و این همه اسراف | این همه بر جهان و بال بس است |
| ۷- بر یتیمان و بیوگان آزار | بر ستمدیدگان مَلال بس است |
| ۸- به رعایای مستمند فقیر | بهر جنگ این همه مَنال بس است |
| ۹- که به این مال و این مَنال زیاد | می توان کرد این جهان آباد |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. مضامین و الواح الهیه در این بند به اجمال ذکر شده. برای تفصیل به نصوص مبارکه مراجعه شود.

بند یازدهم

۱- ای خداجو خدات می خواند حضرت کبریات می خواند

- ۲- ذاتِ باقی ز عالمِ فانی
 ۳- ای تو مشتاق و منتظر بشتاب
 ۴- ای زمینی تو آسمانی شو
 ۵- حقّ یکتا میان جنگ و جدال
 ۶- بندگانش غریق بحرِ هلاک
 ۷- شاهِ دین ای گدایِ راهنشین
 ۸- جانبِ صلح کلّ صلاحِ عموم
 ۹- سعی در اتّحادِ مَنْ فی الارض
- سوی مُلکِ لِقاتِ می خواند
 حق به بزمِ لِقاتِ می خواند
 کز زمین بر سَماتِ می خواند
 سوی صلح و صَفاتِ می خواند
 از برای فِداتِ می خواند
 در صَفِ انبیاتِ می خواند
 سوی دینِ بَهاتِ می خواند
 هست بر زِمّه خَلایقِ فرض

۱- ۹- معنی ابیات واضحست.

بعد از بند ۱۱ در نسخهٔ اصل بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- هر که گوید مُصَوِّر من کیست
 ۲- گوش را قابل شنیدن ساخت
 ۳- آفرینندهٔ سپهر و نجوم
 ۴- برفروزندهٔ مه و خورشید
 ۵- صانع کلّ مُشَوِّقِ بلبل
 ۶- لاله‌افروزِ تپّه و صحرا
 ۷- فرقِ طاوس را به تاجِ گهر
 ۸- کیست اَلفَتَدِه زَر و زَنَبَق
- خالقِ جان و رازقِ من کیست
 چشم را مستعدّ دیدن کیست
 بانی این مقام و مسکن کیست
 در شبِ تار و روزِ روشن کیست
 مجلس‌آرایِ باغ و گلشن کیست
 گوهراندوزِ کوه و معدن کیست
 آن که سازد چنین مزین کیست
 آتش‌افروزِ سنگ و آهن کیست

۹- همه گویند با دل آگاه وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

۱- ۹- معنی واضحست. این بند و چند بند دیگر که بعد از این است در باره اثبات خالق و صانع جهان است. البته دقت خواهید فرمود.

بعد از بند ۱۱ در اصل نسخه بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- ای دل ای دل بیا به خلوت راز | خلوتی با خدای خویش بساز |
| ۲- لذتی از حیات و عمر بگیر | در خُلدی به روی خود کن باز |
| ۳- عیشی آیا از این بُود خوشتر | که تو باشی و یار و خلوتِ راز ... |
| ۴- دست و رو را به آب صدق بشوی | کبر و کین را به زیر پای انداز |
| ۵- در حضور خدای خویش بایست | با خضوع و خشوع و سوز و گداز ... |
| ۶- دست حاجت بزن به دامن فضل | روی طاعت بنه به خاک نیاز |
| ۷- شرح راز و نیاز خویش بگوی | در بر کارساز بنده‌نواز |
| ۸- سِرِّ خلقت به چشم خویش ببین | زانکه معراج مؤمن است نماز |
| ۹- إِمَّا الرَّبُّ بِالرُّبُوبِيَّةِ | خَلَقَ الْخَلْقَ لِلْعُبُودِيَّةِ |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. بیت هشتم شامل حدیثی است از پیغمبر اکرم که فرموده اند "الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ" و بیت نهم اشاره به حدیثی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام است که در تفسیر آیه مبارکه قرآن "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" فرموده اند یعنی خدا فرموده من خلق نکردم خلق جهان را مگر برای عبودیت و مقصود از عبودیت را عرفان فرموده اند.

بعد از بند ۱۱ در نسخه اصل بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است. همچنین در این بند، در اصل متن بیت ششم وجود ندارد.]

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- دل کجا یاد دل‌سیتان نکند | یاد آن یار مهربان نکند |
| ۲- شب نسازد سحر شب‌آهنگی | به هُوَ الْحَقِّ اَکْرَ فغان نکند |
| ۳- بر نیاید دم و فرو نرود | ذکر یا هُوَ اَکْرَ بیان نکند |
| ۴- قطره [ای] آب می ننوشد مرغ | تا که سر سوی آسمان نکند |
| ۵- دانه از خاک بر ندارد مور | سجده اش تا بر آستان نکند |
| ۷- ندمد برگ تا همه تن را | از پَیِّ مِدْحَتِّشَ زیان نکند |
| ۸- نیست خَلْقی که عرض حاجت خود | با خداوندِ رازدان نکند |
| ۹- همه در فکر و ذکر و توحیدند | در نماز و نیاز و تَحْمیدند |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. این بند نیز در بارهٔ خداجوئی ممکنات و دلالت موجودات بر وجود حضرت آفریدگار است و بیت آخر اشاره به آیهٔ قرآنیه است که فرمود "إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ..." یعنی هیچ چیزی در عالم نیست مگر آن که به ستایش الهی مشغولست (سورة الاسراء یا بنی اسرائیل آیه ۴۳)

بعد از بند ۱۱ در نسخهٔ اصل بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- | | |
|-------------------------------|----------------------------------|
| ۱- نیست کس کز خدا رجا نکند | وقتِ غم بر وی اِلْتِجَا نکند |
| ۲- مُشْرِکی نیست کو میان بَلا | چون مُوَحِّدٌ ز حَقِّ رِجَا نکند |
| ۳- کافری نیست کو به وقتِ خطر | همچو مُخْلِصٌ به دل دعا نکند |
| ۴- کافری نیست کاو به گاه امید | طلبِ حاجت از خدا نکند |
| ۵- هیچ بی دین دردمندی نیست | کز خدا خواهش شِفا نکند |
| ۶- گر خطائی کند خطاکاری | ذاتش از ذاتِ خود خطا نکند |
| ۷- طبع بی اختیار ما داناست | نیست کاری که بجز بجا نکند |

۸- چون به ما اختیار ما دادند کار بی اختیار ما نکند

۹- طبع و نفس و خرد که پی ز پی اند همه بالذات بندگان ویند

۱- ۹- معنی ابیات واضح است. این بند هم در باره اثبات الوهیت و دلالتِ مُمکنات بر وجودِ حضرتِ پروردگار است.

بند دوازدهم

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| ۱- هستیت داند آن که هستی هست | کش به بالای دست دستی هست |
| ۲- گاه پَسْت نمود و گاه بلند | تا بدانی بلند و پستی هست |
| ۳- او پرستش سرشته در گِل تو | زان خداجوی و بُتپرستی هست |
| ۴- دَهْدَت سیر خواب تا دانی | غیر از این مَنزِلت نشستی هست |
| ۵- و از پس خواب می کند بیدار | که درستی پس از شکستی هست |
| ۶- نه به خود آمدی نه باز روی | دستگیری و پایبستی هست |
| ۷- گاه شادت نمود و گاه غمگین | گو کجا بی شراب مستی هست |
| ۸- دعوتِ انبیا کند ظاهر | که به هر دوره‌ای آلتی هست |
| ۹- صُنْعها کرد تا تو را آورد | آن که آورد رَهْنمائی کرد |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. برای معنی بیت اول بهتر آن است که به مفاوضات در ضمن ادله اثبات الوهیت که از لسان مرکز عهد الهی صادر شده مراجعه کنیم. زیرا به تفصیل این مطلب از لسان اطهر جاری شده است. بقیه ابیات آشکار است و بیت هشتم در تفسیر و شرح معنی آلت است که در قرآن مجید وارد شده و تفصیل آن در بند نهم جلد اول ذکر شده مراجعه فرمائید.

بند سیزدهم

- | | |
|------------------------------|-------------------------------------|
| صاحبِ اختیار می خواهد | ۱- هر دُکانِ مَرَدِ کار می خواهد |
| روح فرمان‌گذار می خواهد | ۲- این همه عضو ظاهر و باطن |
| مِلْکی مُلْکدار می خواهد | ۳- این همه خَلْقِ مختلفِ مَشْرَب |
| ناطقِ هوشیار می خواهد | ۴- این حرف [حروف] مؤتلفِ مَخْرَج |
| کاروانِ مَرَدِ کار می خواهد | ۵- این همه چرخ و آلتِ ماشین |
| شخصِ صورت‌نگار می خواهد | ۶- این همه نقشِ مَرَدِ و اسب و گیاه |
| ساقهٔ استوار می خواهد | ۷- این همه شاخ و برگ و میوه و تخم |
| قادرِ کردگار می خواهد | ۸- این همه دستگاهِ اَرْضِ و سَمَا |
| که هم او مُنتهی به وحدت نیست | ۹- در جهان جمله هیچ کثرت نیست |

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. این بند هم در باره اثبات صانع است و مضمون بیت نهم مأخوذ از الواح حضرت عبدالبهاسست. برای تفصیل و زیارت الواح مزبوره به مکاتیب جلد سوم صفحه ۳۸۳ و به لوح دکتر فورال و غیره مراجعه فرمائید که در آن آثار مبارکه شرح منتهی شدن کثرات را به وحدت در نهایت وضوح بیان فرموده اند.

بند چهاردهم

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ضِدّ و نِدّ را به هم مُمَدّ کرده | ۱- کیست آن کس که جمع ضِدّ کرده |
| از دگر جزء مُسْتَمِدّ کرده | ۲- جُزء جُزء تمام عالم را |
| قبل از ایجاد مُنَوّجِدّ کرده | ۳- احتیاج وجود هر موجود |
| سَمّ و تِریاق مُسْتَعِدّ کرده | ۴- بهر امکان کون هر ممکن |
| صُنْعِ بی حَصْرِ مُنْعَمِدّ کرده | ۵- در جمیع صنایع مَحْصُور |

- ۶- همه اَضداد را به یکدیگر
بهر ترکیب مُتحد کرده
- ۷- ماه و خورشید و باد و باران را
از پی پرورش مُعدّ کرده
- ۸- حَلّ و ترکیب را به یک ترتیب
بجد آن ذات مُنفرد کرده
- ۹- آنچه باید کم و زیاده نداد
عقل داند که بی اراده نداد

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. در این ابیات استدلال برای اثبات وجود خالق با اراده و شعور فرموده است و مضامین مأخوذ از الواح حضرت عبدالبهاسست. برای تفصیل به لوح دکتر فورال و امثال آن مراجعه شود.

بند پانزدهم

- ۱- وعدِ حَقّ را به هر پیمبر بین
در حَقّ نسل او مُقرّر بین
- ۲- نوح گوید خدا به خانه سام
در همه نسل او پیمبر بین
- ۳- باز گوید غلام او کنعان
نسل او را غلام و چاکر بین
- ۴- هم به یافت خدا دهد وسعت
نسل او فاتح و توانگر بین
- ۵- وعدِ حَقّ بین به حَقّ ابراهیم
نسل او با شُمار آختر بین
- ۶- و آنچه گوید برای اسمعیل
در تبارش ده و دُو سرور بین
- ۷- و آنچه یعقوب با یهودا گفت
نسل او بر یهود مهتر بین
- ۸- گفت دشمن که ابتر است احمَد
نسل این کوثر آن یک ابتر بین
- ۹- جز توانای پاک پاینده
کیست دانای راز آینده

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. در این بند از طریق نُبُوت های انبیای قبل و تحقق آن نُبُوت ها استدلال به وجود حضرت عالم الغیب می فرماید و نتیجه می گیرد که اگر خدای عالم الغیب موجود نباشد انبیای الهی آنچه را پیشگوئی فرموده اند و تحقق یافته از چه راه خواهد شد و اینک مندرجات ابیات.

۱- ۲- در سفر تکوین فصل ۹ فقره ۲۰ از قول نوح نبی می فرماید خدا یافت را وسعت دهد و در خیمه های سام ساکن شود. این نُبُوت تحقق یافت و انبیای الهی از نژاد سامی مبعوث شدند.

۳- ۴- مضمون این دو نُبُوت در باره غلامی کنعان و بزرگی و ثروتمندی یافت، دو پسر نوح، از قول حضرت نوح در سفر تکوین فصل نهم فقره ۲۵- ۲۹ مسطور است. کنعان به صریح تورات (فصل ۹ تکوین) پسر حام بود و حام فرزند نوح بود که به واسطه سوء رفتار پدرش حام ملعون شد و غلام برادر خود گردید و پسران یافت بر حسب مندرجات فصل دهم تکوین فقره دوم به بعد همه بزرگ و رئیس و ثروتمند شدند. مانند جومر و ماجوج و مادان [مادای] و یوان و ثوبال و غیره. عظمت و جلال آنان از قرائت فصل ۳۸ کتاب حزقیل که در باره آنان نُبُوت فرموده به خوبی آشکار می شود و تا امروز هم بر حسب مشهور اولاد کنعان به منزله غلام اند یعنی سیاهان افریقائی که تا چندی خرید و فروش می شدند. برای تفصیل به فصل دهم تکوین مراجعه شود.

۵- و عده خدا به ابراهیم در باره زیاد شدن نسلش در سفر تکوین فصل ۱۷ فقره اول به بعد و فصل ۱۳ و غیره مسطور است و تحقق آن مشهود و واضحست.

۶- در فصل هفدهم تکوین فقره بیستم در باره اسمعیل فرموده که برکت خواهد یافت و دوازده رئیس از نسلش ظاهر خواهد شد و امّتی عظیم از او آشکار خواهد گشت. این نُبُوت تحقق یافت و دوازده پسر اسمعیل ریاست یافته و از هر کدام امّتی به وجود آمد که در فصل ۲۵ تکوین آیه ۱۶ ذکر شده است. مسیحین دوازده رئیس را همین دوازده فرزند بلافصل اسمعیل می دانند، اما شیعیان اسلام آنان را به دوازده امام علیهم السلام تعبیر کرده اند و می گویند اینها رؤسای روحانی هستند که از اولاد اسمعیل هستند و پسران بلافصل اسمعیل. به موجب فصل ۱۵ تکوین بجز قیدلر [قیدار/ فصل ۲۵] سائرین ریاستی نداشتند و این بحث مفصل است و باید به کتب طرفین مراجعه شود.

۷- مطابق مندرجات فصل چهارم [چهل و نهم] تکوین آیه دهم یعقوب در باره اولاد پسر خود یهودا و عده سلطنت داد تا زمانی که شیئو [در نسخه عربی تورات: شیئون] بیاید. مقصود از شیئو حضرت مسیح است. و تا ظهور آن حضرت سلطنت در خاندان یهودا پسر یعقوب باقی بود. و در سال دوازدهم میلادی از خلوس [در انجیل مّتی عربی، فصل دوم، آیه ۲۲، آرخیلاوس] آخرین سلطان این خاندان مغلوب رومیان گردید و نُبُوت یعقوب تحقق یافت.

۸- ۹- حضرت رسول (ص) چند فرزند ذکور و اناث داشتند که وفات یافتند و بجز حضرت فاطمه زهرا (ع) برای آن حضرت فرزندی باقی نماند. دشمنان رسول الله گفتند که محمد (ص) ابتر و بلاعقب است و از نسل او کسی باقی نمی ماند. لهذا سوره کوثر در باره رسول الله (ص) نازل شد که می فرماید ای محمد (ص) ما به تو کوثر را عطا کردیم و دشمنان تو ابتر و بلاعقب خواهند بود و از تو نسل کوثری باقی

خواهد ماند. مفسرین کوثر را از کلمه کثیر گرفته اند و شیعیان گفته اند که مقصود از کوثر حضرت فاطمه (ع) است به هر حال این نُبُوت تحقق یافت و آل رسول که امروز بسیار هستند و نسل مخالفین و دشمنان رسول (ص) از بین رفت.

بند شانزدهم

- ۱- بین به صدق کلیم و طبق کلام
- ۲- بنگر داده دانیال نبی
- ۳- شد زمان نُبُوت احمد
- ۴- شصت و نه هفته بود تا به مسیح
- ۵- باز چون دانیال و یوحنا
- ۶- مُصطفی سال عیسی و مهدی
- ۷- چار نعت از چهار پیغمبر
- ۸- آنچه قائم به وصف ابهی گفت
- ۹- این خبرها که داده رَبُّ النَّاس
- چار بعثت شده به چار مقام
- خبر از سه ظهور و سه ایام
- به هزار دویست و شصت تمام
- تا بها دو هزار و سیصد تام
- می کند دو ظهور را اعلام
- اربعین گفت و سبعة اعوام
- وصف قائم ببین و صدق امام
- صدق واقع ببین به طبق کلام
- در نیاید به هیچ حدس و قیاس

۱- ۹- معنی ابیات واضحست.

حاشیه راجع به بند ۱۲ تا ۱۶ [این توضیحات در اصل متن است]

در این بندها به إقامة دلائل برای اثبات الوهیت پرداخته است. مفاد بند ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ واضحست و در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء مفصلاً این مطالب نازل شده و نعیم خلاصه آن را در ضمن بندهای مزبور در آورده است. اما بند ۱۵ شامل دلائل اثبات الوهیت است از راه تحقق بشاراتی که در باره مطالب مختلفه در کتب آسمانی وارد شده، زیرا اگر ذات غیب موجود نباشد و از راه إحاطة علمیه آن بشارت را قبل از تحقق به انبیاء ابلاغ نکند چگونه ممکن است که انبیا در باره مطالبی سخنی بگویند و بعد از مدّت ها تحقق پیدا کند.

اینک شرح آن مطالب راجع به حضرت نوح و بشارات او در باره اولادش، در سفر تکوین فصل ۹ آیه ۲۷ راجع به یافت، و در فصل ۱۱ آیه ۲۶ در باره ثبوت نُبُوت در نسل سام، و در فصل ۹ آیه ۲۵ به بعد در باره ملعون بودن کنعان و سایر مواضع مطالبی مذکور است و همه این مطالب تحقق یافت. بر حسب مندرجات سفر تکوین فصل ۹ کنعان پسر حام فرزند نوح بود که به واسطه سوء رفتار پدر ملعون شد و پسران یافت، مطابق مندرجات فصل تکوین رؤسای طوایف بزرگ بودند که قدرت و عظمت داشتند و شرح عظمت آنها در باب ۳ کتاب حزقیال نبی مسطور است. اما اولاد کنعان ذلیل و زیردست بودند. برای تفصیل به فصل ۱۵ تکوین مراجعه شود. اما و عده حق راجع به ابراهیم و زیادی نسل او در سفر تکوین فصل ۱۷ و فصل ۱۲ آیه ۵ مذکور است. اما بشارات در باره اسماعیل و ۱۲ رئیس از نسل او در فصل ۱۷ تکوین آیه ۲۰ وارد شده. اما گفتار یعقوب در باره فرزندش یهودا در باب ۴۹ تکوین آیه ۱۰ به بعد ذکر شده و مطابق این بشارات سلطنت در خاندان یهودا پسر یعقوب تا ظهور حضرت مسیح باقی بود. همان طور که یعقوب فرموده که سلطنت از یهودا قطع نشود تا آن که شیلو بیاید. مقصود از شیلو حضرت مسیح است.

در سال ۱۲ میلادی آرکلاؤس [یا: آرخیلاؤس؛ آرکلاؤس؛ پادشاه یهودا بود که از سلطنت خلع شد و کیولیوس رومی از جانب سلطان روم بر یهود حاکم شد و بشارات یعقوب بعد از هزار و چند صد سال تحقق یافت. اما بشارات کوثر در باره حضرت رسول و ابتر در باره مخالفین آن حضرت در قرآن مجید در سوره کوثر نازل شده و بشارات داده که نسل رسول الله زیاد خواهد بود و دشمنانش ابتر و بلا عقب خواهند شد. اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ... اما مطالب مندرجه در بند ۱۶ از این قرار است. بیت اول اشاره به آیه دوم باب ۳۳ تورات تنبیه است که خبر از چهار ظهور یعنی ظهور حضرت موسی و عیسی و رسول الله و جمال قدم داده است و شرح این مطلب در جلد اول گذشت. اما بیت دوم تا ۴ راجع به بشارات دانیال است که در فصل ۱۲ آیه ۷ خبر از ظهور رسول الله و مسیح و جمال قدم داده است و در فصل ۸ راجع به ۲۳۰۰ سال بشارات داده که مقصود ظهور این امر مبارک است و شرح این بشارات در کتاب مفاوضات به تفصیل ذکر شده است. بیت پنجم اشاره به باب ۱۱ مکاشفات یوحناست که به ظهور رسول الله و جمال قدم و حضرت اعلی بشارات داده و شرح آن مفصلاً در کتاب مفاوضات نازل شده است. بیت ششم اشاره به احادیثی است که در باره نزول عیسی و ظهور مهدی از حضرت رسول و ائمه اطهار روایت شده و فرموده دوره دعوت مهدی هفت سال و دوره سلطنت رجعت حسینی سال ۴۰ [۴۰ سال] است. نصوص احادیث در جلد اول ذکر شد و مصداقش در این ظهور مبارک تحقق یافت. زیرا دوره دعوت حضرت اعلی تا شهادت هفت سال بود (۱۲۶۰-۱۲۶۶) و دوره دعوت جمال قدم از سنه تسع تا سال صعود ۴۰ سال بود (۱۲۶۹-۱۳۰۹)

بیت هفتم اشاره به احادیثی است که می فرماید در قائم چهار خصلت از چهار پیغمبر است که در جلد اول ذکر شده. ۸ - ۹ اشاره به بشارات و انذاراتیست که در کتاب اقدس و الواح ملوک از قلم جمال قدم نازل شد و بیشتر آنها تحقق یافته و اینها همه دلیل است که این بشارات از طرف خدای عالم محیط غیب دان به مظاهر مقدسه الهام شده است.

بند هفدهم

- ۱- لوح پاریس بین و ناپلئون
 - ۲- بین به لوح رئیس گز ید او
 - ۳- لوح بُرهان و حال رَقْشَا بین
 - ۴- لوح ایران ببین و خُسْرانِش
 - ۵- لوح اَقْدَسِ بخوان و مژده او
 - ۶- مَعَشَرُ الرُّومِ بین و صوتُ البُومِ
 - ۷- ذَلَّتِ رُومٌ بین به لوح سلیم
 - ۸- باش تا بنگری شَوَاطِی رَیْنِ
 - ۹- سَنَهُ فتنه بین و سال شِداد
- کز کَفَشِ مُلکِ شد چسان بیرون
رفت بیرون اِدِرَنه و مادون
که چه سان شد غریقُ بَحْرِ الهُونِ
چون دو اِصْبَعِ به هم شده مَقْرُونِ
که تو ای اَرْضِ طَا مَشُو محزون
گُرسی ظلم را ببین و ارون
مَالِکُمِ مِنْ مُعینِ اِذْ تَبْکُونِ
به سِیُوفِ جَزَا طَیِّدِ در خون
ذُلُّ عَبْدِالعَزیزِ و حال فُؤادِ

۱- ۹- معنی ابیات واضحست.

حاشیه راجع به بند ۱۷

۱- مقصود از لوح پاریس لوح ناپلئون سوّم است که در سوره هیکل نازل شده و به جمله "قُلْ يَا مَلِكَ الْبَارِيسِ [الباریس]" شروع می شود. در این لوح به ناپلئون اِنذار شده قَوْلُهُ تَعَالَى "بِمَا فَعَلْتَ تَخْتَلِفُ الْأُمُورُ فِي مَمْلَكَتِكَ وَ يَخْرُجُ الْمَلِكُ مِنْ كَفْكَ جَزَاءَ عَمَلِكَ اِذَنْ تَجِدُ نَفْسَكَ فِي خُسْرَانٍ مُبِينٍ" این اِنذار تحقّق یافت. برای اطلاع به رَحِیقِ مَخْتومِ مَراجعِه شود.

۲- مقصود از لوح رئیس، لوح خطاب به عالی پاشاست که اِنذارات الهی که در آن مندرج بود به وقوع پیوست.

۳- مقصود از رَقْشَاءِ که به معنی مار گزنده است میر سید حسین امام جمعه اصفهان است که به همراهی شیخ باقر ذئب سلطان الشُّهَدَاءِ و محبوبُ الشُّهَدَاءِ را شهید کرد و لوح بُرهان پس از آن خطاب به آن دو از قلم مبارک نازل و وعده عذاب به آنها داده شد و به جزای عمل رسیدند.

۴- اشاره به لوحیست که از قلم جمالِ قَدَمِ نازل شده و پس از بیاناتی در بارهٔ ایران و ایرانیان می‌فرمایند
"... زود است دو اِصْبَعِ مُتَّصِلِ شُود إِذَا يَرُونَ أَنْفُسَهُمْ فِي خُسْرَانِ مُبِينٍ"

۵- اشاره به آیهٔ کتاب اقدس راجع به طهران است.

۶- اشاره به آیهٔ کتاب اقدس راجع به مملکت عثمانی و خلیفهٔ آنست.

۷- مقصود از لوح سلیم لوح سلطان عثمانیست که در آن داستان شاه سلطان سلیم و خیمه شب بازی نازل شده و مصراع دَوَمِ بَیْتِ اشاره به این آیه است که در آن لوح می‌فرمایند ... إِذَنْ تَنْوَحُونَ وَ تَنْضَرَعُونَ وَ لَنْ تَجِدُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ مُعِينٍ وَ لَا نَصِيرٍ.

۸- اشاره به آیهٔ کتاب اقدس در بارهٔ ساحل نهر رَن [شکل دیگر "رین" است] و شکست آلمان است که در جنگ اوّل بین المللی به وقوع پیوست. و در زمان مرحوم نعیم هنوز تحقق نیافته بود.

۹- اشاره به الواحیست که در بارهٔ بروز فتنه و فساد ناقضین نازل شده و جمالِ مُبارک در لوح فتنه از آن وقایع اِنذار فرموده و ذکر سنهٔ شِداد در همان لوح است. لوح فتنه در آدرنه نازل شد. به شرحی که در صفحه ۴۱۹ بَهْجَةُ الصُّدُورِ مسطور است مقصود از عَبْدِ الْعَزِيزِ خَلِيفَةَ عُثْمَانِيست و مقصود از فُؤادِ وزيرِ امورِ خارجهٔ عُثماني بود. در الواحِ مُباركهٔ جمالِ قَدَمِ نسبت به آنها اِنذاراتی نازل شد و همه به تحقق پیوست. برای تفصیل مطالب به کتب مفصله رجوع فرمائید.

بند هیجدهم

- | | |
|---|--|
| ۱- آنچه فرمود طلعتِ اَقْدَمِ | در حَقِّ غُصْنِ اعْظَمِ اَفْحَمِ |
| ۲- یک به یک زین سفر شده ظاهر | فاش و پیدا نه مُجْمَلِ و مُبَمِّمِ |
| ۳- باز شد بابِ سِجْنِ و کرد طلوع | آنچه در لوحِ بَرنگاشتِ قَلَمِ |
| ۴- غُصْنِ اَمْنِ و اَمَانِ و حِرْزِ جِهَانِ | غُصْنِ اعْظَمِ سِقَايَهٔ كَرْدِ اَمَمِ |
| ۵- گشت از این سِقَايَهٔ اَرْضِ قَلُوبِ | مَنْبِتِ سُنْبُلَاتِ عِلْمِ و حِجْمِ |
| ۶- بهر حفظ و غنم و رزق نفوس | از جَمَالِ قَدَمِ شَدِ او مُلْهَمِ |
| ۷- بر همه اهل مشرق و مغرب | مَشْرِقِ فَضْلِ گشتِ و بحرِ کَرَمِ |
| ۸- قائم دوّمین نمود قیام | به عبودیتِ جَمَالِ قَدَمِ |

۹- قوت و قدرت عظیم و وجود کرد بر جمله جهان مشهود

۱- ۹- معنی ابیات واضحست. این بند اشاره به تحقق نُبُوت هائی است که جَمالِ قَدَمِ جَلِّ جَلَّاه در باره حضرت عُصْنِ اعْظَم فرمودند و همه آن نُبُوتات تحقق یافت.

بیت اول تا هفتم اشاره به مندرجات لوح مبارک عُصْنِ اعْظَم است که در باره حضرت عَبْدِالْبَهَاءِ جَلِّ سُلْطَانَه نازل شده و ابیات این بند هر یک اشاره به مندرجات لوح مبارکست. این لوح به طبع رسیده و در ادعیه محبوب و سایر کتب از قبیل رَحِیقِ مَخْتوم مندرجست و آغاز آن لوح این است "هُوَ النَّاطِقُ عَلَى مَا يَشَاءُ يَا عُصْنِيَّ الْاَعْظَمَ قَدْ حَضَرَ لَدَى الْمَظْلُومِ كِتَابِكَ ... الْخ

۸- ۹- مقصود از قائم دوّمین حضرت عُصْنِ اعْظَمست که به عبودیتِ جَمالِ قَدَمِ قیام فرمود. چنانچه قائم نخست به بشارتِ ظهور مبارک قیام کرد و مضمون بیتِ نهم اشاره به بیان مبارکِ جَمالِ قَدَمِ در لوح عَهْدی است که در باره عُصْنِ اعْظَم فرموده "یا اَعْصَانی در وُجُودِ قُوَّتِ عَظِیمه و قدرتِ کامله مکنون و مستور ... " نعیم اشاره فرموده که مقصود از وُجُودِ حضرتِ عُصْنِ اعْظَمست که قدرت و قُوَّتش بر عالمیان واضح و آشکار شد. برای اطلاع بیشتر به صفحه ۲۵۳ کتاب بَهجَتِ الصُّدُور مراجعه شود.

بند نوزدهم

- ۱- آنچه ذاتِ قَدَمِ بیان فرمود عُصْنِ اعْظَم همه عیان فرمود
- ۲- پرده از وجهِ امرِ حَقِّ برداشت سیرِ توحید را بیان فرمود
- ۳- تا نبینی خطابه‌های خوشش می‌ندانی که او چسان فرمود
- ۴- فیلسوف و کشیش و اُسُف را دعوتِ امر و امتحان فرمود
- ۵- هر کِرا بُد گمان که خصم قویست این سَفَرِ دفع این گمان فرمود
- ۶- مُلکِ ایران و اهل ایران را افتخار جهانیان فرمود
- ۷- دین اسلام و اسم احمد را بر همه مُلکِ دین روان فرمود
- ۸- در ظهور و نزول مَهْدی و روح نَبیِّ اَخرُ الزَّمان فرمود
- ۹- یَنْزِلُ الرُّوحُ جَلِّ بُرهائه یَبْلُغُ الخافِئین سُلْطَانَه

۱-۹- معنی ابیات واضحست. و اشاره به آثار باهره دوره حضرت عُصْنِ اعْظَم است و بیت اخیر اشاره به حدیث نبوی است که از طریق سنی و شیعه از حضرت رسول روایت شده که فرمودند ... ثُمَّ يَنْزِلُ عَيْسَى وَ يُصَلِّي خَلْفَهُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ یعنی بعد از حضرت مهدی عیسی نازل می شود و سلطنتش مشرق و غرب را فرا می گیرد.

بند بیستم

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| ۱- زین سفر امر حق هویدا شد | آنچه پوشیده بود پیدا شد |
| ۲- زین سفر نام انبیا و رسل | که بر افتاده بود انشا شد |
| ۳- زین سفر نام حضرت اعلی | که فراموش بود اعلا شد |
| ۴- زین سفر دین طلعت ابهی | که نهان بود رسم دنیا شد |
| ۵- زین سفر خون جمله شهدا | که ز اموات بود احیا شد |
| ۶- زین سفر زحمت همه احباب | کز میان رفته بود بر جا شد |
| ۷- زین سفر چشم و گوش خلق جهان | که ز حق بود کور و کر وا شد |
| ۸- زین سفر هیئت عموم بشر | بهر اصلاح خود مهیا شد |
| ۹- شب به خورشید باشد آبستن | باش تا زو جهان شود روشن |

۱-۹- معنی ابیات واضحست. اشاره به آثار باهره سفر هیکل مبارک حضرت عِبْدَالْبَهَاء به غرب یعنی اروپا و امریکاست.

و بیت نهم اشاره به مثل معروف است که می گوید اللَّيْلُ حُبْلَى ... یعنی شب آبستن به وقایع روز بعد است.

بند بیست و یکم

- ۱- هر نبی دعوت از اوّدا کرد عُصْنِ اعْظَم میان اعدا کرد

- ۲- دعوتِ فرقهٔ یهودی را در گنائس سوی مسیحا کرد
- ۳- دعوتِ اُمّتِ نصاریٰ را در کلیسا به شاهِ بطحا کرد
- ۴- دعوتِ ملتِ مسلمان را در مساجد به دینِ ابهی کرد
- ۵- دعوتِ اغنیاءِ بیضا را در مجالس به حشرِ سودا کرد
- ۶- دعوتِ اهلِ علمِ ادنی را در مدارس به علمِ اعلیٰ کرد
- ۷- دعوتِ دهری و طبیعی را در محافل به ذاتِ یکتا کرد
- ۸- دعوتِ فرقهٔ سیاسی را حصر در جمع دین و دنیا کرد
- ۹- نَصَرَ عَبْدَهُ أَنْجَرَ وَعَدَهُ دَعَى الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ وَحَدَّهُ

۹-۱- معنی ابیات واضحست. و بیت پنجم اشاره به بیانات مبارکه در بارهٔ نژاد سفید و سیاه است که می فرمایند [" نباید نژاد سفید از سیاه اجتناب کند و باید با یکدیگر محشور و معاشر باشند زیرا همه بنده خدا هستند ..."] و بیت آخر مضمونش اینست که خداوند بندهٔ خود را نصرت فرموده و وعدهٔ خود را وفا کرد و به هدایت من علی الارض اقدام فرمود. پوشیده نماند که در بیت اخیر که ترجمهٔ آن ذکر شد تحقق این مسائل را به خدا نسبت داده و گفته "دَعَى الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ وَحَدَّهُ ... " و نظیر این مسئله در فرمایش حضرت رسول (ص) است که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در غزوهٔ احزاب آن لشکر جرّار مخالفین را مغلوب ساخت حضرت رسول (ص) فرمودند: "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَّهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ" ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه جلد اول بعد از نقل فرمایش رسول الله (ص) گفته است "قَوْلُهُ وَ الَّذِي هَزَمَ الْأَحْزَابَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ لِأَنَّهُ قَتَلَ شُجَاعَهُمْ وَ فَارَسَهُمْ عَمْرًا ... الخ" مضمون بیت اخیر را نعیم از همین فرمایش حضرت رسول گرفته است.

بند بیست و دوّم

- ۱- جان من جان ما نمی میرد علم و عقل و ئهی نمی میرد
- ۲- تن که می میرد او کنون مرده است جان که بخشد بقا نمی میرد
- ۳- مست و هُشیار خفته و بیدار جان بُود هر کجا نمی میرد

- ۴- گر بمیرد ریا و کبر و عناد حُبّ و صدق و صفا نمی میرد
- ۵- بیضه بی خروس جوجه نداشت پیرو آنبیا نمی میرد
- ۶- آنچه می آید از خزانه او باقی است از فنا نمی میرد
- ۷- خویش را در خدای فانی کن پس بدان کبریا نمی میرد
- ۸- جان انسان که هست پرتو ذات از چه میرد خدا نمی میرد
- ۹- آن که بود از قَدَمِ نشود که عَدَمِ عارضِ قَدَمِ نشود

۹-۱- معنی ابیات واضحست. این بند در باره اثبات بقای روحست. برای تفصیل ابیات که از الواح مبارکه اخذ شده به نصوص الهیه و کتاب بقای ارواح تألیف نگارنده و مفاوضات مبارک مراجعه شود.

بند بیست و سوم

- ۱- دستِ حَقّ تا اساس کار گذاشت هر چه بگذاشت استوار گذاشت
- ۲- در جَماد و نَبات و در حیوان خاصیت ها به اضطِرار گذاشت
- ۳- آدمی کافرید در کَفِ او اختیاری به یادگار گذاشت
- ۴- آنچه بنهاد از او به جبر نخواست بلکه آن کان به اختیار گذاشت
- ۵- پایه دین چو پایه خلقت بهر او سخت و پایدار گذاشت
- ۶- بود دین و کتاب حاکم او تا عمل کرد و بر قرار گذاشت
- ۷- آن زمان کان کتاب را هر کس خواند و بوسید و در کنار گذاشت
- ۸- از در رحمت از سر قدرت باز از نو اساس کار گذاشت
- ۹- تا خدا بود و هست و خواهد بود رهنما بود و هست و خواهد بود

۹-۱- معنی ابیات واضحست. و مقصود اثبات لزوم تجدید شریعت است که چون دوره هر شریعتی منقضی شود و فروع آن قابل اجرا نباشد، خداوند از نو شریعتی برای مردم می فرستد و این سنت الهیه همواره ساری و جاری است.

بعد از بند ۲۳ در اصل نسخه بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- آنچه ما در دل اعتقاد کنیم
 - ۲- پس عمل نیت است و از اول
 - ۳- در عمل نیز چون که نتوانیم
 - ۴- باید اجماع و نبود آن اجماع
 - ۵- نشود حاصل اعتماد مگر
 - ۶- پس بود اجتماع ما با دین
 - ۷- باید آن منتهی شود به یکی
 - ۸- باید آن هم بود مطابق علم
 - ۹- این شریعت شریعت آبهی است
- اندر آن سعی و اجتهاد کنیم
باید اصلاح اعتقاد کنیم
کارها را به افراد کنیم
تا به قانونی اعتماد کنیم
تکیه بر مبدأ و معاد کنیم
که بدان رفع هر فساد کنیم
ورنه با یکدیگر [یکدیگر] جهاد کنیم
تا در آن با هم اتحاد کنیم
که مهیا به وحدت دنیاست

۹-۱- معنی ابیات واضحست. این بند استدلال برای لزوم دین است.

بعد از بند ۲۳ در اصل نسخه بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- آن که در صنع حق مجاهده کرد
 - ۲- دید کز ما بما کتاب وجود
 - ۳- ذات واحد به اختلاف صور
 - ۴- کون را کامل آفرید چنان
- بسی آسرار از آن مشاهده کرد
نسخ و تجدید را معاهده کرد
خلق اشیاء چو نقش واحده کرد
که به هر رتبه کسب فائده کرد

- ۵- جزء هر جزء و کلّ هر کلی جذبِ ملزوم و حفظِ عائده کرد
- ۶- آنچه آورد و مدّتی پرورد پس پی بُردنش مساعده کرد
- ۷- تا نگه داشت حفظ لازمه بود و آنچه را بُرد دفع زائده کرد
- ۸- سنّة الله به اقتضای زمان نسخ قانون و وضع قاعده کرد
- ۹- چون رواج بهار شد کاسید شد خزان کُلّ کائن فاسید

۹-۱- معنی ابیات واضحست. و اشاره به سرّ تجدید شرایع الهیه است و بیت اخیر اشاره به آنست که فصل خزان که می شود همه چیز از رونق می افتد و خزان شرایع الهیه هم همینطور است و لهذا بهار روحانی الهی می رسد و به جهان خلقت جدید می دهد. در الواح مبارکه شرح و تفصیل این مطلب موجود است.

بعد از بند ۲۳ در اصل نسخه بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- آن که خیر وجود حاصل کرد خیر حاصل به خویش واصل کرد
- ۲- هر وجودی است خیر و خیر وجود آن که تحصیل خیر حاصل کرد
- ۳- نیست شرّ در وجود و شرّ وجود آن که خیر وجود باطل کرد
- ۴- با سعادت کسی که کامل شد با سعادت تر آن که کامل کرد
- ۵- به کمال وجود نائل شد به کمال وجود نائل کرد
- ۶- آنچه ظلّ وجود بود و کمال همه را از وجود زائل کرد
- ۷- یعنی از خود به خیر عامل شد دیگران را به خیر عامل کرد
- ۸- از برای ظهور خیر و کمال انبیا را خدا وسائل کرد
- ۹- در تو ایمان سعادت بشر است بجز آن هر چه هست در بدری است

۹-۱- معنی ابیات واضحست. اشاره به لزوم دین و سرّ تجدید است.

در اصل نسخه بعد از بند ۲۳ بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- آنچه داری تو غیر عادت نیست عادت از بهر کس عبادت نیست
- ۲- تا تو تحقیق اصل دین نکنی آن عبادت به غیر عادت نیست
- ۳- در ره دین حقّ تفکر کن که بجز این ره سعادت نیست
- ۴- حقّ ترا سوی ترکِ عادت خواند جز عبادت تو را ارادت نیست
- ۵- اصل دین امتحان کن آر نیک است نیک را حاجتِ اِعادت نیست
- ۶- ورنه هفتاد سال بندگیت در جهان قابلِ اِفادت نیست
- ۷- در عبادات گیر و ترسا بین کان بجز عادت از ولادت نیست
- ۸- بین چه فرموده است پیغمبر بهتر از این دگر شهادت نیست
- ۹- ساعتی فکر در حقیقتِ دین بهتر است از عبادتِ سَبَعین

۹-۱- معنی ابیات واضح است و بیت اخیر اشاره به حدیث مشهور نبوی است که فرمود "تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً" یعنی یک ساعت تفکر در حقیقت مسائل روحانیه بهتر از هفتاد سال عبادت و اثرش بیشتر است.

بند بیست و چهارم

- ۱- کِلْکِ نَقاشِ کارگاهِ اَلست خوشتر از صورتِ تو نقش نیست
- ۲- صورتت ساخت همچو صورتِ خویش تا نگوئی منم چو ساخت شکست
- ۳- تو اگر زین میانه باشی نیست هستی هست را که داند هست
- ۴- گر تو آئی و خویش نشناسی پستتر از تو هیچ نَبُود پست

- ۵- بود شخصت برای دانایی چون ندانی چه شگر و چه گبست
- ۶- گر درآیی به بزم گرمنا سعی کن تا رسی به بالادست
- ۷- تا که در علم و در عمل بینند کس به بالای دست تو نشست
- ۸- هر زمان می‌کشد تو را بالا عقل تو چون به علم و دین پیوست
- ۹- علم و دین از سحیّت سچین می‌کشاند ترا به علیین

۹-۱- معنی ابیات واضحست و محتاج به شرح نیست.

بند بیست و پنجم

- ۱- آنچه گردند خلق دانانتر دین حقّ گردد آشکارانتر
- ۲- آنچه بالا رَوَد عقول بشر پایه دین از اوست بالاتر
- ۳- آنچه عالم کند تهیه علم دین حقّ را شود مهیّانتر
- ۴- وضع دین در زمانه کار خداست او به وضع زمانه دانانتر
- ۵- عالم امر و خلق همراهند این چو نادانتر آن معمّانتر
- ۶- هر که محتاج دین بُود بخصوص آن که دانانتر و توانانتر
- ۷- دین جمالی که علم زیب وی است یار زیبا به زیب زیبانتر
- ۸- عقل چشمی که دین چراغ وی است مرد بینا به شمع بینانتر
- ۹- عقل کُلّ رهنمای اعلم اوست نقش عالم کتاب اعظم اوست

۹-۱- معنی ابیات واضحست. در باره لزوم دین و آثار آنست.

بند بیست و ششم

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| تا نسازد زمانه را ویران | ۱- دین ضرور است خاصه بر سلطان |
| تا که ننهند بار بر دهقان | ۲- دین ضرور است خاصه بر وزراء |
| تا نگردند فتنه دوران | ۳- دین ضرور است خاصه بر علماء |
| تا عدالت کنند در دیوان | ۴- دین ضرور است خاصه بر فقهاء |
| تا جدل ناورند در برهان | ۵- دین ضرور است خاصه بر حُکما |
| تا نباشند باعث هیجان | ۶- دین ضرور است خاصه بر فقراء |
| خاصه بر قلب و چشم و دست و زبان | ۷- دین ضرور است خاصه بر أعضاء |
| تا دهد اتفاق خلق جهان | ۸- دین ضرور است خاصه بر دنیا |
| مَنْشَأَ خلق حَسْنِیَّتِ اللّٰهِ است | ۹- دین که در خلق فِطْرَتِ اللّٰهِ است |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند بیست و هفتم

- | | |
|-----------------------------|---------------------------------|
| جز به دین تسلیت نیافت کبیر | ۱- جز به دین تربیت نگشت صغیر |
| جز به دین نیست رفع رنج فقیر | ۲- جز به دین نیست دفع بخل غنی |
| جز به دین مطمئن نیامد پیر | ۳- جز به دین مُتَّقِی نگشت جوان |
| جز به دین نبود اتفاق ضمیر | ۴- جز به دین نبود اتحادِ عقول |
| جز به دین نفس دون نگردد سیر | ۵- جز به دین طبع کج نگردد راست |
| جز به دین علم نیست جز تزویر | ۶- جز به دین مال نیست جز خُسران |

- ۷- جز به دین خاطری نشد روشن
 ۸- اوست فخر و ضیع و ذلّ شریف
 ۹- گرچه مائیم در جهان بانی
 جز به دین ملتی نگشت مُنیر
 اوست صبر اسیر و رحم امیر
 دین به ما می کند جهانبانی

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند بیست و هشتم

- ۱- مُتقی‌تر طلب نه عالم‌تر
 ۲- هر چه اَعلم شوند دین الزم
 ۳- کثرتِ ظلم شد ز کثرتِ علم
 ۴- پایه حُبّ نوع و صلح عموم
 ۵- علم مَخدوم گشت دین خادم
 ۶- علم و دین لازمند لیکن دین
 ۷- علم و دین توأمند لیکن علم
 ۸- علم و دین هَم‌مَند و هر دو به هم
 ۹- دین بی علم می تواند زیست
 زان که عالم‌تر است ظالم تر
 دین به ظالم‌تر است لازم تر
 بود عصر قدیم سالم تر
 هر دو از دین شوند قائم تر
 کیست مَخدوم آن که خادم تر
 دوست‌تر بنده‌تر ملایم تر
 سخت‌تر تیزتر مقاوم تر
 عام‌تر تام‌تر ملازم تر
 علم بی دین به غیر مَفَسده نیست

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند بیست و نهم

- ۱- دین بُود شامل خَوَاص و عَوَام
- ۲- نشود علم شامل آر بشود
- ۳- اوّل دین که آخر علم است
- ۴- دین به نیکی تو را کند مجبور
- ۵- دین بُود اِعتقاد و علم و عمل
- ۶- دین وفاق و وفا و صدق و صفاست
- ۷- صبر و شکر و توکل و تقدیس
- ۸- جود و بذل و افاضه و تأثیر
- ۹- دین خلوص و مَحَبَّت و وِرَاع است

بر همه خلق در همه اعوام
اندکی عمر و اندکی ز انام
خاص را تربیت نماید و عام
دین به ترک بدی کند اِلزام
علم را بس ره است تا اِقدام
ترکِ کُلِّ مَنَاهی و اِثام
روح روح است اندرین اجسام
نور نور است اندرین اجرام
نظم و ترتیبِ مُلک بالتَّبَع است

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بندسی ام

- ۱- دین تو را صاحب اعتبار کند
- ۲- دین به هر موقع و به هر موقف
- ۳- دین به هر ماتم و به هر ورطه
- ۴- دین به هر مَجْمَع و به هر مَحْفَل
- ۵- دین به هر نکته و به هر مطلب
- ۶- دین به هر شغل و دین به هر کاری
- ۷- دین تَنَّت سالم و رُخْت خندان
- ۸- دین دلت بگسلاند از هر بند

نزد هر کس بزرگوار کند
به خدایت امیدوار کند
در بَلِیَات پایدار کند
خَلْق بسیار با تو یار کند
دل و جان سخت و استوار کند
مَر تو را مردِ کامکار کند
با دل و جان دگر چکار کند
بنده خاص کردگار کند

۹- نیکبین شو که بد ز بدبینی است

نیکی از دین بدی ز بی دینی است

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند سی و یکم

۱- خلق بودند در جهان کر و کور

فخرشان فتنه فکرشان شر و شور

۲- عقل و جان خیره روح و دل تیره

حرص و کین چیره علم و دین مقهور

۳- سامعان گر سخنسرایان لال

رهروان لنگ و رهنمایان کور

۴- همه دلها چو خانه عقرب

همه لبها چو لانه زنبور

۵- با همج بلکه با سبغ نزدیک

زادمی بلکه زادمیت دور

۶- مغز در سر چو صخره اندر کوه

روح در تن چو مرده اندر گور

۷- فکر دین فیل بود و دل در تنگ

حق شتر بود و گوش خانه مور

۸- همه را دیده بر خزف چون موش

همه را چشم بر علف چو ستور

۹- قومی آشفته خلقی افسرده

از بدن زنده از خرد مرده

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند سی و دوم

۱- آمد اندر جهان ز عالم جان

کیمیائی ز طلعت جانان

۲- عقل را عقل کرده دل را دل

روح را روح داد و جان را جان

۳- عقل کو بود معدن شک و ریب

کرد کنز یقین و اطمینان

- ۴- دل که بود او محل خواهش و خشم
- ۵- روح کاو بود کان حرص و طمع
- ۶- جان که بود او مقام خوف و هراس
- ۷- طبع کو بود دوزخ جاوید
- ۸- الغرض از کنیسه ابلیس
- ۹- قلب ماهیت و حقیقت کرد

- کرد او را مکان امن و امان
- کرد کان قناعت و ایمان
- کرد عاشق به مقتل و قربان
- کرد او را بهشت جاویدان
- کرد معمور کعبه الرحمن
- حیوان بُرد و آدمی آورد

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

بند سی و سوم

- ۱- طبع گوید که راحتی فی الرّاح
- ۲- طبع گوید که فی الشّرور سرور
- ۳- طبع گوید که السّفاح ضرور
- ۴- طبع گوید که الفجور لذیذ
- ۵- طبع گوید که فخرکم فی الحرب
- ۶- طبع گوید که الجدال جلال
- ۷- طبع گوید الانتقام مفید
- ۸- گوید آن عش کمالک جبار
- ۹- طبع فرمانروای حیوان است

- گفت حقّ لاتیق لیلارواح
- گویدت حقّ که فی العفاف صلاح
- گویدت حقّ که النّکاح مباح
- گویدت حقّ که الصّلاح فلاح
- گفت حقّ النّجاح فی الاصلاح
- گویدت حقّ که الجدال جناح
- گویدت حقّ که للکلاب نباح
- گوید او کُن کزارع فلاح
- لیک حقّ راهنمای [رهنمای] انسان است

۹-۱- معنی ابیات واضحست. در هر بیتی آنچه نفس اماره انسانی می طلبید در مصراع اول و آنچه را حق تعالی دستور فرموده در مصراع دوم ذکر کرده و متابعت دستورات الهیه را سبب نجات و فلاح شمرده است و نتیجه گرفته که از متابعت نفس و هوی انسان به درجه حیوان تنزل می کند و انسان حقیقی کسی است که در ظل تعالیم الهیه باشد. کلمه راح در بیت اول به معنی شرابست که نفس اماره طالب آنست ولی در الواح مبارکه نهی صریح از شرب مُسکرات شده و در مصرع ثانی به آن اشاره فرموده است. برای نصوص حُرمت مُسکرات به گنجینه حدود و احکام تألیف نگارنده مراجعه شود.

بیت دوم در مَضَرَاتِ شُرُور و فساد و لزوم پیروی از لوازم عَفَاف و صلاح است که در الواح تصریح شده. بیت سوم اشاره به حُرمت زنا و سِفَاح و لزوم ازدواج است. بیت چهارم مَدَمَّت از ارتکاب فُجور و تأکید در صلاح و صواب. بیت پنجم در مَضَرَاتِ جَنگ و منافع صلح. بیت ششم در مورد جدال و بیت هفتم در مَدَمَّتِ کینه جوئی و انتقام و تحریض به عدالت و اجتناب از کینه جوئی است و کلمه نُبَاح در این بیت به معنی آواز سگ است. بیت هشتم مَدَمَّت از ظلم و جور و تأکید به خدمت نوع بشر از هر طریق است.

بند سی و چهارم

- | | |
|--|--------------------------------|
| ۱- گفت دین فتنه است و جهل و جنون | گفتم این گفته جاهلی مجنون |
| ۲- حُکْم عِقَّتِ بَدِ امر عِصْمَتِ زشت | داد و دین فتنه جود و احسان دون |
| ۳- گفت نیک است لیک حاجت نیست | گفتم آیا شده است تا به کنون |
| ۴- شهر بی شِحنَه خانه بی صاحب | شخص بی شَرع و مُلک بی قانون |
| ۵- گفت باید ولی قدیم بَس است | گفتم امروز چون پسندی چون |
| ۶- حَمَلِ بَدَعَتِ حَمَلِ موهوم | کین و پرهیز و جهل و ریزش خون |
| ۷- گفت امروز چیست لازم وقت | گفتم امر خدا بُود اکنون |
| ۸- صلح کُلِّ نَظْمِ مُلک و وحدتِ نوع | نشر دین رفع کین رواج فنون |
| ۹- گفت آری لزوم وقت این است | مُقْتضای زمان چنین دین است |

۹-۱- معنی ابیات واضحست. در این بیت مَضَرَاتِ بی دینی و منافع دین داری را با بهترین وجهی ذکر فرموده است.

بند سی و پنجم

- ۱- هیچ رونق نمانده قرآن را بنگر احکام و اُمَّتِ آن را
- ۲- پاکی آن بجز کثافت نیست بنگر مَسْح پای دهقان را
- ۳- نیکی آن بجز اذیت نیست بنگر کافر و مسلمان را
- ۴- بخشش آن بجز حَمَاقَت نیست بنگر شمع گور صَنَعان را
- ۵- طاعتِ آن به غیر بدعت نیست بنگر بزم تَعزِیَّتِ خوان را
- ۶- رحمتِ او به غیر زحمت نیست بنگر سر شکافِ نادان را
- ۷- ذکر او جز ریا و شهرت نیست بنگر رندِ سُبْحَه‌گردان را
- ۸- فکر او غیر مال و مُکَنَّت نیست بنگر یک یک اهل ایمان را
- ۹- قلب را قَسوَه دیده را رَمَد است یوم طالَ عَلَیْهُمُ الامَد است

۹-۱- معانی ابیات واضحست. و بیت ۹ اشاره به آیه ۱۵ سورة الحَدید است که می فرماید قَوْلُهُ تَعَالَى "وَلَا تَكُونُوا [لَا يَكُونُوا] كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ [أوتُوا الْكِتَابَ] مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ" یعنی ای مسلمان شما مانند مردم سابق نباشید که چون کتابِ الهی بر آنها نازل شده و مدتی طول کشید دل های آنها سخت شد و بیشتر آنها از فاسقان هستند. در این بند استدلال کرده که اُمَّتِ اسلام مِصْدَاقِ همین آیه مبارکه هستند زیرا حقیقتِ دین را از دست داده و فراموش کرده و فروع و مَجَاز را از اصل دین و حقیقت انگاشته اند و در هر بییتی با ذکر مطلبی این موضوع را ثابت فرموده و گفته است که فی المَثَلِ حقیقتِ وُضو برای حصول نِظَافَت است ولی امروز فقط ظاهر آن حُکَم را گرفته اند و از نتیجه دور شده اند. زیرا دهقان مسلمان که وضو می گیرد ابدأ در فکر نِظَافَت نیست و روی پای خود که مَسْح می کشد پایش در عین حال مَمْلُو از کثافت است و در فکر شستن آن نیست و به همین طریق در هر بییتی موضوعی را ذکر فرموده که برای خوانندگان واضحست. و در بیت چهارم مقصود از صَنَعان اشاره به داستان شیخ صَنَعانی است که به دختری ثرِسا عاشق می شود و از اسلام دست می شویید و مسیحی می شود. خوک می چراند و با این همه مردم به زیارت او می روند و شمع روشن می کنند و بخشش و اِحسان خود را به جای آن که به فُقرا بدهند صَرَفِ آرایش گور صَنَعان می کنند. داستان صَنَعان بسیار مفصَّل و طالِبین به کتاب مَنطِقُ الطَّیْرِ شیخ عَطَّار نیشابوری مراجعه فرمایند. اشارات سایر ابیات واضحست.

بند سی و ششم

- ۱- در میان مسیحیان دین کو
 - ۲- گیرم او داشت حُکم صلح و صلاح
 - ۳- شیر و بزغاله بَبر و گوساله
 - ۴- بَهر آن مُبَدَعَاتِ نامعقول
 - ۵- انتزاع سلاح و صلح عموم
 - ۶- وحدت جمع کو و وحدت نوع
 - ۷- نه در انفس اثر نه در آفاق
 - ۸- مُصلِح خَلق و مُنجی عالم
 - ۹- دَعَوَاتی که جز در این دین است
- جان دین کو و روح آئین کو
لیکن اجرای آن قوانین کو
در یکی خوابگاه و بالین کو
از کُتُب و از رُسُل بَراهین کو
مَجْمَع مُصلِح سلاطین کو
وحدت نُطق و دین و آئین کو
ثمر اِنْتِشار و تَلْقِین کو
غیر دین بَها بگو دین کو
ازدواج عَقِیم و عَنِّین است

۹-۱- معنی ابیات واضحست. اشاره به اختلال احوال مسیحیان و لزوم متابعت مردم دنیا از شریعت جَمال قَدَم است. بیت سوم اشاره به نُبُوتِ اَشْعِیای نَبِیّ در باب یازدهم کتاب اَشْعِیاست که در باره علاماتِ یومِ ظُهور موعود ذکر کرده که در آن روز درندگان و خزندگان با هم صلح و آشتی دارند و اگر چنانچه مسیحیان می گویند این نُبُوت در باره ظهور حضرت مسیح بود، پس این علامات کجاست؟ چرا آشکار نشده است؟ باقی ابیات واضح است.

بند سی و هفتم

- ۱- گفته هر فرقه حقّ به جانب ماست
 - ۲- گر همه بر خطاست حقّی نیست
 - ۳- دَعوی و اُمّت و کتاب و دوام
 - ۴- ورنه هر اُمّتی ز اُمّتِ قَبِل
- یا همه راست یا همه به خطاست
گر همه راست حق در اهل بَهاست
عقل و دین گوید این به حکم خداست
مورد اِنْتِقاد و اِسْتِهزاست

- ۵- همه گویند غائب موعود ناصر و ناشر شریعت ماست
- ۶- در علامات و معجزات و حدود همه را اعتراض و چون و چراست
- ۷- همگی گوششان سوی پدران جملگی چشمشان سوی علماست
- ۸- وضع و اجرا و حفظ دین به یقین کار حای مهیمین داناست
- ۹- چشم از این نکته گر بپوشانی دیگر اثبات دین تو نتوانی

۹-۱- معنی ابیات واضحست. یعنی هر اُمّتی امروز خود را بر حقّ و سایر ملل را باطل می دانند ولی صرفاً ادّعا کافی نیست و همه نظر به علمای خود می کنند با آنکه وضع شرایع کار خداست که دین را وضع می کند و اجرا می کند و اراده خود را پیش می برد. اگر مردم دنیا از این نکته چشم بپوشانند هرگز نمی توانند حقیقت خود را ثابت کنند. پس باید تحرّی حقیقت کرد و از اطاعت علمای ظاهر چشم پوشید.

بند سی و هشتم

- ۱- همه ادیان ز حای دُوالمَنّ بود مُتعال و متین و مُتقن بود
- ۲- همه از یک خدا و از یک وحی یک ره و یک مقام و یک فنّ بود
- ۳- بهر خوبی صلح و صدق و صفا تو براهین مجو مُبرهن بود
- ۴- بهر نیکی حُبّ و مهر و وفا تو دلایل مخواه روشن بود
- ۵- حکم تجدید دین به شرع جدید بهر ما از خدا مُعین بود
- ۶- وحی و آیات و بیّئات و زُبر کار مخصوص ذاتِ دُوالمَنّ بود
- ۷- بود تکلیف ما اطاعت او چونکه حقّ قادر و مهیمین بود
- ۸- خدمت و جان نثاری از عاشق ردّ و انکار کار دشمن بود
- ۹- تو برو اندکی مجاهده کن بعد از آن وجه حقّ مشاهده کن

۱-۹- معنی آیات واضحست. مقصود آنست که همه ادیان موجود را در آغاز خداوند تشریح فرموده و به اقتضای هر زمان شریعتی فرستاده و به لسان شارعین ادیان خبر تجدید شرایع را به مردم داده و به آیات و کلمات امر خود را در هر زمان پیش برده و در هر دوری مؤمنین و عاشقان در راهش جان فدا کرده اند و دشمنان به مخالفت برخاسته اند. باید مجاهده کرد و تحرّی حقیقت کرد تا به مقصود رسید. زیرا در قرآن سوره عنکبوت می فرماید:

"وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ" (آیه ۶۹)

بند سی و نهم

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| ۱- دل ز تقلید گر کسی شوید | عقل بی شبهه دین حقّ جوید |
| ۲- دانه ای را که دستِ صنّع نکاشت | او نمی زاید و نمی روید |
| ۳- صورتی را که کلکِ حقّ ننگاشت | او نمی پاید و نمی پوید |
| ۴- چون گلی را بسازی از کاغذ | او نمی بالد و نمی بوید |
| ۵- بلبلی را که آری از پر و بال | او نمی نالد و نمی موید |
| ۶- ورّقی را که دستِ حقّ ننوشت | پنجه روزگار می شوید |
| ۷- ای که گفتی علامتِ حقّ چیست | می کند حقّ هر آنچه می گوید |
| ۸- هیچ مؤمن نشد به هیچ زمان | آن که در دین بهانه می بوید [می جوید] |
| ۹- نگرود آن که از دلیل و کتاب | نگرود مرده خیزد آر ز تُراب |

۱-۹- معنی ابیات واضحست. بیت ۹ اشاره به آیه مبارکه قرآن است که به این مضمون فرموده اگر مرده ها زنده شوند و آیات عجیبه ظاهر شود کفار مؤمن نخواهند شد. قَوْلُهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْإِنْعَامِ "وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَ حَسَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ فَبَلَّأَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا ... " (آیه ۱۱۱)

۱- در کتب مقدسه الهیه مَدَمَّتْ بسیار در باره تقلید اصول دین نازل و مذکور گردیده و تا دل از تقلید پاک نشود نفوس به جاده حقیقت راه نیابند. جَمَالَ قِدَمَ جَلَّ سُلْطَانُهُ در کلمات مکنونه می فرمایند: "يَابْنَ الرُّوحِ"

أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي الْإِنصَافُ لَا تَرُغِبْ عَنْهُ إِنْ تَكُنْ إِلَىٰ رَاغِبًا وَلَا تَغْفُلْ مِنْهُ لِتَكُونَ لِي أَمِينًا وَأَنْتَ تَوَفَّقُ
بِذَلِكَ أَنْ تُشَاهِدَ الْأَشْيَاءَ بِعَيْنِكَ لَا بِعَيْنِ الْعِبَادِ وَتَعْرِفُهَا بِمَعْرِفَتِكَ لَا بِمَعْرِفَةِ أَحَدٍ فِي الْبِلَادِ فَكُرْ فِي ذَلِكَ
كَيْفَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْ عَطِيَّتِي عَلَيْكَ وَعِنَايَتِي لَكَ فَاجْعَلْهُ أَمَامَ عَيْنَيْكَ"

و در رساله ایقان می فرمایند:

سالکین سبیل ایمان و طالبین گأوس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شئوناتِ عَرَضِيَّةِ پاک و مقدس نمایند
... الخ قولُهُ تَعَالَى نظر به این معنی در کتب مقدَّسه سَمَويَّة مَدْمَتِ تَقْلِيدِ بسیار مذکور گردیده از جمله در
انجیل جلیل مسطور که تقلید بسیار مذموم و سبب گمراهی است. چنانچه در انجیل مَتَّى فصل ۱۵ آیه ۳ به
بعد می فرماید: او در جواب ایشان گفت شما نیز به تقلید خویش از حُکم خدا چرا تجاوز می کنید تا آن که
در آیه ۷ می فرماید پس به تقلید خدا را باطل نموده اید."

و در باب ۱۶ آیه ۶ انجیل مَتَّى می فرماید عیسی ایشان را (شاگردان خود را) گفت آگاه باشید که از خمیر
مایه فَرِیسیان و صَدُوقِیَان احتیاط کنید. و مقصود از این بیان مبارک ترک تقلید آنهاست زیرا در آیه ۱۱ و
۱۲ همین باب می فرماید: پس چرا نفهمیدید که در باره نان شما را نگفتم که از خمیر مایه فَرِیسیان و
صَدُوقِیَان احتیاط کنید آن گاه دریافتند که نه از خمیرمایه نان بلکه از تعلیم فَرِیسیان و صَدُوقِیَان حُکم به
احتیاط فرموده است. از این قبیل اشارات در انجیل جلیل بسیار مذکور و به کنایه و تصریح از تقلید در
اصول دین نَهی فرموده است. در قرآن مجید نیز در موارد متعدده نَهی از تقلید وارد از جمله در سوره
عنکبوت آیه ۸ می فرماید:

"وَصَيِّنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدِيهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ
فَأَنْتَبَهُكُمْ يَمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ."

یعنی ما انسان را امر کردیم که پدر و مادر خود را محترم داشته و به آنان خوبی و نیکوئی متوجه دارد و
اگر پدر و مادر بخواهند انسان را به شرک و کفر و عدم اقبال به مَظَاهِرِ الْهَيْبَةِ وادار کنند به هیچ وجه نباید
آنان را در این قضیه اطاعت نمود.

نظیر این بیان مبارک در قرآن مجید بسیار و نظر به رعایت اختصار به برخی از مواضع آن اشاره می
شود.

در سوره لقمان آیه ۱۴ تا ۱۵ و آیه ۲۱، در سوره مائده آیه ۱۰۴، در سوره انبیا آیه ۵۱ تا ۵۶، در سوره
الشعرا آیه ۷۴ و در سوره عنکبوت آیه ۶۹

و همچنین در انجیل جلیل: انجیل مَتَّى فصل ۷ آیه ۷ تا ۱۲، انجیل لوقا فصل ۱۷ آیه ۳۰ تا ۳۳ و فصل ۱۱
آیه ۵ تا ۱۴، رساله اول بولس به تالونیکي [تسالونیکي] فصل ۵ آیه ۱۹ تا ۲۱، رساله یعقوب فصل ۴ آیه
۳، رساله به عبرانیان فصل ۱۰ آیه ۳۶، انجیل مَتَّى فصل ۲۳ آیه ۹ به بعد، انجیل مَرْفُس فصل ۱۲ آیه ۳۸
تا ۴۱، انجیل لوقا فصل ۲۰ آیه ۴۵ تا ۴۷ و رساله ثانیة پطرس [با تلفظ پطرس هم آمده است ولی در ادامه

همان پطرس درج می گردد] فصل ۲ آیه ۱ تا ۴، مَکاشفاتِ یوحنا فصل ۳ آیه ۲۰ و رساله عبرانیان فصل ۱۳ آیه ۷ و ۱۷، رساله اول به تیموتاوس فصل ۳ آیه ۱ تا ۱۳ و غیره.

برای فهم مَضَرَاتِ تقلید به داستانی که مولوی در مُجلدِ اولِ مثنوی در خصوص طوطی بَقَالَ و مرد جهانگیر نقل می کند مراجعه شود. چون داستان مزبور مشهور است از ذکرش در این مقام صرف نظر شد.

در تورات نیز به کَرَات و مَرَاتِ مَدَمَّتِ تقلید وارد و تصریح و تحریض به متابعت اوامر الهیه واجب و لازم و به قوم ابلاغ گردیده از جمله در باب چهارم تثنیه آیه پنجم به بعد می فرماید: چنان که یَهُوه خدایم امر فرموده است فرائض و احکام به شما تعلیم نمودم ... پس آنها را نگاه داشته بجا آورید زیرا که این حکمت و فِطانتِ شماست در نظر قوم هائی که چون این فرائض را بشنوند خواهند گفت هر آینه این طایفه بزرگ قوم حکیم و فِطانت پیشه اند زیرا کدام قوم بزرگست که خدا نزدیک ایشان باشد چنانچه یَهُوه خدای ماست در هر وقت که نزد او دعا کنیم و کدام طایفه بزرگست که فرائض و احکام عادلانه مثل تمام این شریعتی که من امروز پیش شما می گذارم دارند لکن احتراز نما و خود را بسیار متوجّه باش مبدا این چیزهائی را که چشمانت دیده فراموش کنی و مبدا اینها در تمامی عُمرت از دل تو مَحُو شود. و از این به بعد فصلی در مَدَمَّتِ بت پرستی و غیره بیان می فرماید و در مواضع متعدده مذکور که هر گاه بنی اسرائیل خدا را فراموش می کردند و به تقلید اُممِ مُعاصر و مُجاور خود به بت پرستی اقدام می نمودند خداوند به جرم آن تقلید آنان را به ذَلَّت و خواری مبتلا می ساخت و چون توبه می کردند به عَزَّت می رساند (به سفر داوران فصل ۶ و فصل ۴ و فصل ۱۳ و سایر مواضع عهد عتیق مراجعه شود)

۲- در کتب الهیه به این معنی اشارات بسیار شده است که مَظَاهر مقدسه الهیه فقط می توانند وضع قوانین نموده آن را اجرا فرمایند و بجز شریعتِ آنان سایر قوانین و شرایع باطله کاذبه در صورتِ انتساب به خداوند مَحُو و زائل گشته از بین می رود. در توراتِ تثنیه باب هیجدهم آیه بیستم به بعد می فرماید: "نَبیّ که جسارت نموده به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم یا به اسم خدایان غیر سخن گوید اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد این امری است که خداوند ن گفته است بلکه آن نَبیّ آن را از روی تکبّر گفته پس از او نترس["] و در کتب انبیا به این معنی بسیار اشاره شده از جمله در اشعیا فصل ۴۲ آیه ۸ می فرماید "خداوند منم جلال خود را به غیر و ستایش خود را به اصنام تراشیده نمی دهم."

و در مراثی ارمیا فصل ۳ آیه ۳۷ می فرماید: "کیست بگوید و واقع شود. اگر خداوند امر فرموده باشد."

نظیر این بیانات مبارکه در کتاب ارمیا فصل ۲۸ آیه ۱۵ و فصل ۲۹ آیه ۳۱ و فصل ۲ آیه ۱۳ و اشعیا فصل ۵۵ آیه ۱۰ و ارمیا فصل ۲۸ آیه ۹ و کتاب حزقیل فصل ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و انجیل مئی فصل ۱۵ آیه ۱۳ و فصل ۱۳ آیه ۳۱ و کتاب اعمال رسولان فصل ۵ آیه ۳۴ و غیره مذکور است مراجعه شود.

در قرآن مجید نیز این قبیل آیات و بیانات بسیار از جمله در سوره ابراهیم (آیه ۲۴ تا ۲۷) می فرماید: اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرًا كُلِّ حِينٍ يَدْنُ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا

لَهَا مِنْ قَرَارٍ يُبَيِّنُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوَى [بِالْقَوْلِ] الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ" انتهى

برای مزید تبصّر به بیانات مقدسه در سوره رعد آیه ۱۴ و سوره الحاقه آیه ۴۴ تا ۴۸ و سوره الانعام آیه ۹۳ و سوره شوری آیه ۸۱ و یونس آیه ۶۵ و ۶۹ و ۸۱ و سوره توبه آیه ۳۲ و ۴۰ و سوره انبیا آیه ۱۸ و سوره روم آیه ۴۷ و سوره [در متن نام سوره ذکر نشده] آیه ۴۹ و غیره مراجعه شود.

بند چهارم

- ۱- وَهُمْ بَنُورٌ بِمَا جَعَلُوا كَرْدَةً اهل عالم ز هم جدا کرده
- ۲- عِلْمٌ رَا سَدًّا اِعْتِلًا كَشْتَهُ عقل را منع از ارتقا کرده
- ۳- فِكْرٌ صَافٍ صَحِيحٌ سَالِمٌ رَا محو و معتل و مبتلا کرده
- ۴- مَهْدِيٌّ رَا بِه قَعْرٌ جَه بُرْدَهُ روح را ساکن سما کرده
- ۵- كَرْدَهُ اِثْبَاتِ شَيْئٍ نَامَعْقُولِ پس بدان نفی ماعدا کرده
- ۶- دَرِ ظِلَالِ كِتَابِ رُوْحَانِي اختراعات ناروا کرده
- ۷- هَرِ مَحَالٍ قَبِيحٍ وَاهِي رَا حمل بر قدرت خدا کرده
- ۸- بَنَرٌ اَزِ جَمَلِهِ اَهْلِ عَالَمِ رَا منع طاعت از انبیا کرده
- ۹- وَهُمْ اِكْرٌ مَنَشَأُ خِلَافِ نَبُوْدِ دین یکی بود و اختلاف نبود

۹-۱- معنی ابیات واضحست. در این بند از آثار مَذْمُومَةُ مُتَابَعَتِ اَوْهَامِ و ترک حقایق سخن گفته. بیت چهارم اشاره به عقیده شیعه است که می گویند مهدی موعود در چاه سامره غایب شده و مصراع دوم اشاره به عقیده مسیحیانست که می گویند حضرت مسیح در آسمان است و مسلمین هم در باره مسیح به همین عقیده هستند. به هر حال سبب همه اختلافات بین ادیان همین اوهامست و اگر این اوهام نبود اصلاً اختلافی وجود نداشت.

بند چهارم و یکم

- ۱- هَلْه بُشْرَىٰ' که شد جمال حُسَيْن
- ۲- دیده را نور داد و دل را روح
- ۳- همه مقصود این ظهور عظیم
- ۴- نصرتِ جیش صلح و خیل صلاح
- ۵- در جهان یک ندای وحدتِ کُلِّ
- ۶- آمد و آمده فنون به ظهور
- ۷- آمد و رفت جور و جهل و جنون
- ۸- ختم اسلام گشت بر قائم
- ۹- اولین نَفَخه شد مُمیتِ حیات
- زیبِ آیام و زینتِ گوئین
- مُلک را زیب گشت و دین را زین
- رفع بَینوَت است از مابین
- هست بر عهده خلائق دین
- أَفْضَلُ مِن عِبَادَةِ النَّفْلِین
- آمد و آمده علوم به عین
- آمد و بُرد شور و فتنه و شین
- بَدء این گشت در ظهور حُسین
- دوّمین نَفَخه مُحییِ آموات

۹-۱- معنی ابیات واضح است. بند ۸ اشاره به حدیثِ نَبَوِی است که فرموده اَلْمَهْدِیُّ [مِنًا] یُخْتَمُ بِهِ الدِّینُ ... الخ که در جلد اوّل گذشت.

۹- اشاره به آیه قرآنست که از دو نَفَخه در سور زُمَر خبر داده. نَفَخَةُ اوّل نَفَخَةُ صَعَق، نَفَخَةُ ثانیه نَفَخَةُ حیات و قیام است که مقصود ظهور حضرتِ اَعْلَى و جَمالِ قَدَم است و شرح آن در جلد اوّل گذشت.

در اصل نسخه بعد از بند چهل و یکم بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- این حسینی که حقّ فرستاده
- ۲- این حسین از عَدُوّ به پَنَجَه سال
- ۳- زیر شمشیر بوده با زنجیر
- ۴- این حسین از رِی و عراق به شام
- ۵- مال تاراج گشته اَلْ اسیر
- ۶- این حسین از حَبیب و عَوْن و عَوَان
- یک تنه بر جهانی استاده
- سر به بالین امن ننهاده
- از برای شهادت آماده
- با همه اهل بَیت افتاده
- یک دم از غم نبوده آزاده
- بس سوی قتلگه فرستاده

- ۷- دیده اصحاب خود شهید و آسیر هر صَبَاحی که دیده بگشاده
- ۸- در رَوِ دوست چون حسین علی این حسین آنچه داشته داده
- ۹- قَالَ رَبِّي عَلَى تَعَزُّبِكَ أَنْتَ ثَارِي وَ إِنِّي دَيْئِك

۹-۱- معنی ابیات واضحست. یکی از اَلْقَابِ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ ثَارُ اللَّهِ است یعنی خون خدا. در زیارتنامه آن حضرتست "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ" مضمون بیت اخیر اشاره به این مطلب و نیز اشاره به حدیث قدسی است که فرموده "مَنْ قَتَلَهُ فَإِنِّي دَيْئُهُ" یعنی کسی که از عشق جان خود را در راه من فدا کند خون بهای او من هستم و مصداق این بیان هم در دوره حسین بن علی (ع) و هم در دوره رَجَعَتِ آن حضرت یعنی ظهور جمالِ قَدَمِ تَحَقُّقِ یافت.

بعد از بند ۴۱ در اصل نسخه بی نمره بوده است. [این توضیح در اصل متن است]

- ۱- وَعَدَای را که حقّ به ما فرمود شُكْرُ اللَّهِ بدان وفا فرمود
- ۲- وَعَدِ خود را به قائم و به حسین ابتدا کرد و انتها فرمود
- ۳- قائم آمد پئی فدای حسین با شَعَفَ جان خود فدا فرمود
- ۴- این دو صد روز کرد عاشورا و آن دو صد دشت کربلا فرمود
- ۵- قائم آمد برای وصف حسین گفت و تکلیف خود ادا فرمود
- ۶- آمد و وَصَفِ آن ظهور عظیم بیست افزون ز انبیا فرمود
- ۷- قائم آمد پئی ورود حسین راه را پاک و باصفا فرمود
- ۸- به بهَا وَعَدَهُ ظهور الله تَسَعُ را مَدَّتْ لِقَا فرمود
- ۹- کرد ما را بدین سخن آگاه هُوَ إِيَّایَ وَ أَنَا إِيَّاه

۱-۹- معنی ابیات واضح است. بیت ۶ مصراع دوم مقصود آن است که حضرت اعلی بیست برابر سایر انبیاء که مژده به ظهور الله داده اند در باره ظهور جمال مبارک مژده و بشارت در آیات مبارکات فرموده اند.

۸- یعنی حضرت اعلی فرموده "وَ أَنْتُمْ فِي سَنَةِ التَّسْعِ بِلِقَاءِ اللَّهِ تُرْزَقُونَ" و تسع مطابق عدد اسم بهاء است چنانچه در جلد اول گذشت.

۹- اشاره به بیان مبارک حضرت اعلی است که در باره خود و مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ فرموده است. برای تفصیل به کتب مفصله مراجعه شود.

بند چهل و دوم

- ۱- مَهْدِيّ آمد به اِفْتِتَاحِ سَبِيلِ عِيسَى آمد پَي شِفَايِ عَالِي
- ۲- مَهْدِيّ آمد مُبَشِّرِ عِيسَى آمد مُؤَسِّسِ تَنْزِيلِ
- ۳- مَهْدِيّ آمد مُبَيِّنِ قُرْآنِ عِيسَى آمد مُكَمِّلِ انجِيلِ
- ۴- مَهْدِيّ اَفْرَاشَتِ رَايَتِ تَوْحِيدِ عِيسَى آورد آيَتِ تَسْهِيلِ
- ۵- مَهْدِيّ آمد به حُكْمِ سَيْفِ وَ سِنَانِ عِيسَى آمد به حُجَّتِ وَ به دَلِيلِ
- ۶- مَهْدِيّ آمد به نَامِ آلِ رَسُولِ عِيسَى آمد به اِسْمِ بَابِ جَلِيلِ
- ۷- مَهْدِيّ آمد چنان که گفَتِ نَبِيّ كَرْدِ تَقْسِيمِ مَالِ رَا تَعْدِيلِ
- ۸- عِيسَى آمد چنان که بود خَبَرِ كَرْدِ حُكْمِ جِهَادِ رَا تَعْطِيلِ
- ۹- مَهْدِيّ وَ عِيسَى که باب وَ بهاست در حَقِيقَتِ چو يَحْيَى وَ عِيسَى است

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

۵- حُكْمِ سَيْفِ وَ سِنَانِ از حضرت اعلی در کتاب تفسیر احسن القصص و سایر توقیعات مبارکه نازل شده است.

۶- در احادیث وارد شده که مَهْدِيّ از آل مُحَمَّد است و نَصِّ احادیث در جلد اول گذشت و در انجیل صریحست که باب جلیل یعنی پدر بزرگوار آسمانی می آید و نصوص انجیل در این باره جلد اول گذشت.

اشاره به حدیث وارد در باره مَهْدَى است که پیغمبر فرموده "يَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ" و این معنی در مسئله تقسیم ارث که در کتاب بیان نازل شده تحقق یافت. یعنی حقوق دختر و پسر از دُرِّیَات را برابر قرار دادند.

۸- اشاره به حدیثِ نَبَوَى است که فرموده "لَا يَزَالُ الْجِهَادُ فِي أُمَّتِي حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى" و این حدیث در ناسخِ التَّوَارِيخِ جلدِ رسولِ الله مسطور است. [ضمن توضیحات بند چهارم جلدِ أَوَّلِ جَنَاتِ نَعِيمِ، چنین آمده است: "لَا يَنْقَطِعُ الْجِهَادُ عَنْ أُمَّتِي حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ"]

۹- یعنی همان طور که یحیی مَبَشَّرَ عِيسَى بود و صاحبِ شریعتِ مستقل بود حضرتِ اعلی هم مَبَشَّرَ جَمَالَ قَدَمِ و صاحبِ شریعتِ بیان بودند.

بند چهل و سوم

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱- بعد مَهْدَى نُزُولِ عِيسَى شد | در فلسطین و حَوْلِ اَقْصَى شد |
| ۲- یوم قائم قیامتِ صُغْرَى است | چون ز صُغْرَى گذشت کُبْرَى شد |
| ۳- چون که مَهْدَى است نَفْخَةُ الْاَوْلَى | نُفِخَ ثُمَّ فِيهِ اٰخِرَى شد |
| ۴- اَنْتِ السَّاعَةَ بَعَثْتَ نُقْطَةَ است | اِنْشَاقِ قَمَرٍ به یحیی شد |
| ۵- هَفَّتْ وَ نَهْ چون خِلَافَتِ مَهْدَى است | پس چهل سال حُكْمِ عِيسَى شد |
| ۶- كَفَنَ وَ دَفَنَ [و] حُنُوطِ قائم را | مُتَّصِدَى جَمَالَ اَبهى شد |
| ۷- بعد قائم حسین و بعد حسین | حُجَّتْ از نسل او به دنیا شد |
| ۸- بر سر صَخْرَه صور اِسْرَافیل | از پَى حَشْر و نَشْر و اِحیا شد |
| ۹- گر نه اَبهى ز بعد قائم بود | بَعَثْتَ نُقْطَةَ بى عَلَائم بود |

۱-۹- معنی ابیات واضح است.

۱- مقصود از مَهْدَى حضرتِ نُقْطَةُ اولى و از عِيسَى ظهورِ جَمَالَ قَدَمِ است که بر حسب بشاراتِ سابقه از اراضی مقدسه ظهور فرموده. برای تفصیل به کتب استدلالیه مراجعه شود.

۲- قیامتِ صُغْرَى ظهورِ حضرتِ اعلی و قیامتِ کُبْرَى ظهورِ جَمَالَ قَدَمِ است.

۳- نفخه اولی ظهور حضرت اعلی و نفخه ثانیه ظهور جمال مبارک است که در آیه سوره زمر قرآن مجید نازل شده و نصّ آیه مکرراً نقل شده.

۴- اشاره به آیه سوره القمر است که فرمود *اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ* مقصود از ساعت ظهور حضرت ربّ اعلی و مقصود از انشقاق قمر شکافته شدن قمر و هم یعنی مردود شدن یحیی ازل است که مدعی وصایت و خلافت مجعوله بود و این معنی در الواح جمال مبارک مُصَرَّحست.

۵- از قبل در جلد اول ذکر شد که در اخبار ائمه اطهار دوره دعوت قائم را ۷ سال و ۹ سال و دوره دعوت حسین (عیسی) را چهل سال تعیین کرده اند و این معنی تحقق یافت و شرح آن از قبل ذکر شد.

۶- برای تفصیل مقام به تاریخ امر مراجعه شود در اخبار ائمه وارد شده که قائم را حسین غسل می دهد و کفن می کند و دفن می نماید و این معنی تحقق یافت. (بحار الأنوار)

۷- در کتاب اقبال الاعمال سیّد بن طاوس [نیز در کتاب مفاتیح الجنان، دعای سوم شعبان] از حضرت امام روایت شده است که حضرت حسین را به این زیارتنامه زیارت می کند " ... سَيِّدِ الْأَسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ بِأَنَّ [در نسخه ای: أَنْ] الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ الشِّفَاءِ فِي ثُرَيْبَتِهِ وَ الْفَوْزِ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ عَتْرَتِهِ بَعْدَ الْقَائِمِ [در همان نسخه: قَائِمِهِمْ] وَ غَيْبَتِهِ" به صراحت فهمیده می شود که چون حسین رجعت فرماید حجت خدا بعد از آن حضرت از نسل آن حضرت در دنیا خواهد بود چنانچه بعد از جمال قدم که رجعت حسینی است حجت الهیه و مرکز عهد الهی فرزندان بزرگوار آن حضرت یعنی حضرت عبدالبهاء و پس از آن حضرت نیز از نسل آن بزرگوار حجت الهیه در عالم مقرر و معین شد.

۸- در تفسیر صافی در ذیل آیه ۱۰۸ سوره طه *يَوْمَ [يَوْمَئِذٍ] يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ* نقل شده که "داعی الله إلى المحشر قيل هو إسرافيل يدعو الناس قائماً على صخرة بيت المقدس فيقبلون إليه من كل أوب إلى صوتيه ... " [ضمن توضیحات بند نود و یکم جلد اول جئات نعیم، این حدیث چنین درج شده است: داعی الله إلى المحشر قيل هو إسرافيل قائماً على صخرة بيت المقدس فيقبلون من كل أوب إلى صوتيه] مقصود از محشر ظهور جمال قدم و مقصود از إسرافيل داعی الله همان جمال قدم مظهر کلی الهیه است که ندای مبارکش از اراضی مقدسه بلند شد و خلق دسته دسته به او مؤمن شدند.

بند چهل و چهارم

۱- تا حق آن شرع مستقیم آورد عقل را منهج قویم آورد

۲- فیکرت معوج نجاجله را جانب خط مستقیم آورد

۳- بهر ما عقل و رای [یا: رای] و وضع هدیه از طلعت قدیم آورد
جدید

- ۴- از پی ارتباط کُلِّ ملل رشته محکم و قویم آورد
- ۵- عَوْضَ خَطَرَه و خیال سقیم فطرت و فِکْرَتِ سلیم آورد
- ۶- شرع کامل مدینه فاضل از پی عالم و حکیم آورد
- ۷- جسم را روح و روح را ریحان مُلک را جَنَّتِ نَعیم آورد
- ۸- بهر عالم اگر بدانی قدر نعمتی کامل و عظیم آورد
- ۹- مَلَاءَ الْخَافِقِیْنَ مِنْ عَدْلِهِ وَ اَضَاءَ الْعُقُولَ مِنْ فَضْلِهِ

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

اشاره به تعالیم مقدسه الهیه است که در این ظهور مبارک از طرف خدا به خلق جهان داده شده است و معنی بیت اخیر این است که فرمود جَمَالَ قَدَمِ جَلِّ جَلَالُهُ سراسر جهان را از عدل و داد که نتیجه اجرای احکام مقدسه الهیه است پر نمود و عقول مردم را از فضل و بخشش خویش منور و روشن فرمود.

بند چهل و پنجم

- ۱- فَرَقَ اَهْلَ بَیْهَا و قوم ازل از زمین تا سَمَاسَتِ فَرَقِ عَمَلِ
- ۲- آنچه فرق است بین صلح و جدال آن بُودَ فَرَقِ دَرِ حَسِیْنِ و ازل
- ۳- مژده داده خدا به صلح و صلاح وَعَدَه كِی داد حقّ به جنگ و جدال [جَدَل]
- ۴- دارد این حُكْمِ اِثْحَادِ بَشَرِ دارد او حُكْمِ اِفْتِرَاقِ مَلَلِ
- ۵- دین این صِدْقِ خَالِصِ است و وداد رَسْمِ او بَرِ تَقْوِيَه است و حیل
- ۶- آن همه فتنه جوید این همه صلح فَعْلِ مَاضِی گواهِ مُسْتَقْبَلِ
- ۷- حُكْمِ اَنْ اُقْتُلُ اِنْ قَدِی الْعَالَمِ دین این لَاتِقَاتِلُ اِنْ تُقْتَلُ
- ۸- رَسْمِ اَنْ طَعَنَ و لعن و بُغْضِ نَفُوسِ دین این طَاعَتِ و وِدَادِ دُوَلِ
- ۹- در بیان بین نتیجه آیات هَسْتِ دِیْنِ بَیْهَا حُذِّ الْغَايَاتِ

۱-۹- معنی ابیات واضحست. و محض اتمام فایده مختصری نگاشته می شود.

۱-۲- مقصود از این بیان آن که به همان اندازه که میان صلح و جدل [جدال] فرق بی منتهاست، در میان حضرت مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ و اَزَلَّ نيز فرق بی منتهاست. چه مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ اهل عالم را به صلح عمومی دعوت فرمود، ولی ازل عالم را می خواهد به جنگ و جدال وادار نماید. و نیز لفظ حسین که مقصود جمال مبارک جَلَّ جَلَّله است در عدد با لفظ صلح مطابق است زیرا عدد هر دو ۱۲۸ است و نیز لفظ ازل با لفظ جدال مطابق چه هر دو را عدد ۳۸ است. خلاصه آن که جَمال اَقْدَس اَبهى ظاهراً و باطناً منادی صلح و ازل ظاهراً و باطناً و عملاً مُنادی فتنه و آشوب می باشد.

۳- در کتب سماویّه قبلیه خداوند مَن اهل عالم را در آخر الزّمان مژده به ظهور صلح و سلام داد، که در ظلّ قیض ظهور جمال قَدَم جَلَّ اسْمُهُ الاعلی جنگ و جدال برافتد و صلح و سلام ظاهر شود. آلات جنگ به آلات زراعت بدل شود. شیر و بزغاله و ببر و گوساله در یک آبشخور واقف و گرگ و میش و شاهین و کبوتر در یک مرتع و مرعی سالک گردند. مصداق يَمْلَأُ اللهُ الارضَ به قسطاً و عدلاً ظاهر شود و مُفَادٌ و لَا يَكُونُ مَوْتٌ بَعْدَ [در مکاشفات يُوْحَنَّا باب بیست و یکم آیه چهارم است: "وَسَيَمْسَحُ اللهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عِيُونِهِمْ، وَالْمَوْتُ لَا يَكُونُ فِي مَا بَعْدُ، وَلَا يَكُونُ حُزْنٌ وَلَا صُرَاخٌ وَلَا وَجَعٌ فِي مَا بَعْدُ، لِأَنَّ الْأُمُورَ الْأُولَى قَدْ مَضَتْ." ترجمه از متن فارسی مکاشفات مزبور چنین است: "و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت."] آشکار گردد. اگر ازل در ادعای خود صادق، لازم آید که وعود الهیه در کتب قبلیه بگلی کذب باشد. با آن که به نصّ قرآن شریف "إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ" و نیز در فرقان مجید: "وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا" وارد شده همین برهانی قویم و دلیلی متین است بر صدق ادعای جمال اَقْدَس اَبهى و بطلان یحیی ازل. زیرا اولی مطابق مواعید کتب سماویّه قبلیه و وعود الهیه به ظهورش انجام یافت و ثانی کاملاً از حیث تعلیم و رفتار و عمل بر خلاف آشکار گردید.

۴- اشاره به بیان مبارک جمال قَدَم جَلَّ جَلَّله است که می فرماید: "ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار" و مصراع ثانی بیت اشاره است به این که ازل به موجب نصوص بیان، خود را مأمور قنای احزاب و اجرای کلمه ضَرْبُ الرَّقَابِ و خرابی و دمار و دشمن آبادی و صنعت و علم و عمار می داند.

۵-۷- در باب شانزدهم از واحد هفتم کتاب مستطاب بیان حضرت اَعْلَى رُوْح ماسواهُ فِداه حُکْم قَتْلِ و ضَرْبُ الرَّقَابِ غیر مؤمن به بیان را حکم فرمود، ولی جمال مبارک جَلَّ جَلَّله در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح الهیه می فرمایند: "إِنْ تُقْتَلُوا فِي رِضَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَقْتُلُوا" و از این بیانات مبارکه بسیار است.

۸- مضمون این بیان در بیان مبارک بسیار و صفحه این کتاب به تفصیل مرقوم گردید. از جمله در باب ثالث عشر واحد سادس و باب سادس واحد ثانی و تاسع عشر از واحد ثانی و آیات کتاب الاسماء و سایر مواضع بیان و آیات حضرت اَعْلَى جَلَّ تَنَائِهِ مذکور است مراجعه شود.

۹- در مثل می گویند خُذِ الْغَايَاتِ وَ اَتْرُكِ الْمَبَادِيَ یعنی به نتیجه ناظر باش و از مقدمات چشم پپوش. کتاب بیان مقدمه و بشارت ظهور جمالِ قَدَمِ است و ظهور آن حضرت نتیجه شریعت بیان است. لهذا باید با وجود حصول نتیجه یعنی ظهور مَن يُظْهِرُهُ اللهُ از مقدمات و مبادی یعنی شریعت دست برداشت و به احکام موعود بیان ناظر بود. ولی یحیی ازل بر خلاف این رفتار کرده و با وجود ظهور موعود بیان باز هم در صدق انجام و اجرای احکام بیان است.

بند چهل و ششم

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| ۱- اهل عالم ازل نمی خواهند | دین جنگ و جدل نمی خواهند |
| ۲- این همه بار و این همه تکلیف | در دعا و عمل نمی خواهند |
| ۳- با همه احتیاج داد و ستد | اجتناب از ملل نمی خواهند |
| ۴- جنگ و غوغا و فتنه و شورش | بر خلاف دُول نمی خواهند |
| ۵- تیر و تیغ و سِنان نمی طلبند | مرگ پیش از اجل نمی خواهند |
| ۶- هر که مالک به ملک و مال خود است | مُلک و دین را خلل نمی خواهند |
| ۷- مَنّ و سَلْوٰی از آسمان آمد | فُوم و بَقْل و بَصَل نمی خواهند |
| ۸- داد نظم بیان بَهَاءُ اللهُ | بیش از این الْعَجَلُ نمی خواهند |
| ۹- آمد و نظم آن به اَقْدَسِ داد | به بیان زینتی مَقْدَسِ داد |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

۱- چون ازل خود را وَصِيَّ حَضْرَتِ اَعْلٰی و مُجْرٰی احکام بیان می دانست لهذا در کتب خود احکام عجیبه و غریبه نوشت و به پیروانش امر کرد تا در صدق اجرای آن برآیند. از جمله حُکْمِ جنگ و جدال و حرب و قتال با نفوس است که در باب شانزدهم از واحد سابع بیان نازل شده و ازل به اجرای آن امر کرده است.

۲- از جمله اوامر بیان آن است که هر شخصی باید هر روز مقدار زیادی از آیات بیان را بخواند و هفت صد مرتبه ذکر بگوید. برای اطلاع به مراجع ذیل مراجعه شود. بیان عربی و باب ثامن از واحد خامس بیان و باب سابع عَشْرَ از واحد خامس و باب ثامن از واحد سابع و باب عاشر از واحد سابع و غیرها.

۳-۵- برای اطلاع به باب رابع از واحد سادس مراجعه شود و نیز به باب رابع عَشْر از واحد خامس کتاب بیان مراجعه فرمائید.

۶- در بیان حکم شده که اموال غیر مؤمنین بر آنها حرام و راجع به اهل ایمانست برای تفصیل به واحد خامس بیان عربی و باب خامس از واحد خامس بیان فارسی مراجعه شود.

۷- مَنْ و سَلْوَى یعنی مائده آسمانی مقصود شریعت و احکام جمال قدم است و سیر و پیاز اشاره به دستورات سَخِيفَةُ یحیی ازلست. داستان فرود آمد مَنْ و سَلْوَى یهود از آسمان و ترجیح دادن آنها سیر و پیاز را بر مائده آسمانی در قرآن مجید سورة البقره نازل شده و نعیم از آیات مزبوره اقتباس فرموده است.

۸-۹- در بیان مبارک بشارت داده اند که مَنْ یُظْهِرُهُ اللهُ به بیان نظم خواهد داد. این معنی بر اثر نزول کتاب اقدس عملی شد و این بشارت در باب سادس عَشْر از واحد ثالث بیان فارسی نازل شده و از قبل هم مسطور است.

بند چهل و هفتم

- | | | | | |
|--|-----------|----------|-----------|----------------|
| ۱- آن کسان کَامَتِ بَهَا باشند | قائل | وحدت | خدا | باشند |
| ۲- جمله ز آدم گرفته تا خاتم | مُثَبَّتِ | کُلِّ | انبیا | باشند |
| ۳- مُوقِن حَشْر و نَشْر و جَنَّت و نار | مُؤْمِن | بِعَثَّت | و | لِقَا باشند |
| ۴- معتقد بر همه ائمه دین | ز | ابتدا | تا | به انتها باشند |
| ۵- بعد فترت به بعثت قائم | قائل | ختم | اولیا | باشند |
| ۶- چون نبی گفته ختم دین کند | تابع | حکم | مُصطفی | باشند |
| ۷- چون بشیر حُسین و باب بهاست | بهر | او | جمله | جان فدا باشند |
| ۸- همه چون باب گاولین عبد است | بنده | طلعت | بها | باشند |
| ۹- عبد باب بَقِيَّةُ اللهاند | تحت | حکم | وَصِيَّةُ | اللهاند |

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

۵- اشاره به حدیثی است که امام در باره ظهور قائم فرموده "يُظْهَرُ عَلَى قَتْرَةٍ مِنَ الْأَيْمَةِ كَمَا ظَهَرَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى قَتْرَةٍ مِنَ الرَّسُلِ" و شرح این حدیث و نص آن در جلد اول گذشت.

۶- اشاره به حدیث نبوی است که در باره مهدی فرموده "الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ بِهِ يُخْتَمُ الدِّينُ كَمَا فُتِحَ بِنَا" و این حدیث در جلد اول مذکور شده است.

۷- حضرت اعلیٰ مُلقَّب به مُبَشِّر جَمَال قَدَم می باشند زیرا در آیات مبارکه نازل از قلم مبارک بشارت به ظهور مَنْ يُظْهَرُهُ اللهُ فرموده اند.

۸-۹- اشاره به آیتی است که حضرت اعلیٰ در أَحْسَنُ الْقَصَص و سایر مواضع خود را "بَابُ بَقِيَّةِ اللَّهِ" و "أَوَّلُ عَبْدٍ أَمَّنْتُ بِهِ وَ بِآيَاتِهِ" خوانده اند. برای تفصیل به کتب استدلالیه مراجعه شود.

بند چهل و هشتم

- | | |
|------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- دوشم آمد ز برترین طارم | بانگِ یا ایها المرمل فم |
| ۲- لوحت از روح کن قلم از عقل | لیقه از دیده دوده از مردم |
| ۳- پس بگو مدحت جمال قدم | وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ |
| ۴- من و این احتمال قول ثقیل | کردم از عجز عقل و جان را گم |
| ۵- که جواهر رسید یا اعراض | هم موالید آمد و آب و ام |
| ۶- که همه چاکریم و فرمانبر | ز انجم چرخ تا در فلزم |
| ۷- مشورت می کنم به محفل شور | چون خدا داده حکم شاورهم |
| ۸- من به مدح بها بجای حرُوف | از جواهر گنم و یا انجم |
| ۹- زان که امروز حکم شماست | چون که حکم شما به حکم خداست |

۹-۱- معنی ابیات واضحست. مصرع وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ مأخوذ از قرآن مجید است و معانی سایر ابیات به خوبی آشکار است.

بند چهل و نهم

- | | | | | | |
|--|------------|---------------|-----------|-----------|------------------|
| ۱- مَظْهَرٌ كَبِيرًا بَهَاسْتِ بَهَاءِ | مُبْعِثِ | أَنْبِيَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ | |
| ۲- أَنْ كَمَا فَرَمَانَ بِيهِ أَدَمُ وَ حَوًّا | دَادَ | لَا تَقْرَبَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ | |
| ۳- أَنْ كَمَا بِيهِ نَجَاتٍ كَقَوْلِهِ نُوْحٍ | جَاءَكُمْ | أَمْرُنَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ | |
| ۴- نَارِ نَمْرُودِ أَنْ كَمَا كَلَّمْتَهُ سَاخِطًا | بِرِ | خَلِيلِ | خَدَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ |
| ۵- نَزْدِ فِرْعَوْنَ أَنْ كَمَا بَا مُوسَى | كَقَوْلِهِ | أَلْقِ | الْعَصَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ |
| ۶- أَنْ كَمَا بِيهِ مَسِيْحٌ نَازِلٌ كَرِيْمًا | مَائِدَةً | أَزْ | سَمَاءِ | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ |
| ۷- أَنْ كَمَا تَأْيِيْدُ مُصْطَفَى فِرْمُودِ | بِيهِ | شَدِيْدُ | الْقُوَى | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ |
| ۸- أَنْ كَمَا مَبْعُوثٌ كَرِيْمٌ رَاقِمٌ رَا | أَزْ | بِرَآءِ | نِدَا | بَهَاسْتِ | بَهَاءِ |
| ۹- أَوْسْتِ أَوْ ذَاتِ وَاحِدٍ قَادِرِ | أَلْفِ | وَ | يَا | وَ | أَوَّلِ وَ آخِرِ |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

۱- در الواح الهیه مضمون بیت مکرر نازل شده است.

۲- در قرآن مجید سوره بقره آیه ۳۵ نازل شده "قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِيْنَ" یعنی به آدم و حوّا امر کردیم که در بهشت بمانید و هر چه می خواهید بخورید ولی به این درخت (سیب یا گندم) نزدیک نشوید وگرنه از ستمکاران محسوب خواهید شد. نَعِيْمٌ فَرَمُودَهُ أَنْ كَمَا فِي هَذِهِ الْخُطَابِ رَا بِيهِ أَدَمُ وَ حَوًّا فَرَمُودَ جَمَالٍ مُبَارَكٍ بُوْدَ.

۳- داستان نوح و کشتی در سوره هود نازل شده در آیه ۴۰ فرموده حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَ فَارَ التَّنُّوْرُ ... یعنی آب از تنور به امر خداوند جوشید.

۴- داستان نمرود و به آتش افکندن خلیل و بی اثر شدن آتش در سوره انبیا آیه ۶۸ به بعد نازل شده است.

۵- این آیه در سوره نمل (۹-۱۰) نازل شده ... وَ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ ... یعنی عصای خود را بینداز موسی عصا را دید که مانند جنّ در حرکت است.

۶- داستان نزول مائده از آسمان برای مسیح در قرآن مجید سوره مائده و در انجیل یوحنا فصل ششم و غیره مسطور است.

۷- اشاره به آیه سوره النجم است که فرموده عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى یعنی جبرئیل آیات را به پیغمبر آموخت.

۸-۹- بیت آخر اشاره به مندرجات مُكَاشَفَاتٍ يُوحِّسَاتٍ که در باب ۲۲ آیه ۱۳ می فرماید من آلف و یا و اول و آخر و ابتدا و انتها هستیم [هستم] این معنی در الواح مبارکه از قبیل کتاب مبارک ایقان و کتاب مبارک بیان نازل شده است.

بند پنجاهم

- ۱- وَ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ آيَتِ اوست آيَتِ حَقِّ هَمَانِ هدايتِ اوست
- ۲- اَوْ لَمْ يَكْفِ اَقْمَنُ يَهْدِي اين دو آيت به حَقِّ كِفَايَتِ اوست
- ۳- در زَمَرِ آيَةُ وَ مَا قَدَرُوا تا عَلَي الكَافِرِينَ حكايتِ اوست
- ۴- سوره الْمُطَفِّينِ به تمام دفتر شُكْرِ با شِكَايَتِ اوست
- ۵- وَ الْحُسَيْنُ عَلَي سَرِيرِ الثُّورِ از امام ششم روايتِ اوست
- ۶- وَ هُوَ الثُّورُ نامِ نامِي او وَ مِنَ الثُّورِ هَمَّ وَايَتِ اوست
- ۷- فَادْخُلِي فِي عِبَادِي اِذْنِ دُخُولِ وَ ادْخُلِي جَنَّتِي عَنَايَتِ اوست
- ۸- اِنْ تَكُنْ كَادِحًا اِلَى رَبِّكَ فَمَلَاقِيهِ ظِلًّا رَايَتِ اوست
- ۹- آيَتِ جَانْفَزَايِ لَيْسَ الْبِرُّ به تَفَكُّرِ بَخْوَانِ اِلَى اَخِرِ

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

۱- اشاره به آیه مبارکه قرآنی که در سوره رعد آیه ۱۴ فرموده "لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ [بشئىء] اِلَّا كِبَاسِطٍ كَفَّيْهِ اِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَ مَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَ مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ اِلَّا فِي ضَلَالٍ" در این آیه دعوت حق و صادق را مخصوص انبیای الهی و مظاهر مقدسه قرار داده است و دعوت مدعیان باطل را بی فایده و بیهوده معرفی فرموده مانند کسی که انگشتان دست را بگشاید و بخواهد با آن از جوی آب بردارد و به دهان خود برساند. بدیهی است که موفق به نوشیدن آب نخواهد شد. مدعیان باطل را نیز مثل بر این گونه است.

۲- اشاره به دو آیه قرآن است که در وصف مظاهر الهیه و حجت آنان ذکر فرموده یکی در سوره عنکبوت آیه ۵۰- ۵۱ "أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ" آیات را حجت قاطعه کافیه ذکر فرموده و در سوره یونس آیه ۳۵ می فرماید "أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي ... " یعنی علامت صحت ادعای مظهر امرالله همان هدایت نفوس به راه راست است می فرماید باید از کسی پیروی کرد که مردم را هدایت کند و جز این دیگر قابل پیروی نیست.

۳- اشاره به آیه قرآن در سوره زمر است که می فرماید "وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ..."

از آیه ۶۷- ۷۱ در این بند اشاره شده و جمعاً در باره ظهور مبارک حضرت اعلی و جمال قدم و نسخ شرایع سابقه است. برای تفصیل به کتب استدلالیه مراجعه شود.

۴- در سوره المطففین جمیع وقایع ظهور مبارک را اخبار فرموده است طوبی للمتبصرین.

۵- اشاره به فرمایش حضرت صادق است که در باره رجعت حسینی فرموده ... تختی می بینم از نور که در بالای آن قبه ای از یاقوت سرخ مکرر به جواهر قرار دارد و حسین را می بینم که بر آن سریر نور جالس است و مؤمنین را می بینم که در محضر مبارک مشرف هستند ... این حدیث در کتاب بحار جلد سیزدهم از کتاب کامل الزیارة به سند متصل از مفضل بن عمر نقل شده است.

۶- در مزامیر داود فصل ۳۶ آیه نهم می فرماید ای خدا در نور تو نور می بینم [می بینیم]. بها نور است و ظاهر گشته از نور ...

۷- اشاره به آیه ۲۷ سوره الفجر است که فرموده یا ائبها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی.

۸- اشاره به آیه ۶ سوره انشفاق است که فرموده یا ائبها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه.

۹- آیه مبارکه ایس البر در سوره البقره آیه ۱۷۷ مسطور است.

بند پنجاه و یکم

- ۱- آن که عالم اسیر طلعت اوست طلعت او دلیل وحجت اوست
- ۲- حجت از او مخواه ای عاقل حجت عاشقان محبت اوست
- ۳- کس ارادت به اختیار نداد دل ما از چه در ارادت اوست

- ۴- دفع آهن به جذب مَغْنَطِيس
- ۵- این یکی جاذب آن دگر مَجْذُوب
- ۶- گر ز خدمت فِدا شویم چه باک
- ۷- کوشش ما به قدر هَمَّتِ ماست
- ۸- هر که جان داد روی جانان دید
- ۹- حُسن او را بَس است این دو گواه
- چه کُنْد چون اسیرِ قَدْرِتِ اوست
- فعل هر کس گواهِ فِطْرِتِ اوست
- هستی ما برای خدمتِ اوست
- کَشِش او به قدرِ طَلَعَتِ اوست
- مُزِد هر کس به قدرِ زَحْمَتِ اوست
- جان وَرَقَا و روحِ رُوحِ الله

۹-۱- معنی ابیات واضحست. بیت ۹ مقصود میرزا علی محمد ملقب به وَرَقَا و پسرش روحُ الله است. در سنه ۱۳۱۳ قمری هجری که ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی به قتل رسید میرزا علی خان حاجبُ الدَّولَه جناب وَرَقَا و روحُ الله را که در زندان بودند به دست خود به شهادت رسانید. برای تفصیل به تواریخ مفصله مراجعه شود.

بند پنجاه و دوّم

- ۱- جز در این دین شنیده‌ای عاقل
- ۲- جز به دارُالسَّلَام کس دیده
- ۳- جز به طهران شنیده‌ای که سه ماه
- ۴- جز به زنجان شنیده‌ای مادر
- ۵- جز به شیراز کس به شوق دهد
- ۶- هیچ کس جز در اصفهان داده
- ۷- هیچ دیدی بجز به عشق‌آباد
- ۸- هیچ کس گشته است جز در یزد
- ۹- لَمْ أَرِدْ ناصِراً لِيَنْصُرَنِي
- به تمنای موت مُسْتَعِجِل
- کرده خود را به دست خود بسمل
- نامه قتل خود بَرَد عاقل
- که به قتل پسر شود عاجل
- مُزِدگانی به قاتل جاهل
- دِیْتِ قتل خود به مُسْتَقْتِل
- کس شَفَاعَت نماید از قاتل
- وقت کشتن به این سخن قائل
- بَلْ قَتَى ناظراً لِيَنْظُرَنِي

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

۲- مقصود سیّد اسمعیل زواره است که در بغداد به دست خود گلوی خود را بریده و برای تفصیل به جلد اول رحیق مختوم در ذیل (ذبیح کعبه وفا) مراجعه شود.

۳- مقصود جناب بدیع خراسانی است.

۴- مقصود عَبْرَ خانم ملقبه به أمّ اشرف مادر جناب آقا سیّد علی اشرف زنجانی است که این جوان در سن ۱۹ سالگی در زنجان به شهادت رسید در سال ۱۲۸۴ ه. ق. و مادرش او را در میدان زنجان به جانفشانی تشویق کرد.

۵- مقصود جناب آقا مرتضی سروسنانی است که کلاه نمدی پاره ای را که به سر داشت به رسم مزدگانی به فراشبازی که خبر قتل او را به او داده بود بخشید زیرا جز آن چیزی نداشت.

۶- مقصود جناب سلطان الشهداء سیّد حسین است که انگشتر قیمتی خود را به قاتل خود بخشید.

۷- مقصود احبای عشق آباد هستند که پس از شهادت جناب حاجی محمد رضا در نزد حکومت از قاتلین جناب حاجی شفاعت کردند و حکم اعدام آنان در نتیجه شفاعت احبای تبدیل به حبس سبیریا گردید.

۸-۹- مقصود جناب ملا علی سبزواری است که در یزد وقتی خواستند او را شهید کنند فریاد زد حضرت سیّد الشهداء علیه السلام در روز عاشورا فرمودند هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي وَلِي مِنْ مِي گویم "هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْظُرُنِي"

بند پنجاه و سوم

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ۱- شرح این عاشقان بُرد از یاد | ذکر مجنون و قصه فرهاد |
| ۲- جانب مَقْتَل آن چنان رفتند | که به حَجَله نمی رود داماد |
| ۳- حُسن او کرد خواجهگان بنده | بندگان را ز بند خویش آزاد |
| ۴- آن یکی در غم و شکنجه بماند | وان دگر در بلا و رنج افتاد |
| ۵- آن یکی خانمان بر آتش زد | وان دگر خانواده داد به باد |
| ۶- آن یکی مال و آن دگر فرزند | آن یکی جاه و آن دگر جان داد |

- ۷- با هزاران مُخَرَّبِ این بانی کرد این خانه را چسان آباد
- ۸- آندرین موج فتنه و طوفان پایه دین ببین چگونه نهاد
- ۹- حَیْرَ الْعَقْلِ جَلَّ سُلْطَانُهُ وَ عَلَیْ [یا: عَلَا] قَدْرُهُ وَ بُرْهَانُهُ

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

ترجمه بیت اخیر این است که می فرماید عظمتِ جَمَالِ قَدَمِ عقول را حیران نماید و قدر و منزلت و سَطَوَاتِ بُرْهَانِش از همه بالاتر و بر همه غالب است.

بند پنجاه و چهارم

- ۱- حَقَّ جِهَانِ كَرْدَ مُسْتَعِدَّ ظُهُورِ پس عیان گشت و شد جهان مَعْمُورِ
- ۲- شَهْرَهَا شَدَ بَهْ یَكْدِیْگَرِ [یكديگر] نَزْدِیْكِ از چه دلها زهم بماند دور
- ۳- سِرٌّ هَرِ چِیْزِیْ أَشْكَارَا شَدَ از چه سِرٌّ صُحْفٌ شُودَ مَسْتُورِ
- ۴- هَمَّهْ عَالَمِ شَدْنَدَ هَمْكَاسَهْ از چه جاری نگردد آبِ طَهُورِ
- ۵- هَمَّهْ اَشْیَاءُ شَدَهْ لَطِیْفِ وَ نَظِیْفِ مَائِدَ آلُودَهْ از چه دل به شُرُورِ
- ۶- گَشْتَهْ آتَشِ دَرِ آبِ كَشْتِیْ-رَانِ آدَمِیْ زَادَمِیْ چِرَاسْتِ نَفُورِ
- ۷- شَرْقِ دَرِ گُوشِ غَرْبِ نَجْوِیْ كَافَتْ مَا چِرَا چَشْمِبَسْتَهْ وَ كَرِ وَ كُورِ
- ۸- بَرٌّ وَ بَحْرَنْدِ یَارِ وَ مَا اَغْیَارِ شَرْقِ وَ غَرْبِنْدِ وَصَلِ وَ مَا مَهْجُورِ
- ۹- هَمَّهْ اَشْیَاءُ قَبُولِ فَرْمَانِ كَرْدِ چُونِ بَهْ اَنْسَانِ رَسِیْدِ طَغْیَانِ كَرْدِ

۹-۱- معنی ابیات واضحست و احتیاجی به شرح ندارد.

بند پنجاه و پنجم

- ۱- ای همه کانفیوس و بودائی ای همه هندو و برهمنائی
- ۲- ای یهود و مجوس و زردشتی ای مسلمان و ای مسیحائی
- ۳- بر همه مزده ارض را حق کرد اخذ در قبضه توانائی
- ۴- همه یک گله یک شبان باشید مُعال است حقّ به تنهائی
- ۵- می کند جمله را کنون دعوت به ضیافت سرای یکتائی
- ۶- می درخشد فراز کنگره اش رایت یا بهاء الابهائی
- ۷- قوچها فربه برگان بی عیب کرده قربان در این پذیرائی
- ۸- كُلَّ مَا تَسْتَهِيهِ الْاَنْفُسَ را کرده حاضر به خوان یغمائی
- ۹- اللَّهُ اللَّهُ تمام بشنابید رایگان این پذیره دریابید

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بیت سوّم اشاره به آیه قرآن است که در باره روز قیامت فرموده در سوره زُمر وَ الْأَرْضُ [جَمِيعًا] قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی در روز قیامت زمین در قبضه اقتدار حقّ است و به ظهور جمالِ قَدَمِ این معنی تحقق یافت.

بیت پنجم اشاره به بشارتِ عَهْدِ عَتِيقِ است که در اشعیا و غیره وارد شده و همچنین مضمون بیت هفتم از بشارات کتب انبیاست که از قبل نصوص آن ذکر شد.

بیت هشتم اشاره به آیه قرآن است که در باره بهشت و نعمت های آن فرموده ... فِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ يَعْنِي در بهشت هر کس هر چه بخواهد موجود است چنانچه نعمت های معنویّه در آیات الهیّه در این ظهور مبارک موجود است.

بیت پنجاه و ششم

- ۱- ما جماعت که اهل ابهائیم جان جمعیم و روح یکتائیم

- ۲- فکر هر فرقه ذکر هر زُمره
 ۳- تو ز هر فرقه بانگِ وحدتِ نوع
 ۴- همه همچون نیاند و ما نَقَسیم
 ۵- چون شنیدند بانگِ وحدتِ از او
 ۶- همه فریاد می زنند که ما
 ۷- تا جهان را به هم یکی نکنیم
 ۸- باز کن چشم و فرقه فرقه ببین
 ۹- همه سرگرم و اسب می رانند
- قطراتست و ما چو دریائیم
 هر کجا بشنوی بدان مائیم
 همه کوهند و ما چو آوائیم
 همه گفتند ما توانائیم
 سببِ اتحادِ دنیائیم
 ترکِ غوغا و فتنه نمائیم
 ما یکی روح جمله اعضائیم
 لیک مقصود را نمی دانند

۹-۱- معنی ابیات واضحست. مضامین از الواح الهیه مأخوذ است.

بند پنجاه و هفتم

- ۱- این چنین عالمی که عالم ماست
 ۲- وحدتِ نوع و وحدتِ دینست
 ۳- دین روشن مترجم ادیان
 ۴- شخص امروز را رُسومِ قدیم
 ۵- این چنین دین در این چنین موقع
 ۶- نشر این دین حقّ در این مردم
 ۷- اندکی فکر اگر کنی دانی
 ۸- پس چنین دین مابه الحاجة
 ۹- هر که زاین دین حقّ ابا کرده
- به خدا مُسْتَحَقِّ دین بهاست
 وحدتِ مُلک و وحدتِ آراست
 رسمِ معقول و مذهبِ عُقلاست
 جامهٔ نارسا و نازیباست
 موردِ حاجتِ همه دنیاست
 بهترین خدمتی به خلق خداست
 پایهٔ این طریقه تا به کجاست
 بر همه خلق لازم الاجراست
 بر خود و بر جهان جفا کرده

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

مَضامین ابیات اشاره به تعالیم مقدّسه الهیه است که در الواح مبارکه مندرجست و همه احبّای الهی بر آن مطلعند.

بند پنجاه و هشتم

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱- گر بدین دین کسی نظاره کند | واندر او یک نظر دوباره کند |
| ۲- ببند آن را چنان متین و قویم | که تواند جهان اداره کند |
| ۳- همه امراض اجتماعی را | که در آن عقل مانده چاره کند |
| ۴- آن ورق‌پاره‌های پوسیده | که ز اجداد مانده پاره کند |
| ۵- وَهْمُ صَعْبُ الْعِلَاجِ مُزْمِنُ خَلْقِ | چاره آسان به یک اشاره کند |
| ۶- همه اسرار انفس و آفاق | یک به یک بر جهان شماره کند |
| ۷- بر همه خلق و بر همه کشور | باغ فردوس آشکار کند |
| ۸- عقل کُلِّ مَحْوٍ وَ مَاتٍ وَ خَيْرُهُ شُود | چون در احکام آن نظاره کند |
| ۹- گوید اسْتَحْكَمْتُ مَبَانِيهَا | حُرْتُ وَاللّٰهُ جَلًّا بَانِيهَا |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

معنی بیت نهم آنست که عقل اگر در تعالیم مبارکه تعمّق کند فریاد برآورد که اساس این تعالیم بسیار محکم است و من در عظمت این تعالیم حیران و سرگردانم. مقدّس است آن خداوندی که اساس آن تعالیم مبارکه را در عالم گذاشته است.

بند پنجاه و نهم

- ۱- راه ربط قلوب دین بهاست و اجتماع شُعب دین بهاست
- ۲- سبب منع فتنه رفع فساد
- ۳- باعث وصل مشرق و مغرب
- ۴- بانی بیت عدل و مجلس شور
- ۵- به نُصُوص صریح کُلِّ کتب
- ۶- حکم حُبِّ و وفا و صدق و صفا
- ۷- آفتابی که نور تربیتش
- ۸- بوستان الا بذكر الله
- ۹- می توانی نمائی از این دین
- و اجتماع شُعب دین بهاست
- قلع و قمع حُرُوب دین بهاست
- هم شمال و جنوب دین بهاست
- به طریق وُجُوب دین بهاست
- ناسخ تیب [تیپ] و توب [توپ] دین بهاست
- همه اخلاق خوب دین بهاست
- نماید غروب دین بهاست
- تَطْمَئِنُّ القلوب دین بهاست
- این جهان را به از بهشت برین

۹-۱- معنی ابیات واضحست. مضمون بیت هشتم از آیه قرآن است و مضامین سایر ابیات از الواح الهیه مأخوذ است.

بند شصتم

- ۱- اندر این شرع عقل و علم و حکم
- ۲- اندر این بزم طبع و نفس و خرد
- ۳- اندر این ره حکیم و رند و فقیه
- ۴- اندر این صفّ گدا و شاه و وزیر
- ۵- اندر این دین یهود و گبر و هُنُود
- ۶- اندر این خانه مست و دزد و شریر
- ۷- اندر این دشت گرگ و ببر و گراز
- آشتی کرده‌اند هر سه به هم
- ساکن و مطمئن و مُستخدم
- یک ره و یک مقام و یک مَقَدَم
- همه هم‌دوش و هم‌ره و همدم
- همدل و هم‌عقیده و محرّم
- پاکدل پاکباز و پاک قدم
- حافظِ بَرّه [در اصل: بَرّه] و غزال و غنم

- ۸- صلح اُضداد و وحدتِ اُعداد شاهدِ وحدتِ جَمالِ قَدَم
- ۹- وحدتِ اوستِ خارج از اُعداد فاصلِ جنس و جامعِ اُضداد

۹-۱- معنی ابیات واضحست. مزایای تعالیم مبارکه در این ابیات ذکر شده است.

بند شصت و یکم

- ۱- علم و عرفان و معرفت این جاست دین و دنیا و آخرت این جاست
- ۲- مایه الانتظار کُلِّ مِلل از پی داد و معدلت این جاست
- ۳- مایه الانتظام جمع بشر از در حکم و مشورت این جاست
- ۴- مایه الاحتیاج کُلِّ فِرَق از سر خیر و مَنفَعَت این جاست
- ۵- مایه الانکشافِ سِرِّ کُتُب از رَه علم و معرفت این جاست
- ۶- مایه الإتحادِ کُلِّ مُلُوک بهر اصلاح مَمَلکت این جاست
- ۷- مایه الإقتدار کُلِّ دُول از پی مُکَنَّت و سَعَت این جاست
- ۸- مایه الاشتیاق کُلِّ أُمَّم بهر غُفران مَعْصیت این جاست
- ۹- نتوانی تو یافت آبادان قریه‌ای ماوراءِ عَبَّادان

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

در امثال قدیم است که گفته آیسَ ماوراءِ عَبَّادانِ قَرِیَّةٌ یعنی ماورای عَبَّادانِ آبادی نیست و مقصود از این مثل آنست ماورای شریعتِ جَمالِ قَدَمِ جَلَّ جَلَّاهُ شریعت دیگری نیست که بتواند سعادت عالم و نظم جهان راعهده دار باشد.

بند شصت و دوّم

- ۱- دین کین بهتر است یا که و داد
- ۲- پاک باشند خَلق یا که نَجس
- ۳- با ادب یا غضب کنند اصلاح
- ۴- مرد بی‌کار بهُ و یا مشغول
- ۵- بهتر ایلاف یا که استیحاش
- ۶- گو نِظافت بهُ است یا تَطهیر
- ۷- از کُتب احترام یا توهین
- ۸- تَوْبَه بهُ نزد خَلق یا خالق
- ۹- گو تَوْهُم بهُ است یا تَدقیق
- شور جُمهور یا که استبداد
- صلح باشند جمله یا به جهاد
- با زبان یا سینان کنند ارشاد
- طفل در کوچه بهُ و یا استاد
- خوشر اعتاق یا که استعباد
- گو [گو] مُقَيَّد بهُ است یا آزاد
- از مِلل احترام یا که و داد
- کُدیه از خَلق یا عَطَاء عباد
- گو تَعَبُّد بهُ است یا تحقیق

۹-۱- معنی ابیات واضحست. قسمتی از تعالیم مبارکه در این ابیات ذکر شده است از این قرار در بیت اول حکم محبّت عمومی و مَدَمَّتِ حکومت استبداد و تمجید از حکومت مشروطه که در الواح مبارکه ثبت است.

بیت دوّم حکم طهارتِ احزابِ ملل و تمجید صلح و رفع جهاد و جنگ. بیت سوّم مَدَمَّتِ غضب و تمجید اصلاح و هدایت نفوس با دلیل و برهان و نَهی از اجبار و اذیت. بیت چهارم مَدَمَّتِ بیکاری و امر به کسب و کار و لزوم تربیت اطفال. بیت پنجم امر به دوستی و نَهی از عداوت و نَهی از برده فروشی و تمجید از آزادی بیت ششم امر به نِظافت و لُطافَتِ کُبری به جای تَطهیر که در اسلام رسم شده است و مَدَمَّتِ تقلید و تَقَيُّد و تمجید آزادی.

بیت هفتم احترام به کتب مفیده و کتب آسمانی و امر به معاشرت با ادیان. بیت هشتم نَهی از استغفار نزد دیگران و امر به توبه در باطن نزد خدا و نَهی از تَكَدُّی و گدائی و امر به بخشش و جود و سَخاوت.

بیت نهم امر به تحقق و تَحَرُّی حقیقت و نَهی از تَوْهُم و تَعَبُّد. جمیع اینها از تعالیم این ظهور مبارکست که در الواح مبارکه مسطور است.

بند شصت و سوّم

- ۱- به خدا گر به خود ریا نکنی جز قبول ره بها نکنی
- ۲- به خود و بر جهان نمائی ظلم تو بدین دین اگر ندا نکنی
- ۳- گر جهان را تو عیسوی سازی درد ایام را دوا نکنی
- ۴- گر مسلمان کنی تمام جهان رایت صلح را بپا نکنی
- ۵- نکنی خلق را گر اهل بهاء خلق را بنده خدا نکنی
- ۶- نکنی گر ندا به وحدت نوع گنبد چرخ پُر صدا نکنی
- ۷- ندهی گر صلا به صلح عموم خلق را با حق آشنا نکنی
- ۸- بُود این دین سُرادق وحدت این سُرادق بپا چرا نکنی
- ۹- تا در صلح را نمائی باز باز و بط گرگ و میش ر [را] انباز

۹-۱- معنی ابیات واضحست. بیت نهم اشاره به نُبُوتِ اَشْعِیایِ نَبِیِّ در باب یازدهم کتابش در باره ظهور موعود است که در ظلِّ رحمتش درنده و چرنده با هم صلح می نمایند و از قبل مکرر ذکر شد.

بند شصت و چهارم

- ۱- همه احکام او صلاح عباد همه آیات او به راه رَشاد
- ۲- آنچه گفته نبوده جز به صلاح آنچه کرده نبوده جز به سَداد
- ۳- امر نیکی دهد به نوع وُجوب دفع زشتی کند به وَجِه و داد
- ۴- کَلِم جامعهاش مُؤیِّد عقل حِکْم بالغه‌اش مُعین فُواد
- ۵- امر او مُقْتَصِد نَه سُسْت و نَه سَخْت حُکْم او مُعْتَدِل نَه گَم نَه زیاد
- ۶- همه الفاظ او نظام اَمَم همه احکام او قِوام بلاد

- ۷- سخنانش متین‌تر از صخره کلماتش قوی‌تر از فولاد
- ۸- پیروانش همه رتوف بشر بندگانش همه عطف عباد
- ۹- اینش قول است و فعل و امت و کار فیالاثمار تُعرف الأشجار

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بیت نهم اشاره به بیان حضرت مسیح است که فرموده هر درختی را از میوه اش باید شناخت و شرح این در انجیل لوقا فصل ۴۳/۶ و متی فصل ۱۵/۷ و فصل ۳۳/۱۲ و ارد شده است مراجعه شود.

بند شصت و پنجم

- ۱- تربیت کرد امتی مظلوم با کتابی و مسلکی معلوم
- ۲- ضُعفاشان انیس هر مکرُوب اقویاشان پناه هر مظلوم
- ۳- نفع خود دیده نفع هیئت نوع خیر خود کرده وقف خیر عموم
- ۴- ذکر ایشان در انتباه بشر فکر ایشان در انتشار علوم
- ۵- فخر ایشان ز دهر رفع عُیوب عیش ایشان ز خلق دفع عموم
- ۶- بزم آنان در اتحادِ ملل عزم آنان در اقتصار هُموم
- ۷- جانشان نذر قاتل بی‌رحم نانشان وقف سائل محروم
- ۸- حامی و حافظِ حُدودِ عباد حارس و حامل حقوق عموم
- ۹- آن که مؤمن بُود به طلعت ذات هست مُستَجمع جمیع صفات

۹-۱- معنی ابیات واضح است. بیت نهم اشاره به بیان مبارک حضرت عَبْدُالْبَهَاء که فرموده "بهائی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی"

بند شصت و ششم

- ۱- گر کسی اُمَّتِ بَهَا ببند
 - ۲- بر همه فرقه با همه ملت
 - ۳- کز خدا گوید از خدا شنود
 - ۴- بی طمع دوست بی سبب غمخوار
 - ۵- در وفا کوشد آر ستم نگرد
 - ۶- خدمتش مُفت و دعوتش بی مُزد
 - ۷- بندگان خدای را به خلوص
 - ۸- اگر این دین حَقّ نباشد حَقّ
 - ۹- به خدا دین حَقّ نمایان است
- یک به یک را جدا جدا ببند
در همه عالم آشنا ببند
از خدا خواهد از خدا ببند
بی ریا یار بی دغا ببند
هم دعا گوید آر جفا ببند
طاعتش جمله بی ریا ببند
به ره راست رهنا ببند
کس صفاتِ حَقّ از کجا ببند
بهر بیجا چو شمس تابان است

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند شصت و هفتم

- ۱- در جهان اِدْعَا تو نتوانی
 - ۲- پس به آیات و بیّنات و زُبُر
 - ۳- جان و دل مُلک و دین علیل شدند
 - ۴- عالمی گز خدا گریخته اند
 - ۵- زُمَرَه‌ای را پئی هدایتِ خَلْق
 - ۶- راحتِ خود فدای راحتِ نوع
 - ۷- در همه عُمر خود ز دشمن و دوست
- گر کنی بَرَمَلَا تو نتوانی
ثابت آن اِدْعَا تو نتوانی
این عِلل را دُوا تو نتوانی
با خدا آشنا تو نتوانی
مُسْتَعِدّ فِدَا تو نتوانی
از برای خدا تو نتوانی
احتمال بَلَا تو نتوانی

- ۸- مختصر گویم از هزار یکی آنچه کرده بها تو نتوانی
 ۹- به خدا وضع شرع کار تو نیست و آن همه اصل و فرع کار تو نیست

۹-۱- معنی ابیات واضحست. استدلال بر حقانیت مظاهر مقدسه از راه ذکر صفات خاصه آنان در این بند مذکور است.

بند شصت و هشتم

- | | |
|-------------------------------|--------------------------|
| ۱- جذب اصحاب حال کار خداست | قلب ارباب قال کار خداست |
| ۲- عام را رام و خاص را آرام | خلق این اعتدال کار خداست |
| ۳- وضع قانون کلی عالم | از حرام و حلال کار خداست |
| ۴- دین که اقوام را ز دین قدیم | می دهد انتقال کار خداست |
| ۵- وضع دین و عقیده ثابت | در قلوب رجال کار خداست |
| ۶- جاهلان را برابر علماء | بذل نطق و مقال کار خداست |
| ۷- به براهین سهل ز اهل غرور | دفع جهل و جدال کار خداست |
| ۸- صلح ادیان و اتحاد ملل | بی جدال و قتال کار خداست |
| ۹- تو مگو طالب حقت همه | محو مجهول مُطلقند همه |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند شصت و نهم

- ۱- به سلاطین چنین خطاب که کرد رحمت و زجرت و عتاب که کرد

- ۲- حُكْمًا را زَبُون و خوار و ذلیل
- ۳- عُلْمًا را به علم و فضل و فنون
- ۴- سُقَهَا را به حلم و صبر و سکون
- ۵- آنچه فرمود و وعده کرد و نوشت
- ۶- هر سُؤَال و مَقَال و مَسْئَلَه را
- ۷- شَرَع و اَئِن و دین او به جهان
- ۸- نَائِبِی شَهْم و عَالِم و کامل
- ۹- نیست بُرْهَان از این مُبْرَهَن‌تَر
- ز آیت و حُجَّت و کتاب که کرد
- ساکت و عاجز و مُجَاب که کرد
- مُخَجَل و مُهْمَل و مُعَاب که کرد
- جاری و ساری و مُصَاب که کرد
- حَلَّ و تَفْصِیل و مُسْتَجَاب که کرد
- نیک و مَقْبُول و مُسْتَطَاب که کرد
- بَعَث و مَأْمُور و اِنْتِخَاب که کرد
- که یُود از آفتاب روشن‌تر

۹-۱- معنی ابیات واضحست. برای تفصیل به ألواح ملوک مراجعه شود.

بند هفتادم

- ۱- سخنانش ز مُبْصِر و مَسْمُوع
- ۲- شمس آیاتش از همه اقطار
- ۳- بیاناتش فزون‌تر از اَنجُم
- ۴- شَهْدَائِش به نزدِ قاضی عدل
- ۵- معجزاتش ز قول دشمن و دوست
- ۶- اثراتش در اَنفُس و اَفَاق
- ۷- کلماتش از انتشار و نُفُود
- ۸- قول و قانون و دین او جا نداشت [جان داشت]
- هر چه گفت و نوشت یافت وُقُوع
- بر همه مُمکنات کرد سَطُوع
- ز آسمان کتب نمود طُوع
- می‌رسد عَدَّشان به حَدِّ شِیُوع
- بر همه خاص و عام شد مَسْمُوع
- با همه مَنع و رَد نشد مَمْنُوع
- زین همه قطع و سَدّ نشد مَقْطُوع
- تا شناسی تو صانِع از مَصْنُوع

۹- ذاتش از ذاتِ خویش دانا بود شَخَصَّش از شَخَص خود توانا بود

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بند هفتاد و یکم

- | | |
|-------------------------------------|---|
| ۱- این عَجَب روز کشف و کِتْمَانست | نیک پیدا و سخت پنهان است |
| ۲- سِرِّ مَشهور و ظاهر مَسْتور | روز تاریک و شام تابان است |
| ۳- مُؤدِن سِرِّ مُنادی مَخفی | دزد با گرنا و بالان [احتمالاً همان بالابان نوعی ساز است که بَلَبان، بَلَبَن، بالَبَن و بالابَن هم می‌گویند] است |
| ۴- کور بیننده است و گر شنوا | لال گوینده لنگ پویان است |
| ۵- لیک بیننده کور و شنوا کر | مردگان زنده زنده بیجان است |
| ۶- آن یک از سِرِّ مُسْتَسِرِّ کُتَب | یافت آسرار و بُله نادان است |
| ۷- آن یک از اَبَدِه بَدیهیات | مانده محروم و بَحْر بُرهان است |
| ۸- بر حکیمان چگونه شد مَكْتوم | آنچه بر طفلگان نمایانست |
| ۹- یار آغیار و مَحْرَمَان مَحروم | قَنَّعالی المُهَیْمِنُ القِیُّوم |

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

بیت ۴ و ۵- اشاره به بیان حضرت مسیح است که فرمود من در این جهان به جهت داوری آمده ام تا کوران بینا و بینایان کور شوند (انجیل یوحنا فصل ۹/۳۹) همانطور که این مطلب در ظهور مسیح جاری بود در دوره رَجَعْتَش هم که ظهور جَمالِ قَدَم است جاری و مؤثر است.

بند هفتاد و دوّم

- ۱- هان بیائید کشفِ راز کنیم
 - ۲- نتوانیم مُتَّق شد اگر
 - ۳- بُود این مطلب عظیم و مُهمّ
 - ۴- بی نیاز است حَقّ ز طاعتِ ما
 - ۵- در کتابِ خدا بیندیشیم
 - ۶- لیکن اندیشه از دَرِ انصاف
 - ۷- از لجاج و تَعْصُب و تقلید
 - ۸- پس طریق نجات را به نیاز
 - ۹- گی پدر بر پسر کند ایثار
- در صندوق بسته باز کنیم
نتوانیم کشفِ راز کنیم
باید این قصّه را دراز کنیم
ما به او طاعت از نیاز کنیم
تا که نیک از بد امتیاز کنیم
از پی جستجوی راز کنیم
باید البته احتراز کنیم
طلب از لطفِ کارساز کنیم
جای نان سنگ و جای ماهی مار

۹-۱- معنی ابیات واضحست. بیت نهم اشاره به بیان حضرت مسیح است که در باره انجیل مّی فصل ۹/۷ و لوقا فصل ۱۱/۱۱ وارد شده است مراجعه شود.

بند هفتاد و سوّم

- ۱- بر فلک شد یسوع یعنی چه
 - ۲- آنچه داود در حَقّ خود گفت
 - ۳- دَکَرِیا [یا: زَکَرِیا] هر آنچه بر خود گفت
 - ۴- آن مقامی که از سُلیمان بود
 - ۵- چون مسیح است اوّل و آخر
 - ۶- ایلیا بر سپهر کرد عُروج
- باز آرد رُجوع یعنی چه
تَرْجَمَت بر یسوع یعنی چه
بر مَسیحا وُقوع یعنی چه
بر مَسیحا شُیوع یعنی چه
خَتَم بود او شروع یعنی چه
آن عُروج و رُجوع یعنی چه

- ۷- بر فلک آن ستاره سحری می نماید طلوع یعنی چه
- ۸- همچو برقی برآید از مشرق پس به معرب [مغرب] سطوع یعنی چه
- ۹- گرنه واقف شوی به سیر کتب کی تو قادر شوی به خرق حُجُب

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

- ۱- داستان صعودِ مَسِیح در انجیل لوقا فصل ۵۱/۲۴ و مَرْفُس فصل ۱۹/۱۶ و اعمال رَسولان فصل ۹/۱ مسطور است و قضیه رَجَعَتِ آن حضرت در انجیل یُوَحْنَا فصل ۱۲/۱۶-۱۹ و فصل ۱۴/۱۸-۲۸ و فصل ۳ رساله دَوْم پطرس رَسول و مَکاشفاتِ یُوَحْنَا ۳/۲۲ و ۱۲ و سایر مواضع مندرجست.
- ۲- در مَزْمُور دَوْم آیه هشتم مزامیر داود وارد است که حضرت داود می فرماید خدا به من گفت تو پسر من هستی امروز تو را تولید نمودم ولی در اعمال رَسول [رَسولان] فصل ۳۳/۱۳ ... مذکور است که یُوُس رَسول این بیان داود را به حضرت مَسِیح تفسیر و تعبیر می کرد و در رساله عبرانیان فصل ۵/۱ نیز تفسیر این بیان داود در باره حضرت مَسِیح و همچنین در مَزْمُور ۶۹ آیه بیست و یکم داود در باره خود فرموده که دشمنان به من که تشنه بودم به جای آب سیرگه نوشاندند ولی در انجیل یُوَحْنَا فصل ۱۸/۱۹ و انجیل مَتی فصل ۲۷/۳۴ و ۴۸ و مَرْفُس فصل ۱۵/۳۶ و ۲۳ و لوقا فصل ۲۳/۳۶ در باره مَسِیح ای بیان را تفسیر کرده است. و همچنین داستان فُرَعَه افکندن بر لباس را که داود در باره خود فرموده (مزامیر فصل ۱۸/۲۲) در انجیل یُوَحْنَا ۱۹/۲۳ و لوقا فصل ۲۳/۳۴ و مَرْفُس فصل ۱۵/۲۴ مَتی فصل ۲۷/۳۵ در باره مَسِیح تفسیر و تعبیر فرموده است.
- ۳- داستان ۳۰ پاره نقره را که دَکْرِيَا در فصل ۱۲/۱۱ کتاب خود در باره خود ذکر کرده در انجیل مَتی فصل ۲۷/۳ ... آن را نسبت به مَسِیح تفسیر کرده است (مَتی در اینجا این نُبُوت را به جای دَکْرِيَا اشتباهاً به ارمیا نسبت داده با آنکه در ارمیا این طور سخنی نیست و این از اشتباهاتِ صَرِيحَةُ انجیل مَتی است.)
- ۴- مطابق نَصِّ مزامیر فصل ۱۱/۱۲۲ [۱۱/۱۳۲] خداوند به داود سوگند یاد کرد و مژده داد که از ثمره بَطْن او بر تخت بگذارد که مُراد حضرت سُلیمان است که پسر داود بود و بعد از پدر به سلطنت رسید ولی مَتی در نَسَبِنامه عیسی آن حضرت را از اولادِ داود می داند و در حقیقت استنادش به همین نَسَبِ داود است (از دفتر جناب میرزا عبدالله مُطلق عَلِيهِ الرَّحْمَه استفاده شد)
- ۵- اشاره به بیان وارد در انجیل است که از قول مَسِیح نقل شده است از جمله در مَکاشفات فصل ۱۲/۲۲ و فصل ۸/۱ و ۱۷/۱۱ و فصل ۶/۲۱ و غیره مندرجست.
- ۶- داستان عُرُوج ایلیا به آسمان در کتاب دَوْم مَلُوک فصل ۱۱/۲ و ذکر رُجوعش در کتاب مَلَکِي نَبِيّ فصل ۵/۴ مذکور است.

۷- اشاره به بیان پطرس رسول است که در فصل ۱۹/۱ رساله دوّم مندرجست ... تا روز بشکافد و ستاره صبح در دل های شما طلوع کند.

۸- اشاره به بیان مسیح است که در انجیل مّتی فصل ۲۷/۲۴ وارد شده است و در سوره هیکل جمال قَدَم جَلَّ اسْمُهُ به تحقّق این مطلب اشاره فرموده بِقَوْلِهِ تَعَالَى قَدْ أَرْسَلْنَا مَنْ آيَدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ لِيُخْبِرَكُمْ بِهَذَا النُّورِ الَّذِي أَسْرَقَ مِنْ أَفُقِ مَشِيئَةِ رَبِّكُمْ الْعَلِيِّ الْأَبْهَى وَظَهَرَتْ فِي الْعَرَبِ آثَارُهُ ...

۹- مقصود واضحست.

بند هفتاد و چهارم

- | | |
|------------------------------------|---------------------------|
| ۱- ای برادر به چشم جسمانی | منگر در کلام روحانی |
| ۲- کانچه زاید ز روح آن روح است | و آنچه زاید ز جسم جسمانی |
| ۳- گفت عیسی به حضرت پطرس | کشفِ امثال من تو نتوانی |
| ۴- می وزد باد و صوت آن شنوی | و از کجا آید آن نمی دانی |
| ۵- اشعیا گفت چشم و گوش آن روز | کور و گر شد به حکم یزدانی |
| ۶- گوید آن من که خط نیارم خواند | چون بخوانم کلام سُبْحانی |
| ۷- گوید این یک که نامه سر بسته است | چون توان کشفِ راز پنهانی |
| ۸- باز گوید به وصف حضرت روح | کاو چو آید به حکم ربّانی |
| ۹- لب او را گشایم از امثال | که نگوید سخن به غیر مثال |

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

۱-۲- اشاره به بیان مسیح است که در انجیل یوحنا فصل ۶/۳ وارد شده است. فصل ۴/۳ اشاره به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۱/۳-۱۲ می باشد مراجعه فرمایند.

۵-۷ اشاره به مندرجات کتاب اشعیا نبی فصل ۱۰/۲۹-۱۳ می باشد مراجعه شود.

۸-۹- در مزامیر داود مزمور هفتاد و هشتم آیه ۲ وارد شده که دهان خود را به مثل باز خواهم کرد و به آنچه از بنای عالم مخفی بود نطق خواهم نمود. در انجیل متی فصل ۴/۱۳ نُبُوتِ مزبور را در باره مسیح دانسته و در انجیل یوحنا فصل ۲۵/۲۶ نیز این معنی تصریح شده است برای تفصیل به انجیل مراجعه شود.

بند هفتاد و پنجم

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| ۱- آن که تأویل قول عیسی کرد | تاند او حلّ صد مُعَمّا کرد |
| ۲- گفتی او جنّ ز مغز گرد بُرون | دیو و جنّ کی به مغز مأوی کرد |
| ۳- بُرد شیطان به کوه عیسی را | روح را او چگونه اغوا کرد |
| ۴- رفت بر کوه تا جهان ببند | قله چون سطح گرد پیدا کرد |
| ۵- ننماید بزرگ کوچک را | گوگی چون به خانه ایما کرد |
| ۶- گفت ریزد ستارگان به زمین | شمسها روی ذره چون جا کرد |
| ۷- کور بینا کنیم و بینا کور | گفت از آن حقّ که را هُویدا کرد |
| ۸- کرد عیسی کدام بینا کور | گیرم او مرد کور بینا کرد |
| ۹- پس در انجیل قول منقول است | جز به تأویل غیر معقول است |

۱-۹- معنی ابیات واضحست.

۱-۲- اشاره به مندرجات انجیل متی فصل ۲۸/۸ فرموده برای اطلاع به انجیل مراجعه شود.

۳-۴- اشاره به مندرجات فصل ۱/۴-۱۲ کتاب انجیل متی است.

۵- اشاره به داستان راهنمایی ستاره است که مجوسیان را به محلّ مسیح هدایت کرد و شرح آن در انجیل متی فصل ۱/۲-۱۲ مندرجست.

۶- اشاره به بیان خود مسیح است که در باره علامات ظهور موعود از جمله سقوط ستارگان را ذکر فرموده است.

۷-۸- اشاره است به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۳۹/۹ که مسیح فرموده من در این جهان به جهت داوری آمدم تا کوران بینا و بینایان کور شوند. داستان بینا شدن کور هم در همین فصل ۹ یوحنا مسطور است و معنی آن واضح است.

۹- معنی واضحست.

بند هفتاد و ششم

- | | |
|---|---|
| ۱- روح خود بس مثال کرد بیان | کان بیان را کنم دوباره عیان |
| ۲- مَوْتِ تَن بُد خرابی هیکل | قتل او بود راندن چوپان |
| ۳- شُخْمُ تَبْلِیغٍ و نُخْمُ قَوْلِ خَدَی | حَصْدٌ و حَاصِدٌ مُبَيِّنٌ تَبْيَانٍ [در نسخه ای: مُبَيِّنٌ و تَبْيَان] |
| ۴- نَصَّ و بَدَعَتْ چو گندم و گرکاس | دین و عالم چو مرزغ [مَزْرَع] و دهقان |
| ۵- روزی و رزق و نان همه تعلیم | روح و جان و حیات شد ایمان |
| ۶- آب و آتش ثبات و نَسَخِ حُدُودِ | نور و ظلمت قبول و رَدِّ بَيَانِ |
| ۷- روزِ یومِ ظهور و شبِ غَیْبِیَّتِ | کورُ مَرَدِ بَلِیدِ و کَرُ نَادَانِ |
| ۸- مرده و زنده مؤمن و کافر | ماه و خورشید جلوه جانان |
| ۹- منم اوّل مقام وحدتِ اوست | منم آخر بیان رَجَعَتْ اوست |

۱-۲- مصراع اوّل بیت دوّم اشاره به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۱۸/۲-۲۲ و مضمون مصراع ثانی اشاره به مطلب مذکور در انجیل متی فصل ۳۱/۲۶-۳۶ می باشد که مسیح فرمود شبان را خواهم زد ... و این اشاره به شهادت آن حضرت بود و اصل این نُبُوَّت در زکریّا فصل ۷/۱۳ مسطور است.

۳-۴- اشاره به مندرجات انجیل متی است که در باب ۱۳ آیه ۲۴ به بعد شرحی فرمود و دین حق را به گندم و بدعت ها را به گرگاس [همان گرکاس] تشبیه کرده است و شرح این متل که فرموده به تفصیل در آیه ۳۷ به بعد همین فصل ۱۳ مسطور است مراجعه شود.

۵- در مواضع مختلفه انجیل از احکام الهیّه به روزی و رزق و نان و از ایمان به حیات و زندگی تعبیر شده است. از جمله در انجیل متی فصل ۶/۱۶-۱۳ که ذکر خمیرمایه شده به صراحت فرموده که مقصود اخذ تعلیم از فریسیان و صدوقیان بود که مسیح آنان را نهی کرده است و در انجیل یوحنا فصل ۶ تا [به نظر کلمه "تا" اضافی است] ۲۷-۴۴ شرح و معنی آن ذکر شده است و از این قبیل مواضع بسیار است و اما تشبیه ایمان به حیات و روح نیز در بسیاری از مواضع انجیل از جمله انجیل یوحنا فصل ۳/۳۶ وارد شده که می فرماید هر که به پسران [در متن انجیل مزبور آمده: آن که به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد...] ایمان آورد هرگز نمی میرد و همیشه زنده است. برای سایر مواضع به انجیل مراجعه کرد.

۶- مصراع اول اشاره به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۱/۲۶ و ۲۱ و ۳۳ می باشد که ذکر تئمید به آب و آتش شده و مقصود اثبات و نسخ حدود سابقه است و مصراع ثانی اشاره به مندرجات انجیل است که ایمان و قبول امر الهی را به نور و کفر و اعراض را به ظلمت تعبیر کرده است. برای تفصیل به کاشفات [مکاشفات] فصل ۲۱/۲۳-۲۷ و فصل ۲۲/۳-۶ و انجیل یوحنا فصل ۱۲/۴۶ و فصل ۸/۱۲-۱۳ و ... مراجعه شود.

۷- در انجیل از دوران ظهور مسیح به روز و از دوره غیبت و صعودش به شب تعبیر شده و از مردم احمق معرض و نادان به کور و کر تعبیر فرموده. مضمون مصراع اول در انجیل یوحنا فصل ۹/۴ و غیره و مصراع ثانی در انجیل متی فصل ۱۳/۱۳ و سایر مواضع متعدده مندرجست.

۸- در انجیل از مؤمن و کافر به زنده و مرده و از ظهور مظهر امرالله به ماه و خورشید تعبیر شده. اما مضمون مصراع اول در سراسر انجیل مسطور از جمله در رساله اول پطرس فصل ۴/۵ و رساله اول یوحنا فصل ۳/۱۴ و غیره می باشد و مضمون ثانی در انجیل یوحنا فصل ۹/۵ و غیره اشاره شده است.

۹- اشاره به بیان حضرت مسیح است که از قبل ذکر شد و در مکاشفات فصل ۲۲/۱۳ مسطور است.

بند هفتاد و هفتم

- | | |
|-----------------------------|---------------------------|
| ۱- روح قدس مهیمین قادر | واحد است آن و از احد صادر |
| ۲- ازلی اللقاء من الاول | ابدی البقاء الی الآخر |
| ۳- نور قهار او به شدت و ضعف | در مظاهر چو می شود ظاهر |
| ۴- آن شدید الفوای ذو مره | میزند صیحه انا القاهر |
| ۵- که منم آخر و منم اول | هم منم ناهی و منم امر |
| ۶- هم عظیم الکمال و هم راحم | هم شدید العقاب و هم غافر |

- ۷- این تَجَلَّى به وحدت و رَجَعَت در همه انبیا بود سائر
- ۸- گفت عیسی ز جسم فائده نیست تو به رُوحُالْقُدُس مَثُو کافر
- ۹- در همه انبیا همین نور است کُفر بر نور غیر مَغفور است

۷-۱- معنی واضحست و این بند در بیان رَجَعَت و معنی آن است.

۸-۹- اشاره به بیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل ۳۱/۱۲ مضمون بیت هشتم مذکور شده و در انجیل لوقا فصل ۱۳/۱۲ و مرقس فصل ۲۹/۳ نیز مسطور است و مضمون بیت نهم نیز اشاره به همین مطلبست و معنی واضحست.

بند هفتاد و هشتم

- ۱- رُوح وَحی از مُهْمِن بی چون گشت نازل بر انبیا به قرون
- ۲- این همان روح ناطق از موسی است وَر مَشایخ ز یُوشَع و هارُون
- ۳- این همان روح بُد که شد نازل گه به یَفْتاح و گاه بِرِ جَدْعُون
- ۴- این همان روح بود بر داوُد به شَمُوئیل و شَاوُل و شَمْسُون [یا: شَمَشُون]
- ۵- این همان روح ایلیا که سپرد بِالْیَسَع [یا: الیسع] چون برفت بر کردون [گردون]
- ۶- این همان روح اشعیاست که گفت منم از روح حَقّ شده مَشْحُون
- ۷- این همان روح چون کبوتر بود کز سَمَا بر مسیح یافت سُکُون
- ۸- این همان روح کاحمدِ مُرسل یک جهان بُتِپَرست کرد زبُون
- ۹- این همان روح حَضْرَتِ اَعْلی است که مُبَشِّر به طَلَعَتِ اَبهی است

- ۱-۲- شرح حال موسی و یوشع و وصی موسی و هرون برادر آن حضرت در سفر خروج عهد عتیق به تفصیل مسطور است.
- ۳- شرح حال یفتاح و جدعون که از داوران بنی اسرائیل بودند در سفر داوران عهد عتیق مسطور است.
- ۴- شرح حال داود و شائول و شمئیل در کتاب شمئیل و کتاب ملوک عهد عتیق و شرح حال شمسون در سفر داوران مسطور است.
- ۵- شرح صعود ایلیا به آسمان و نبوت الیشع در کتاب ملوک عهد عتیق مسطور است.
- ۶- این نبوت در کتاب اشعیا مسطور است فصل ۱/۶۱
- ۷- به انجیل متی فصل ۶/۳ مراجعه شود.
- ۸-۹- معنی واضحست. برای تفصیل به کتب تواریخ مراجعه شود. و مقصود ذکر معنی رجعت است که در ایقان مبارک نازل شده.

بند هفتاد و نهم

- | | |
|---|--|
| ۱- آنچه در انبیا مجلی بود | جلوه روح قدس اعلی بود |
| ۲- اوّل اوّل آخر آخر | دم آدم حیا حوا بود |
| ۳- نوحه نوح بود و خلّ خلیل | نار موسی و روح عیسی بود |
| ۴- داد داود و اسم اسمئیل [یا: اسمئیل] | هوش هوشیع [همان هوشع] و شوق شعیا
[همان اشعیا] بود |
| ۵- عشق یوشع جذافت حزقیل | حُبّ حَبْقُوق [در اصل: حَبْقُوق] و عزّ عزرا
[نیز: عزرا] بود |
| ۶- دانش دانیال و هم میکا [یا: میخا] | محرّم ارمیا و یحیی بود |
| ۷- رحمت احمد و علو علی | نور اعلی بهاء ابهی بود |
| ۸- زور زردشت و شوکت شکمون [نیز:
شاکمون/Shakyamuni] | کنه کنفوس و بود بُودا بود |
| ۹- هست یک شمس و یک شعاع و سطوع | گر کند صد هزار بار طلوع |

۹-۱- به الواح مبارکه از قبیل کتاب مبارک ایقان و غیره مراجعه شود. و مقصود بیان وحدتِ حقیقتِ انبیاست.

بند هشتادم

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱- ناطق انبیا یکی است یکی | بلکه از اولیا یکی است یکی |
| ۲- آدم و نوح و موسی و عیسی | تا به عَبْدُالْبَهَاءِ یکی است یکی |
| ۳- همه فرمان‌پذیر و فرمانبر | شاه فرمانروا یکی است یکی |
| ۴- خادم و خدمت آر بُود بسیار | لیک مَخْدوم ما یکی است یکی |
| ۵- خُور به مَه مَه در آب و آب به سَقَف | گر بتابد ضیا یکی است یکی |
| ۶- دو مَگو روح فُدس و روح آمین | نور و ضُوء و سَنَا یکی است یکی |
| ۷- دو مَبین در مُحَمَّد و عیسی | ای برادر خدا یکی است یکی |
| ۸- ظاهر و باطن اوّل و آخر | مَبْدَء و مُنْهَها یکی است یکی |
| ۹- گفت پُولس مَسیح نتوانی | خواند رَبِّ جُز به روح رَبّانی |

۸-۱- معنی ابیات واضح است

۹- به رساله [اوّل] پُولس به فرنیثیان [فرنتیان] فصل ۳/۱۲ مراجعه شود.

بند هشتاد و یکم

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ۱- گفت موسی به حُکم حَیّ قدیم | تا اَبَد زندهام به ذاتِ قَویم |
| ۲- گفت میکا به وصفِ حضرتِ روح | بُد ظهوراتش از زمان قدیم |

- ۳- گفت عیسی به قوم من بود بیشتر از زمان ابراهیم
- ۴- هم سلیمان سرود من بود وقت خلق سماء و عرش عظیم
- ۵- مُصطفی گفت من نبی بودم بود آدم در آب و خاک مُقیم
- ۶- گفت حیدر به سیر و جهر شدم با همه انبیا صدیق صمیم
- ۷- هر به پنجه هزار سال حسین با هزار آدم آمده است ندیم
- ۸- گفت قائم گز آدم و خاتم هر که خواهی منم به خلق کریم
- ۹- این همه گفته‌ها نه از جسد است بلکه از روح واحد احد است

۱- به سفر تثنیه فصل ۴۰/۳۲ مراجعه شود.

۲- به کتاب میکا فصل ۲/۵ مراجعه شود.

۳- به انجیل یوحنا فصل ۵۸/۸ مراجعه شود.

۴- به کتاب سلیمان فصل ۲۳/۸ تا ۳۲ مراجعه شود (امثال سلیمان در عهد عتیق).

۵- اشاره به حدیث نبوی است که فرمود کُنْتُ نَبِيًّا وَ اَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ.

۶- اشاره به فرمایش حضرت امیر است که فرمود کُنْتُ مَعَ الْاَنْبِيَاءِ سِرًّا وَ مَعَ مُحَمَّدٍ جَهْرًا.

۷- برای تفصیل به کتاب مبارک ایقان مراجعه شود. این حدیث را حضرت حسین علیه السلام به سلمان فارسی فرموده اند.

۸- اشاره به مضمون حدیث مُفضَّل است که در بحار الانوار جلد ۱۳ از حضرت صادق روایت شده که چون قائم ظاهر شود خود را دارای صفات و مزایای جمیع انبیا و اولیا معرفی می فرماید. برای تفصیل به کتاب فرائد صفحه ۳۲۶ طبع مصر مراجعه شود.

۹- معنی واضحست و برای تفصیل به کتاب مبارک ایقان مراجعه شود. قَوْلُهُ تَعَالَى حَامِلَانَ اَمَانَتِ اَحَدِيْهِ ... الخ

بند هشتاد و دوم

- ۱- خواهی از سِرِّ رَجَعْتَ و توحید بِنِگَر در کلام رَبِّ مَجِيد
- ۲- حَقَّ به داود گوید ای فرزند کردم امروز مَر تو را تولید
- ۳- گفت پُؤس که آن پسر عیسی است آن پسر شد به این پسر تجدید
- ۴- باز داود گوید افکندند فُرَعَه بر جامه‌ام به ظلم شَدید
- ۵- زَکَرِيَّا سُرُودَه نِيَزَه زَنَد بر من آن از مسيح گشت پديد
- ۶- باز گوید بهای مَن دادند شُد به سی پاره قِيَمَّتَم تَحْدِيد
- ۷- روح حَقَّ بر مَنَسْت شَعِيَا گفت گفت عیسی مَمَّ به حُكَم جَدِيد
- ۸- زَکَرِيَّا و اَشْعِيَا و رُسُل همه عیسی است يَبْدَأ و يُعِيد
- ۹- گفت پَطْرُس که بود روح مسيح در همه اَنبِيَا به نَصَّ صَرِيح

۱-۳- نُبُوت داود در مَزْمُور دَوِّم و بیان پُؤس در این خصوص و تطبیق این نُبُوت با مسیح در رسالهٔ عبرانیان فصل ۵/۱ و فصل ۵/۵ وارد شده است.

۴-۵- این مطالب در بندهای قبل ذکر شد برای تفصیل به مَزْمُور ۱۸/۲۲ و انجیل یُوَحَنَّا فصل ۱۹ و ۲۳ لوقا فصل ۳۴/۲۳ مَتَّى فصل ۳۵/۲۷ و زَکَرِيَّا فصل ۱۲/۱۹ و مَتَّى ۳/۲۷ ... مراجعه شود.

۶- به کتاب زَکَرِيَّا فصل ۱۲/۱۱ و مَتَّى فصل ۳/۲۷ مراجعه شود.

۷- به فصل ۶۱ کتاب اَشْعِيَا آیهٔ اوّل مراجعه شود.

۸- معنی واضحست.

۹- به رسالهٔ اوّل پَطْرُس رَسُول فصل ۱۰/۱ و ۱۱ مراجعه شود.

بند هشتاد و سوّم

- ۱- گفت موسی ز قول رَبِّ جَلِيل با سَلِيل خَلِيل و اِسْرَائِيل
- ۲- گز میان برادران شما خواه از اِسْحَق و خواه اِسْمَاعِيل

- ۳- چون تو پیغمبری برانگیزم
با کتاب و شریعت و تنزیل
- ۴- در دهانش کلام خود بنهم
سخن از او طلب نه شَقُّ النَّبْلِ
- ۵- آنچه گویم به قوم خواهد گفت
او رسول است از خدای جلیل
- ۶- هر که نشنود از او بُودَ مَسْئُولِ
گی سِزَدَ امتحان رَبِّ نَبِیلِ
- ۷- وَرَ بگفت آنچه من نفرمودم
آن نَبِیِّ خود شود حَقِیر و قَتِیلِ
- ۸- گوئی آر قول حَقَّ چسان دانم
قول حَقَّ را بُودَ وُفُوعِ دَلِیلِ
- ۹- این چنین مُزْدِه می‌دهد موسی
بِنِگَرِ چِیست مُزْدِه عِیسی

۹-۱- به فصل ۱۸ سفر تثبیه مراجعه شود. مقصود اثباتِ حَقَانِیَّتِ پیغمبر اسلام حضرت رسول ص از روی عهدِ عَتِیق است.

بند هشتاد و چهارم

- ۱- کان نَسَلِی تَامَ می آید
یعنی اَحْمَدَ به نام می آید
- ۲- رَفْتَن مَن از آن مُفِیدِ شِمَاسَت
کان شَفِیعُ الأَنَامِ می آید
- ۳- او جهان بَرِ گَنَهْ كُنْدَ مُلْزَمِ
که به سِیْفِ و حُسامِ می آید
- ۴- داوری می کند رَئِیسِ جهان
از پِیِ اِنْتِقامِ می آید
- ۵- حَمَلِ حُكْمَشِ هِنُوزِ نَتَوَانِیدِ
چون به دِیگَرِ نِظَامِ می آید
- ۶- كُنْدَ از راستی هِدَايَتِ خَلْقِ
با كِتَابِ تَمَامِ می آید
- ۷- با شما گوید آنچه می شنود
كو به وَحِیِ و كَلَامِ می آید
- ۸- هم خبر می دهد به آینده
ذِكْرِ یَوْمِ القِیَامِ می آید
- ۹- او مرا بَسِ جَلالِ خواهد داد
كانچِه كَفْتَمِ كَمالِ خواهد داد

۹-۱- به فصل ۱۶ انجیل یوحنا مراجعه شود. برای تفصیل به مکاتیب دوم ص ۵۷-۶۲ مراجعه فرماید [فرمائید]. در این بند برای اثبات دین اسلام و حَقَانِیَّتِ حضرتِ رسول (ص) از انجیل استدلال شده است.

بند هشتاد و پنجم

- ۱- وَحی یزدان به شاهِ بَطْحَا بین
 - ۲- گفت یکسر زمین به قَبْضَةُ اوست
 - ۳- گفت عرشِ خدای بَرِ آب است
 - ۴- گفت آن روز امرِ خاصِ خداست
 - ۵- گفت بر وجهِ رَبِّ نَظَّارَه کنند
 - ۶- گفت بر حَقِّ همه قیام کنند
 - ۷- گفت مَحْجُوب می شوید از رَبِّ
 - ۸- گفت بشنو ندایِ اَرْضِ قَرِیب
 - ۹- همه احکامِ شَرَعِ مَعْقُول است
- نَصُّ قرآن به ذکر آنها بین
بانگِ وَحَدَّتْ میان دنیا بین
قصر او را میان دریا بین
امر او را روان در اشیا بین
زُمرَةُ زائران عَکَا بین
دشمن و دوست را مُهَيَّا بین
بی سَبَبِ اِحْتِجَابِ اَعْدَا بین
قُربِ بَطْحَا به اَرْضِ بَیْضَا بین
لیکن اَسْرارُ بر تو مَجْهول است

۲-۱- اشاره به آیه مبارکِ سوره زُمر است که فرمود "وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ..." (آیه ۶۷)

۳- در سوره مبارکه هُود آیه نهم می فرماید "... وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ "

۴- در سوره اِنْفِطَارِ آیه ۱۷ می فرماید "... وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ "

۵- در سوره قیامت آیه ۲۲ به بعد می فرماید "... وَ جُؤهُ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ... "

۶- در سوره المطففين [المُطَفِّفِينَ] آیه ششم فرموده "يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ "

۷- در سوره المطففين [المُطَفِّفِينَ] آیه ۱۵ می فرماید "كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ... "

۸- در سوره ق آیه ۴۰ - ۴۱ فرمود "وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادَى [يُنَادِ] الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ "

۹- مقصود واضح است. و منظور تطبیق بشارتِ وارده در قرآن مجید با ظهور مبارکِ رَبِّ مَجید است درست دقت فرمائید.

بند هشتاد و ششم

- | | |
|---|---|
| از خدا دیده و خبر داده است | ۱- آن مُکاشِفِ چو دیده بگشاده است |
| عَرش و فَرش کُهَن بر افتاده است | ۲- دیده گز آسمان و ارض جدید |
| زآسمان بر زمین فرستاده است | ۳- حَقِّ زمین جدید اورشلیم |
| شهرش آراسته است و آماده است | ۴- چون عَرُوس از برای دامادش |
| مُنْتَصَب بَین آدمی زاده است | ۵- پس شنیده سُرَادِقَاتِ جَلال |
| بر رُخ روزگار بگشاده است | ۶- دیده حَقِّ را که بابِ فَصل [فضل] و عَطَا |
| در سَمَاء یا در ارض ننهاده است | ۷- گو مگر شهر فُدس اورشلیم |
| شهری از آسمان نیفتاده است | ۸- چون تواند که بر زمین افتد |
| دین آبهی ^۱ به عَرَصَه عَگاست | ۹- گویمَت کان مدینه دین خداست |

۹-۱- اشاره به نُبُوتِ وارده در مُکاشِفَاتِ یُوحَنَّا فصل ۱/۲۱-۶ می باشد و به تفسیر آن نیز اشاره شده. برای اطلاع کامل به کتابِ مبارکِ مَفَاوِضَاتِ مراجعه شود.

بند هشتاد و هفتم

- | | |
|----------------------------------|---|
| وَعَدِ حَقِّ بر خلیل و اولاد است | ۱- شهر عَگَا که ارض میعاد است |
| چون که مَنصُوص ارض میعاد است | ۲- اوست شهر جدید اورشلیم |
| به یکی مَعْنی است بَعْداد است | ۳- چون که دارُالسَّلَام و اورشلیم |
| در صُحُفِ اِصطِلاحِ مُعتاد است | ۴- چون که دین را به لَفْظِ شهر و عَرُوس |

- ۵- هست شهر جدید شرع جدید به سه معنی به وجه اسناد است
- ۶- از در لفظ و معنی و تأویل جمع اعداد و لَفَّ اَنَدَاد است
- ۷- این چو رمز صَرِيح يُوحَنَّا است بَطْن در بَطْن سِرِّ ايجاد است
- ۸- روز سال است و سال سیصد و شصت راست سه روز و نیم میعاد است
- ۹- سِرِّ سِرِّ است و باطن باطن مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ [یا: كَمِشْكَاةٍ]

۱-۲- وعده حَقَّ به ابراهیم و اولادش ۵/۱۲ به بعد سفر پیدایش ذکر شده است. و در فصل ۱۵ آیه ۷ و ۱۵ نیز به ذکر مذکور شده است و در فصل ۸/۱۷ پیدایش نیز مذکور است.

۳-۷- معنی واضحست و مقصود شرح اورشَلِیم جدید است. برای اطلاع به کتاب مبارکِ مَفَاوِضَاتِ در تفسیر نُبُوتِ مُكَاشَفَاتِ يُوحَنَّا مراجعه شود.

۸- اشاره به بیان يُوحَنَّا فصل ۹/۱۱ مُكَاشَفَاتِ است. برای اطلاع به کتاب مبارکِ مَفَاوِضَاتِ مراجعه شود.

بند هشتاد و هشتم

- ۱- همه انبیا ز رَبِّ نَبِیل داده اخبار این ظهور جَلِیل
- ۲- از وجودش سُرود آدم و نوح و از دُرودش کلیم گفت و خَلِیل
- ۳- مژده او به هُوشَع و داود هَبِیَّتِ او مَلَکِی و یُونِیل
- ۴- سال او دانیال و یُوحَنَّا قدرت او صَفِیْنَه [صَفَنِیَه یا همان صَفَنِیا] و حَزَقِیل
- ۵- زَکَرِیَّا و حَکِی [یا: حَجِی] از اِعْظَام اَشْعِیَا اِرْمِیَا هَم از تَجَلِیل
- ۶- از مَحِیْثِ مَسِیح و رُوحِ قُدُس و ز لِقَائِشِ مُحَمَّد و جَبْرِیل
- ۷- از صفاتش زَبُور با توراة و ز اَعْلَامَاتِ مُصْحَف و اِنْجِیل
- ۸- عَلِی و فاطمه ز نام و نشان باقِر و جَعْفَر از مَقَام و دَلِیل

۹- همه انبیا که پی ز پی‌اند مُنذَرین و مُبَشِّرین وِی‌اند

۱-۲- در تورات تثنیه فصل ۳۲ و فصل ۳۳ و سفر پیدایش فصل ۹-۷/۱۲ و فصل ۴/۱۳ و غیره درود و نعت کلیم و خلیل مسطور است.

۳- مژده هوشع در فصل ۲۰/۱۱ کتاب هوشع و مژده داود در مزمور ۱/۵۰ و مژده ملاکی در فصل ۳ کتاب ملاکی و مژده یوئیل در ف ۱/۲ کتاب یوئیل مسطور است.

۴- تاریخ دانیال در فصل ۱۳/۸ کتاب دانیال و فصل ۶/۱۲ و تاریخ یوحنا در فصل ۳/۱۱ مکاشفات مندرجست. برای تفصیل به کتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود. و مژده صفتیای نبی در فصل ۱۴/۱ کتاب صفتیای و مژده حزقیل در فصل ۳۳/۲۰ کتاب حزقیل و سایر مواضع مسطور است.

۵- مژده زکریا در فصل ۱۱/۲ کتاب زکریا و مژده حگی در فصل ۶/۲ کتاب حگی مسطور است مژده اشعیا در سراسر کتابش وارد شده از جمله در فصل ۲/۲ و ۱۰ و فصل ۶/۹ و فصل ۷/۱۷ و فصل ۱۵/۲۴ و صدها موضع دیگر مسطور است و مژده ارمیا در فصل ۱۷/۳ کتاب ارمیا و فصل ۶/۳۱ و فصل ۳۷/۳۲ و غیره مسطور است.

۶- بشارت آمدن ظهور کلی الهی در آنجیل اربعه به اسم پدر آسمانی و ظهور آسمان جدید و آرض جدید و غیره وارد شده و در بسیاری از مواضع از جمله انجیل متی فصل ۳۳/۲۱-۴۲ و لوقا فصل ۹/۲۰-۱۷ و مرفس فصل ۱۲/۱-۱۰ و نامه اول به فرنتیان فصل ۵/۴ و هزاران موضع دیگر مندرجست و اما آیات لقاءالله در قرآن بسیار وارد شده برای تفصیل به کتاب مبارک ایقان مراجعه شود.

۷- آیات تورات و زبور داود از قبل نگاشته شد و علامات ظهور در انجیل فصل ۲۴ متی و در قرآن در سوره های متعدده است به کتاب فراید مراجعه شود.

۸- برای نصوص احادیث وارد شده از حضرت فاطمه در باره قائم به لوح فاطمه و برای احادیث حضرت باقر و صادق (ع) به فراید و کتب استدلالیه مانند کتاب بحر العرفان جناب افشار و دلائل العرفان مرحوم حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی مراجعه شود.

۹- معنی واضحست.

بند هفتاد و نهم [هشتاد و نهم]

۱- گفته یوئیل روز حق آید او به ارض مقدس آساید

- ۲- گفته حزقیل از ره مَشْرُق
 ۳- ارمیا گوید آن زمان گویند
 ۴- اشعیا گفته هر کسی آن روز
 ۵- گفته داوُد مزده ده که خدا
 ۶- زَکَرِیَّا سُرُوده رَبِّ جُنُود
 ۷- گفته عیسی که ای پدر بیَقین
 ۸- گفته فاش و صریح یُوحَنَّا
 ۹- در مَزامیر گفته طور به طور
- حَقّ در اینجا نُزُول فرماید
 رفتن اَنَدَر حُضُور حَقّ باید
 دیده بر روی یَهُوه [در اصل: یَهُوه] بگشاید
 سلطنت بر زمانه بنماید
 اَنَدَر این مُلک آید و باید
 ملکوتِ تو در جهان آید
 آن که بوده است و هست می آید
 حَقّ نماید ظُهُور دَور به دَور

- ۱- به باب سوّم آیه ۱۶ کتاب یُوئیل مراجعه شود.
 ۲- به کتابِ حزقیل فصل ۱/۴۳-۵ مراجعه شود.
 ۳- به کتابِ ارمیا فصل ۶/۳۱ مراجعه شود.
 ۴- به کتابِ اشعیا فصل ۸/۲۵ مراجعه شود.
 ۵- به مَزامیر فصل ۷/۲۴ و ۸ مراجعه شود.
 ۶- به کتابِ زَکَرِیَّا فصل ۱۰/۲ مراجعه شود.
 ۷- به انجیل لُوقا فصل ۱۱ آیاتِ نماز مراجعه شود.
 ۸- به مُکاشِفَاتِ یُوحَنَّا فصل ۸/۲ و فصل ۳/۲۲ مراجعه شود.
 ۹- به مَزَمُور ۱۰/۱۴۶ مراجعه شود.

بند نودم

- ۱- مزده کامد بهار بار دگر شد جهان لالهزار بار دگر

- ۲- ایلیا آمد و برای مسیح گرد جان را نثار بار دگر
- ۳- گشت برپا به جرم حَقّ جوئی بند و زنجیر و دار بار دگر
- ۴- پی دعوت حواریان گشتند گرد شهر و دیار بار دگر
- ۵- برفشاندند خاکِ استغنا بر رُخ روزگار بار دگر
- ۶- گشت هر باج‌گیر و ماهی‌گیر مردِ مردُم‌شکار بار دگر
- ۷- شد یکی کشته و یکی مسجون و آن دگر خوار و زار بار دگر
- ۸- پسر امروز راز می گوید از پدر آشکار بار دگر
- ۹- که مسیحا از آسمان آمد ملکوتِ پدر عیان آمد

در ابیات این بند آنچه از حواریین در دوره ظهور مسیح ظاهر شده با آنچه از حواریین حضرت بهاء‌الله در این ظهور مبارک ظاهر شده تطبیق گردیده است از این قرار.

۲-۱- مقصود از ایلیا که بر حسب بشارت ملاکی باید قبل از مسیح ظاهر شود حضرت ربّ اعلیٰ جلّ اسمُهُ است که قبل از مسیح در دوره رجعتش ظاهر شد و این مطلب از قبل ذکر شد و مقصود از نزول ایلیا مسطور شد.

۳-۴- معنی واضحست.

۵- اشاره به مندرجات متی فصل ۱۴/۱ و لوقا فصل ۵/۹ و فصل ۱۱/۱۰ و مرقس فصل ۱۱/۶ فرموده است.

۶- اشاره به مندرجات متی فصل ۳۲/۲۱ و یوحنا ۴۸/۷ و نیز اشاره به ایمان پطرس رسول است که در انجیل مسطور است.

۷- معنی واضحست.

۸-۹- یعنی مژده مسیح در باره ملکوت که نُصوّصش از قبل گذشت ظاهر شد و مقصود از پسر حضرت عبدالبهاء و از پدر جمال قدّم است.

بند نود و یکم

- ۱- روح یکتا چگونه عیسی بود حَقَّ تَعَالَى چگونه عیسی بود
- ۲- شخص داوُد و اَشعیا و دیگر زَكَرِيَّا چگونه عیسی بود
- ۳- منتظر هیچکس نبود به سنگ سنگِ موسی چگونه عیسی بود
- ۴- گر نه بهر نتیجه بود و ثمر مارِ رَقَطَا چگونه عیسی بود
- ۵- گر نه از راه علم بود و حیات مَنْ و سَلْوَى چگونه عیسی بود
- ۶- گر نَبُد یادگار خون و جسد خُبْز و صَهْبَا چگونه عیسی بود
- ۷- بهر اِسْحَق بَرَه قربان شد بَرَه اینجا چگونه عیسی بود
- ۸- يَهُوه [در اصل: يَهُوه] و شیلو و عمائوئیل سه مَسْمَا چگونه عیسی بود
- ۹- نیست مقصود اسم و جسم و آدات بلکه مقصود معنی است و صفات

۱-۲- اشاره به مندرجات مزمور دوم آیه ۸ در باره داوُد و فصل ۶۱ کتاب اَشعیا و فصل ۱/۴۲ و فصل ۱۳/۱۱ کتاب زَكَرِيَّا است که در انجیل مَتَّى چنانچه پیش از این ذکر شد همه اینها که در باره داوُد و اَشعیا و زَكَرِيَّا بود در باره حضرت مسیح تطبیق شده است.

۳- در باب ۱۷ سفر خُرُوج و باب ۲۰ سفر اعداد داستان سنگی که از آن موسی آب برای قوم بیرون آورد مذکور است و یُوُس در رساله اول خود به فَرَنْتِيَان فصل ۴/۱۰ می گوید که این سنگ اشاره به حضرت مسیح است.

۴- در سفر اعداد فصل ۵/۲۱ قضیه مار برنجی که موسی بلند کرد تا وبا از بین مردم مرتفع شد مذکور است و در انجیل یُوَحْنَا فصل ۱۴/۳ می گوید که مار اشاره به حضرت مسیح بود و بلند کردن مار اشاره به قیام مسیح بوده است.

۵- قضیه مَنْ و سَلْوَى و نُزُول مائده از آسمان برای قوم موسی در فصل ۱۶ سفر خروج مسطور است و در انجیل یُوَحْنَا فصل ۳۰/۶ به بعد آن را در باره مسیح مقرر داشته است.

۶- در انجیل مَتَّى فصل ۲۶/۲۶ ... مسطور است که مسیح به شاگردان خود در شب عَشَاي رِبَانِي ناز و شراب داد و فرمود که این بدن و خون من است شرح این مطلب در مُفَاوِضَات از لسان مبارک نازل گردیده است.

۷- داستان قربانی اسحق و رسیدن فدا در سفر پیدایش فصل ۲۲ مسطور است و در انجیل این بره را رمز از مسیح دانسته انجیل [یُوْحَنَّا] فصل ۳۶/۱ و ۲۹

۸- اِطْلَاقِ يَهُوهَ و خدا بر مسیح در انجیل مَتَّى فصل ۲/۳ می باشد که نُبُوتِ اشعیا را در باره حضرت مسیح نقل می کند و نیز نُبُوتِ مذکور فصل ۲/۳۳ تثنیه که ظهور یَهُوه را از ساعیر به حضرت مسیح تعبیر می کنند و شیلو [در ترجمه عربی تورات: شیلون] در سفر پیدایش [فصل ۱۰/۴۹] از قول یَعْقُوب به حضرت مسیح اِطْلَاقِ شده و نیز از لسان داوُد در مزمور ۶۰/۸۷ ذکر شده است و عِمَّاوُئیل [تَلْفُظِ در ترجمه عربی تورات] در فصل ۷ کتاب اشعیا [فصل ۱۴/۷] وارد و در انجیل مَتَّى [فصل ۲۳/۱] به حضرت مسیح تطبیق شده چنانچه از قبل گذشت.

۹- معنی واضح است.

بند نود و دوّم

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱- روح اعلی چگونه عیسی نیست | ذاتِ ابهی چگونه عیسی نیست |
| ۲- کور بینا نمود و بینا کور | همچو عیسی چگونه عیسی نیست |
| ۳- در تن دهر روح تازه دمید | این مَسِیحا چگونه عیسی نیست |
| ۴- مردگان را به علم و حلم و حکم | گرد اِحیا چگونه عیسی نیست |
| ۵- بس علامات و مُعْجِزات از او | شد هویدا چگونه عیسی نیست |
| ۶- بهر سلم و صِلَاح خلق افتاد | در بَلایا چگونه عیسی نیست |
| ۷- کرد مَبْعُوث بَس حَواریین | بهر دنیا چگونه عیسی نیست |
| ۸- از برای نَجَاتِ اُمَّتِ باز | شد مُهَيَّا چگونه عیسی نیست |
| ۹- دهر را داد بهترین تنظیم | خَلَقِ را داد خوشترین تعلیم |

تَطْبِيقِ بَشَارَاتِ انجیل با ظهور مبارکِ جَمَالِ قَدَمِ جَلَّ جَلَّاهُ به بهترین وجهی ذکر شده است دقت فرمائید و لَدَّت ببریذ.

بند نود و سوم

- ۱- هر چه بدعتِ بَدَل به سُنَّتِ گرد
 - ۲- مَخْزَنِ بُغْضِ و فِتْنَه و کین را
 - ۳- مَنَبِعِ جَهْلِ و جور و طُغْیَان را
 - ۴- هم به جای جهاد و جنگ و جَدَل
 - ۵- دل و جان و روان مردم را
 - ۶- نظم دنیا و دین و دولت را
 - ۷- شکلِ مَمْسُوحِ اَدَمِیَّتِ را
 - ۸- عالمِ مُرْدَه را ز نَفْخَه صُور
 - ۹- قَطِ اِیْمَانِ غَلَایِ دین بُرْدَه
- کینه ها را همه مَحَبَّتِ کرد
کانِ عَفْوِ و عَطَا و شَفَقَتِ کرد
مَنْشَأُ عَدْلِ و عِلْمِ و عِفَّتِ کرد
حُکْمِ صُلْحِ و صِلَاحِ و اَلْفَتِ کرد
کانِ اَمْنِ و اَمَانِ و رَحْمَتِ کرد
با نَوَامِ و قَوَامِ و قَدْرَتِ کرد
باز راجع به اَدَمِیَّتِ کرد
مُتَحَرِّکِ ز مَرگِ غَفَلَتِ کرد
رِزْقِ اَمْرُوزِ خَلْقِ آورده

بند نود و چهارم

- ۱- ای که گفتی نجات از عیسی است
 - ۲- مؤمنی کو نکرد آنچه شنید
 - ۳- فضل عیسی اگر ز بی پدریست
 - ۴- از پدر کر [گر] نَبْرَدِ اِرْثِ گناه
 - ۵- گر تو گوئی خدای را پسر است
 - ۶- آلِ داوُدِ و آلِ اِسْرَائِیلِ
 - ۷- هم به توراۀ بین و هم اَیُّوبِ
 - ۸- شَخْصِ مَوْعُودِ اَحْمَدِیِ اَمَدِ
- این بنائی به روی سیلِ فناست
گوید او را به روی ریگِ بناست
اَفْضَلِیَّتِ در آدمِ و حَوَاسِثِ
وارثِ مادرِ از گناه و خطاست
بین هزاران پسر برای خداست
همچنین هر که پیرو عیسی است
اِصْطِلَاحِ بُنُوَّتِ از قُدَمَاسِثِ
گو تو مَوْعُودِ عِیسَوِیِ به کجاست

۹- مانده چشم یهود و تو به فلک ایلیا خواهد او تو روح و ملک

۱-۲- اشاره به مندرجات انجیل متی فصل ۷/۲۴ - ۲۸

۲-۳- به کتاب مبارک مُفَاضَات مراجعه شود.

۴-۷- در انجیل از مؤمنین به پسران خدا تعبیر شده از جمله به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۱/۱۴ و ۱۸ و ۳۴ و ۴۹ و سایر مواضع مراجعه شود. و در تورات نیز این معنی مسطور است از جمله به داود در مزمور دوّم آیه ۷ و ۸ کتاب اشعیا فصل ۶۳/۱۶ و هوشع فصل ۱/۱۰ و کتاب ایوب نبی فصل ۱/۶ و فصل ۱/۲ و فصل ۳۸/۷ و غیره این مطلب مُصَرَّح است.

۸-۹- معنی واضحست و مقصود از مَوعودِ اَحْمَدی قائم آل مُحَمَّد است. یهود چنانچه پیش از این گذشت به نَصِّ کتابِ مُلُوك و کتابِ مَلَکِی منتظر آمدن ایلیا از آسمان و مسیحیین منتظر نُزول عیسی و مَلَکِ که از آسمان به نَصِّ مندرجات کتابِ اَعْمَالِ رَسولان و اَناجیل می باشند که نُصوص آن پیش از این ذکر شد.

بند نود و پنجم

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| ۱- عیسی اقوام را هدایت کرد | مُرده بودند و جان عنایت کرد |
| ۲- کار مؤمن ز مَنْ بزرگتر است | گوید او گو چه کس چه آیت کرد |
| ۳- در قیامش ببین چهار کتاب | هر یکی مختلف حکایت کرد |
| ۴- رویتش [رُؤیَتش] خاصّه رسولان بود | هر رسولی به ضِدّ روایت کرد |
| ۵- پُؤس او را چو نُطْفَه دید و رُسل | هر یک او را شَکّ از بدایت کرد |
| ۶- وَعَدِ خود را ز مُعْجِزِ یُؤس | به یهودان کجا رعایت کرد |
| ۷- مَدْفَنش هَم نشد سه روز و سه شب | به دو روز و دو شب کفایت کرد |
| ۸- عصر جُمعه به روز یکشنبه است | ز آن بدایت بدین نهایت کرد |
| ۹- عَوِدِ او هَم چو ایلیا باید | با جسد رفته با جسد آید |

۱-۲- بیت ثانی اشاره به مندرجات انجیل یوحنا فصل ۱۲/۱۴ می باشد.

۳- مندرجات انجیل مرقس فصل ۱۶ و یوحنا فصل ۲۰ و لوقا فصل ۲۴ و متی فصل ۲۸ با یکدیگر مطالعه شود و اختلاف اقوال در باره قیام مسیح مورد دقت قرار بگیرد.

۴-۵- به مندرجات ۴/۱۵ نامه اول پطرس به فرشتگان و سایر انجیل و مواضع مراجعه شود و داستان شک در باره مسیح در حین رؤیت در متی فصل ۱۷/۲۸ و غیره مسطور است.

۶-۸- مطابق مندرجات متی فصل ۱/۱۶-۵ و فصل ۳۸/۱۲-۴۱ حضرت مسیح به یهود وعده داده بود که معجز یونس نبی را برای آنها آشکار کند و سه روز و سه شب در زیر زمین بماند و بعد قیام کند همانطور که یونس سه روز و سه شب تمام در دل ماهی ماند ولی به این قول وفا نکرد و به حساب هیچ یک از انجیل سه روز و سه شب تمام در دل زمین باقی بماند [نماند] برای اطلاع به انجیل ها مراجعه و تطبیق شود. اما داستان یونس نبی و در شکم ماهی محبوس شدنش در کتاب یونا (یونس) [در ترجمه عربی آن: یونان] از عهد عتیق مندرجست به فصل ۱۷/۱ ... مراجعه شود.

۹- داستان بشارت نزول ایلیا قبل از موعود تورات در کتاب ملاکی فصل ۴/۵ مسطور است و حضرت عیسی فرمود که یحیی تعمید دهنده همان ایلیا بود که باید از آسمان بیاید چنانچه در انجیل متی فصل ۱۴/۱۱ و فصل ۱۲/۱۷ و مرقس ۱۱/۹ و لوقا فصل ۱۳/۱ مسطور است و داستان صعود ایلیا به آسمان در کتاب [دوم] ملوک [فصل ۱۱/۲] مسطور شده مورد استدلال واضح و برای تفصیل به کتب استدلالیه مراجعه شود.

بند نود و ششم

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| ۱- چون خدا احمد و مسیح انگيخت | مُعترض بر بهانه‌ها آويخت |
| ۲- کين چسان بر فلک قمر شوق کرد | و آن چسان مُردگان ز خاک انگيخت |
| ۳- اين چرا کافران به صحرا گشت | و آن چرا خوک‌ها به دریا ريخت |
| ۴- آن یکی بُد اگول باده‌پرست | وين به تزويج با زنان آميخت |
| ۵- اين ز مگه سوی مدینه شتافت | و آن ز اقصی سوی جليل گريخت |
| ۶- آن چرا تاجران ز مسجد راند | وين چرا زائران ز کعبه گسيخت |
| ۷- آن چرا بر درخت نفرين کرد | وين چرا تيغ بر جهان آهيخت |
| ۸- خواست اين کينه چون به تخت رسيد | گرد آن شيکوه چون به دار آويخت |

۹- صادق است آن که گفت و کرد و نمود مُعْتَرِضُ بُوَد و هَسْتُ و خَوَاهِدُ بُوَد

۲-۱- معنی واضحست و داستان شَقُّ الْقَمَرِ در سورة الْقَمَرِ قرآن مجید و تفاسیر قرآن و داستان زنده شدن مردگان در آنجیل اَرْبَعَه مَسْطُور است.

۳- داستان به دریا ریختن گرازان در انجیل مَتَّى فصل ۳۰/۸ و مَرْفُسُ فصل ۱۱/۵ و لُوقَا فصل ۲۷/۸ مسطور است. در انجیل یُوحَنَّا ۱۰/۲ و لُوقَا فصل ۳۷/۵ و لُوقَا فصل ۳۳/۷ ... است که مُعْتَرِضِینَ به باده پرستی مسیح استدلال و اِعْرَاضِ می کنند و مِصْرَاعِ ثانی اشاره به آیات سورة اَحْزَابِ قرآن و سورة تَحْرِیمِ و سایر مواضع است که مورد اِعْتِرَاضِ مُعْتَرِضِینَ است.

۴- مِصْرَاعِ اوَّلِ اشاره به مندرجات انجیل یُوحَنَّا فصل ۱۰/۲ ...

۵- معنی واضحست و داستان فرار مسیح به جلیل در یُوحَنَّا فصل ۴-۱/۴ و مَتَّى فصل ۱۲/۴ و یُوحَنَّا فصل ۵۴/۱۱ و لُوقَا ۳۰/۴ مذکور است.

۶- داستان راندن تاجران از مسجد در انجیل مَتَّى فصل ۲۱/۲۱ [۱۲/۲۱] و مَرْفُسُ ۱۵/۱۱ و یُوحَنَّا ۴/۲ [۱۴/۲] و لُوقَا فصل ۴۵/۱۹ مسطور است.

۷- داستان نفرین به درخت مَتَّى فصل ۱۹/۲۱ ... و مَرْفُسُ ۲۰/۱۱ مسطور است.

۸- داستان شِکْوَهٗ مَسِیحِ در مَتَّى فصل ۲۷/۴۶ و مَرْفُسُ فصل ۱۵/۳۴ مسطور است.

۹- معنی واضحست در انجیل مَتَّى فصل ۳۰/۸ و مَرْفُسُ فصل ۱۱/۵ و لُوقَا فصل ۲۷/۸ مسطور است.

بند نود و هفتم

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱- آن خدایی که مُحیی است و مُمیت | دین اسلام را کند ثَوْقِیت |
| ۲- مَدَّتْ آن هزار و دو صَد و شَصَّت | این سخن خَصَم را کُنْد ثَبْکِیت |
| ۳- بُوَد عِیْسَى اِگَر عِمَاثُویْلِ | نیست اَحْمَدَ به غیر فَاَرَقَلِیت |
| ۴- گَفْتَه عِیْسَى که اِحْتِمَالِ بَلَا | کرده حَقَّیْتِ نَبِیِّ تَنْثِیت |
| ۵- نَانَ یُطْعَمَنِ اَبِ یُسْقِیَنِ | خورد مِهْمَانَ عِنْدَ رَبِّیْ اَبِیت |

- ۶- آن که از سفره لوجه الله هدیه آورد نعمت اوتیت
 ۷- بود مزدش ز خلق ما اودی من نبی بمثل ما اودیت
 ۸- چون توانست گر نبود از حق شمل لات و هبل کند نشنیت
 ۹- گفت یحیی یدی گشاده نشد گز حفش اقتدار داده نشد

۱-۲- اشاره به مندرجات مکاشفات یوحنا فصل ۱۱/۲ است برای تفصیل به کتاب مبارک مفاوضات مراجعه شود.

۳- مسیحین به استناد انجیل ثبوت وارد در کتاب اشعیا فصل ۷ در باره مسیح ذکر کرده و می گویند مقصود از طفلی که از باکره متولد و اسمش عمانوئیل است حضرت مسیح است مرحوم نعیم می فرماید تطبیق کلمه فارقلیط [نیز: فارقلیط/ فارقلیط/ فارقلینا/ پاراک له/ پاراکلتوس/ Paraclete /...] مذکور در باب ۱۶ انجیل یوحنا با ظهور حضرت رسول (ص) به مراتب واضح تر و صحیح تر از تفسیر ثبوت اشعیا در باره مسیح است برای تفصیل به کتب استدلالیه مراجعه شود.

۴-۸- داستان محسوب شدن احتمال بلایا از علائم حقانیت مدعی در مواضع متعدده انجیل از جمله متی فصل ۱۰ مذکور شده که فرموده هر که صلیب خود را بر نداشته عقب من نیاید لایق من نباشد و در انجیل لوقا ۵۸/۹ و متی فصل ۲۰/۸ و فصل ۱۶/۱۰-۱۹ و غیره مذکور است بیت پنجم اشاره به حدیث نبوی است که فرمود ابیئ عند ربی یطعمنی و یسقینی و بیت ششم اشاره به آیه إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُجْهَ اللَّهِ لِأَتُرِيدُوا مِنكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا و حدیث نبوی است که فرمود ما اودی نبی بمثل ما اودیت و مقصود واضحست.

۹- اشاره به بیان حضرت یحیی بن زکریا است که در انجیل یوحنا فصل ۳/۲۷ مذکور است که فرمود هیچکس چیزی نمی تواند یافت مگر آن که از آسمان بدو داده شود.

بند نود و هشتم

- ۱- گفت عیسی که دین حقّ به مثل هست مانند حبه خردل
 [۲-] تخم کوچک شود درخت بزرگ که در آن مرغها کنند محل
 ۳- باز گفت آن خمیرمایه بود که کند بس فطیر را مبدل
 ۴- اگر این گفته گفته عیسی است دین حقّ دارد احمد مرسل

- ۵- کسی از خویش هیچ نتواند تا نگردد ز حقّ بر او مُنزل
 ۶- اگر این گفته گفته یحیی است حقّ بُود راکبِ حمار و جمل
 ۷- به کلام خدا تواند نُطق آن که از کردگار شد مُرسل
 ۸- اگر این آیه نصّ انجیل است هست قرآن کلام عزّ و جَلّ
 ۹- سخن حقّ چراغ رَحشان است در میان کُتب درخشان است

۱-۲- اشاره به بیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل ۳۱/۱۳ ... مسطور است.

۳-۴- اشاره به بیان حضرت مسیح است که در انجیل متی فصل ۲۳/۱۳ مسطور است.

۵-۶- اشاره به بیان حضرت یحیی است که در انجیل یوحنا فصل ۲۷/۳ مسطور و مقصود از راکبِ حمار و جمل حضرت مسیح و حضرت مُحمّد است که در کتاب زکریّا فصل ۹/۹ ... راجع به راکبِ حمار و در کتاب اشعیا فصل ۷/۲۱ در باره راکبِ جمل بشارت داده شده است برای تفصیل به کتب مربوطه مراجعه شود. زیرا مسیحیان ترجمه نُبوت ها را از راه عناد نسبت به اسلام تغییر داده اند برای تفصیل به کتاب هدایه الحیاری [فی اجوبه الیهود و النصارى] ابن قیم و کتاب الفارق [بین المخلوق و الخالق] و غیره مراجعه شود.

۷-۸- نصّ این بیان در انجیل یوحنا فصل ۳۴/۳ مسطور است.

۹- اشاره به بیان پطرس رسول است که در فصل ۱۹/۱ نامه دوم پطرس مسطور است.

بند نود و نهم

- ۱- گفت عیسی که داعی باطل شود البئه کُشته و زایل
 ۲- گفت شعیا که گفته است خدای آیت کاذبان کُتم باطل
 ۳- ارمیا گفته بر طرف گردد کذب کذاب و جعل هر جاعل
 ۴- گفت حزقیل دست حقّ باشد به مکافات مُفتری عاجل
 ۵- به دروغ آر نبی نُبوت کرد من نیم از هلاک او غافل

- ۶- گفت عیسی هر آن شَجَر که نکاشت پدر البتّه برکند از گل
- ۷- گفت یزدان به احمدِ مُرسل یُثبِتُ الحَقّ وَ یُزهِقُ الباطل
- ۸- باز گفت ار سُخَن به ما بَدی دستِ قدرت تو را بُرد رگِ دل
- ۹- گوید اِجماع و عقل و نقل و کتاب یَعْلُمُونَ عَدَا مَنْ الكَذَاب

۱- اشاره به مندرجات فصل ۱۸ تثنیه عهد عتیق است که از قبل ذکر شده.

۲-۳- اشاره به مندرجات فصل ۲۵/۴۴ کتاب اشعیا است و در کتاب ارمیا در ضمن شرح حال انبیای کذبّه مانند شمیعا [در ترجمه عربی کتاب مزبور: شمیعا] و حَنّیا از بین رفتن انبیای کذبّه صریحست (کتاب ارمیا فصل ۱۵/۲۸ و فصل ۱۵/۲۸ [۱/۲۸] و فصل ۳۲/۲۳ [۳۲/۲۹] و فصل ۳۷/۳ [در این آدرس یافت نشد]) ... و غیره

۴-۵- به باب ۱۴ کتاب حزقیل آیه ۹ مراجعه شود و نیز به باب ۱/۱۳ ...

۶- به انجیل متی فصل ۱۳/۱۵ مراجعه شود.

۷- به سوره الاسراء آیه ۸۱ مراجعه شود.

۸- به سوره الحاقه آیه ۴۴ - ۴۸ مراجعه شود.

۹- معنی واضحست و مصراع اخیر از قرآن است که در سوره القمر آیه ۲۶ نازل شده است.

بند صدم

- ۱- از حَقّ احکام جو از امر [آمر] هم که خدا گوید و مظاهر هم
- ۲- همه آیات حضرت موسی یک به یک را نمود ساحر هم
- ۳- زَن عَرّافه رُوح اِسْمُوئیل بهر شاوُل نمود حاضر هم
- ۴- گفت شعیا تَلَف شود باطل گر کُند مُعجزات ظاهر هم
- ۵- گفت عیسی نَبیّ بُود یحیی گر چه مُعجز نکرد باهر هم
- ۶- باز گوید که مُعجزه طلبند قوم فاسق گروه فاجر هم

- ۷- هَم تو دانی مسیح مُعْجَزه‌ای بَهر مُشْرک نکرد و کافر هم
- ۸- شرطِ مُعْجَز همیشه ایمان بود دیدی اوّل به بین [ببین] تو آخر هم
- ۹- از چه خواهند خارق عادات اینک انجیل و مُصْحَف و تورات

- ۱-۲- بیت اوّل اشاره به حُجَّیَّتِ آیات و عدم کِفَایَتِ مُعْجَزَاتِ اِقْتِرَاحِیَّه است که در جلد اوّل ذکر شد و بیت ثانی اشاره به مندرجات سفر خروج فصل ۲۲/۷ و فصل ۷/۸ می باشد.
- ۳- داستان زن عَرَّافه یعنی غیبگو در کتاب اوّل شَمُوئیل فصل ۲۸ مسطور است.
- ۴- اشاره به مندرجات فصل ۱/۱۳ ... توراتِ تَنْبِیْه است.
- ۵- اشاره به مندرجات انجیل یُوْحَنَّا فصل ۱۰/۴ می باشد.
- ۶- اشاره به مندرجات انجیل مَتّی فصل ۱/۱۶ و فصل ۳۸/۱۲ است.
- ۷- اشاره به انجیل مَتّی فصل ۵۸/۱۳ می باشد.
- ۸-۹- معنی واضحست به کتب استدلالیه مراجعه شود.

بند صد و یکم

- ۱- مُعْجَز آر رایجُ الْمُعَامَلَه بود بَهر هَر قوم خَتَم مَسْئَلَه بود
- ۲- کُفْر از ایمان کجا شدی مُمْتَاز کُفْر و دین را کجا مُجَادَلَه بود
- ۳- و این همه رَدِّ مُعْجَز از قرآن گو چه حاجت به رَفْع غَائِلَه بود
- ۴- و آنچه می‌خواستند اگر می‌کرد قوم او را چرا از او گِلَه بود
- ۵- اگر او کرد و کس قبول نکرد صَرَقَه در تُرکِ این مُعَامَلَه بود
- ۶- اگر آورد نار فُربان‌سُوز با یهودش چرا مُقَاتَلَه بود
- ۷- مُرده‌ای می‌نمود اگر زنده با نَصاری نَه در مُبَاهَلَه بود

۸- اگر آوردی آب و چشمه و باغ گو چه لازم نزاع قافله بود

۹- چون کسی گفت و کرد حُجَّتِ اوست مُعْجِزَ هَر نَبِيٍّ نُبُوتِ اوست

۱-۵- معنی واضحست و آیات ردِّ مُعْجِزَات در قرآن از قبل نگاشته شد از جمله به آیه سوره بَنی اسرائیل وَ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ ... مراجعه شود.

۶- اشاره به آیه قرآن سوره آل عمران است که یهود از حضرت رسول مُعْجِزَاتِ انبیای قبل را خواستند برای تفصیل به کتاب مبارک ایقان مراجعه شود.

۷- آیه مبارکه در سوره آل عمران آیه ۶۱ نازل شده است.

۸- اشاره به درخواست مُشْرِکِین از حضرت رسول است که در سوره بَنی اسرائیل وارد شده و نَصَّ آيَت در جلد اول مسطور است.

۹- معنی واضحست به کتب استدلالیه مراجعه شود.

بند صد و دوّم

۱- دَعْوَى از شخص باب مُعْجِزَه است آرَد اُمّی کتاب مُعْجِزَه است

۲- بی تَأْتَى و بی سُوْن قَلَم هر سخن را جواب مُعْجِزَه است

۳- آرزوی فدا به راه حَبِيب و آن شود مُسْتَجَاب مُعْجِزَه است

۴- نشدن کارگر هزاران تیر لیک قَطْع طَنَاب مُعْجِزَه است

۵- از طَرِيد شَرِيد مَسْجُونِي به سَلَاطِين عِتَاب مُعْجِزَه است

۶- وَز اسیری مُقَيَّدِي ساکن در جهان انقلاب مُعْجِزَه است

۷- سُوِي صَد گونه ابتلا و خطر از قلوب انجذاب مُعْجِزَه است

۸- آن بنا کو به صَد هزار کُلنگ می‌نگردد خراب مُعْجِزَه است

۹- به خدا این گروه بی‌خبراند [بی‌خبرند] یا که با چَشم و گوش کُور و گَرَنَد

۱-۲- اشاره به بیان مبارک حضرت اعلی در باب عاشر از واحد رابع و باب اول واحد ثانی است قوله تعالی نفسی که ۲۴ سال از عمر او گذشته و از علومی که کل به آنها متعلم می گشته متعری بوده و حال این [در نسخه ای: به این] نوع که تلاوت آیات می نماید بدون فکر و تأمل [همانجا: و] در عرض پنج ساعت هزار بیت در مناجات می نویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیه در علو مقامات معرفت در [همانجا: و] توحید ...

۳- اشاره به بیان حضرت اعلی که در "کتاب فیوم الاسماء تفسیر سورة یوسف" مخاطباً لمحبوبه الابهی فرموده "یا بقیة الله قد قدیت بکلی لک و رضیت السب فی سیلک و ما تمیت إلا القتل فی محبتک ... الخ
 ۴- ۷- معنی واضحست.

۸- مضمون بیت از شاعر عرب است که گفته

اری کل بان لا یقوم بهادیم فکیف بیان خلفه الف هادیم

[در نسخه هایی دیگر: آری الف بان لایقوم لهادیم/ بهادیم فکیف بیان خلفه الف هادیم]

۹- معنی واضحست.

بند صد و سوم

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| ۱- خُلقش اخلاق را مُنور کرد | نُطقش آفاق را مُسخر کرد |
| ۲- قدرتش خلق دیگر ساخت | این جهان را جهان دیگر کرد |
| ۳- حکمتش اختلاف کل کتب | با براهین به هم برابر کرد |
| ۴- علمش اسرار انفس و آفاق | به جهان ظاهر و مُصور کرد |
| ۵- گرمش هر فقیر مسکین را | از علوم و فنون توانگر کرد |
| ۶- قوتش در میان بحر بلا | ممتی ثابت و مقرر کرد |
| ۷- به ملوک جهان شجاعت او | فاش اعلای حکم داور کرد |
| ۸- در بلیات استقامت او | دشمنان را ذلیل و مُضطر کرد |

۹- آنچه کرد او عیان ز حُقه راز به بُود یا فنون شُعبه‌باز

بند صد و چهارم

- ۱- از جمالِ قَدَمِ عیان و پدید
 - ۲- آن یکی مال و آن دگر فرزند
 - ۳- از پی کِشتِ خُشک باران داد
 - ۴- به دعا هر اسیر داد نجات
 - ۵- هم عطا کرد هر که حاجت خواست
 - ۶- مالِ مَسْرُوقِ را نشانی داد
 - ۷- جَبَرِ پای شکسته کرد چنان
 - ۸- آن مناجات را که از سر شوق
 - ۹- مُعْجِزَش لا تُعَدُّ و لا تُحْصَى است
- کیست آن کس که مُعْجِزات ندید
و آن دگر هر چه خواست او بخشید
در تن جان‌فُسُرده رُوحِ دمید
به لقا هر که بر مُراد رسید
هم شِفا داد هر که زر طلبید
سِرِّ مَسْتور را نمود پدید
کز میان گردِ استخوان روئید
خواندم از مُلکِ رَیْ به عَگه شنید
دفترش صفحه همه دنیا است

۹-۱- معنی ابیات واضحست . در الواح مبارکه صریحاً نازل شده که از طرفِ مَظْهَرِ امرالله خوارق عادات ظاهر گردید برای تفصیل به کتابِ دُرُجِ لِنَالِی هِدایتِ جلدِ دوّمِ مراجعه شود و نیز به صفحه ۱۰۳ مجموعه اقتدارات و مُفاوضاتِ مبارکِ حضرتِ عَبْدِالْبَهَاءِ صفحه ۲۸ و غیره مراجعه شود.

و شرح مصراع در تن جان‌فُسُرده رُوحِ دمید به تفصیل در کتابِ تَذْکِرَةُ الْوَقْفِ صفحه ۲۴۱ از قلم مبارک حضرتِ عَبْدِالْبَهَاءِ نازل گردیده و سایر مَضامین ابیات در بین احبّاءِ معروفست.

بند صد و پنجم

۱- جَهد کن ای جوان و عالمِ باش عالمِ اَنَدَر همه مَعالمِ باش

- ۲- در ره دین حَقّ مُبَلَّغ شو
- ۳- این دو اَعْلَى المَقَام دارین است
- ۴- تو مُجَادِل مَبَاش و تُنَد و غَیور
- ۵- مُتَّكَلِّم به نزدِ سَامِع شو
- ۶- به زبان راستگو به دست آمین
- ۷- باش مَظْلوم یا به قاضی عدل
- ۸- العَرَض هر قَدَر که بتوانی
- ۹- آن که جویای طَلَعَتِ قَدَم است
- در علوم و فنون معلّم باش
- تو در اَعْلَى المَقَام قائم باش
- ناصح و نیکخواه و سالم باش
- مُتَّعَلِّم به نزدِ عالم باش
- به دل آسوده و مُلایم باش
- مُتَّظَلِّم ز ظلم ظالم باش
- از پَی نوع و شخص خادم باش
- فانی از بَهر خدمتِ اَمَم است

بند صد و ششم

- ۱- مُتَّصِف شو به وَصَفِ حَیِّ قَدِیم
- ۲- چَشم از عَیْبِ کائِنات بپوش
- ۳- دست از جَوْر و بُغْض و کین بَرَدار
- ۴- لَبِ خود در جوابِ خَصَم ببند
- ۵- پای از راه اِنْتِقَام بگش
- ۶- سائلی را ز خود مَکَن محروم
- ۷- نیکنَفَس و بلندهُمَّت باش
- ۸- خویش را در خدای فانی کن
- ۹- خَلَق تو او به صورتِ خود کرد
- دور باش از صفاتِ دیو رَجِیم
- چون خدای تو سائِر است و علیم
- چون خدای تو قادر است و حکیم
- چون خدای تو صابر است و حلیم
- چون خدای تو غافر است و رحیم
- چون خدای تو مُعْطی است و کریم
- چون خدای تو عالی است و عظیم
- چون خدای تو باقی است و قدیم
- به تو تَعْرِیْفِ خَلَقَتِ خود کرد

۹-۱- معنی ابیات واضحست.

۹- اشاره به بیان تورات سفر تکوین و حدیث قدسی اسلام است که فرموده خَلَقَ اللهُ الْإِنْسَانَ عَلَى صُورَتِهِ وَ مِثَالِهِ و شرحش در مُفَاوِضَاتِ مَبَارَكِ موجود است و مصراع ثانی اشاره به آیه قرآن است که خداوند بعد از شرح خلقت انسان می فرماید قَتَّبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ و به این جمله از خلقت انسان تعریف و توصیف فرموده است آیه شامل شرح خلقت انسان پیش از این گذشت.

بند صد و هفتم

- | | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| ۱- تو اگر صاحبِ درم باشی | جهد کن تا که با گرم باشی |
| ۲- از وجودت به خلق خیری کن | تا وجودی به از عدم باشی |
| ۳- مهربانی نما به خلق خدای | تا در انظار مُحترَم باشی |
| ۴- خویشتن را ز کس زیاد مگیر | ورنه از هر گمی تو گم باشی |
| ۵- از حسد و ز نفاق دوری جوی | ورنه پیوسته در الم باشی |
| ۶- گردِ هر فتنه و جدال مگرد | ورنه در قیدِ رنج و غم باشی |
| ۷- به قضای نوشته راضی شو | ورنه افسرده و دُرَم باشی |
| ۸- ظاهر و باطنت بهائی باش | ورنه گی نُخبه امم باشی |
| ۹- در حقیقت هر آن که اهل بهاست | حقّ به بهتر سَجِيه اش آراست |

بند صد و هشتم

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| ۱- فاسقِ خُفِيه به ز فاجرِ فاش | فاجِشه بهتر است از فَحَاش |
| ۲- می برَد فاسق از مناهی عیش | خوک را در کثافت است معاش |

سگِ دیوانه می‌دراند لاش	[۳-] بی‌ادب ز اهل دل خراشد دل
کفن از مُرده می‌برد نباش	[۴-] برد آر غیبت آبرو تمام
چشم گربه بُود به کاسه آش	۵- ز اهل دنیا مَخواه مهر و وفا
دزد گاهی برد ز خانه فُماش	۶- یار نادان همیشه دزدد عُمر
مدح خورشید گی کند خُفاش	۷- وصفِ دانا ز مُدعی مطلب
آشکار و نهان بهائی باش	۸- تو بر اهل جهان غیاب و حُضور
از همه عیب‌ها رهائی یافت	۹- هر که او مَنهَج بهائی یافت

۹-۱- مقصود واضحست و نباش در بیت چهارم کسی است که قبرها را می شکافد و کفن مردگان را می دزدد.

بند صد و نهم

سخن حَقّ به حَقّ گذاشته ام	۱- آنچه در این وَرَق گذاشته ام
بهر تو بر وَرَق گذاشته ام	۲- جوهر جان خود در این کَلِمات
بی‌ریا بر طَبَق گذاشته ام	۳- و آنچه دزدیدم از خزانهُ حَقّ
پا به فَرَق فَرَق گذاشته ام	۴- اندر اثباتِ حَقّ به عقل و به نقل
فیل در گوش بَقّ گذاشته ام	۵- لیکن از اختصار هر مطلب
عَطَفِ بر ماسَبَق گذاشته ام	۶- ناتمام آنچه بنگری ز کتب
از پی مُسْتَحَقّ گذاشته ام	۷- شرح و تفصیل و مطلب و تاریخ
بهر خود طعن و دَق گذاشته ام	۸- بهر تو من تذکر و تعلیم
ز آنکه مَن صَنَفَ قَدِ اسْتَهْدِف	۹- بهر جان تو جان بنده هدف

۱-۹- مقصود واضحست. در بیت پنجم کلمه بَقَّ به معنی پشه است و مقصود آنست که مطالبِ مُفَصَّل را در ابیات به طوری مُجَمَّل و فشرده ذکر کرده ام مثل آن که فیل عظیمی را به قدری کوچک کنید که در گوش پشه جای گیرد. و کلمه دَق در بیت هشتم به معنی طَعنه و عیب جوئی است. و بیت آخر شامل مَثَل معروفست که گویند مَنْ صَنَّفَ قَدِ اسْتُهْدِفَ یعنی هر کس کتابی تصنیف کند خود را در مَعْرَضِ ایراد و اعتراض مردم قرار می دهد.

بند صد و یازدهم [در اصل متن احتمالاً بجای بند صد و دهم بند صد و یازدهم درج شده است.]

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱- ای خدا دُوق نکته‌دانی ده | رَه سوی نکته نهانی ده |
| [۲-] چشم را نور حَقِّشناسی بخش | گوش را هوش حَقِّشنائی ده |
| ۳- قلب را جستجوی حَقِّجوئی | روح را رزق آسمانی ده |
| ۴- عُمر را زندگی جاویدان | جان باقی به عُمر فانی ده |
| ۵- جمله را با مُقَرَّبان حضور | همنشینی و هم‌زبانی ده |
| ۶- ظُلُمات است جمله کَلِمات | تو از آن آبِ زندگانی ده |
| ۷- لفظ و معنی به قدر دانش ماست | تو به الفاظِ ما معانی ده |
| ۸- آنچه می‌باید آنچه می‌شاید | ما ندانیم آنچه دانی ده |
| ۹- إِنَّكَ أَنْتَ قَاضِيُ الْحَاجَاتِ | عَالِمُ الْغَيْبِ رَافِعُ الدَّرَجَاتِ |

[چهار صفحه آخر کتاب شامل غلطنامه است که چون در این متن اعمال و اصلاح گردید، از تایپ آن صرف نظر شد.]